

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لیست ترتیبی خطبه‌های مناسب‌های سال ۱۳۹۴

- ۰۱- خطبه‌ی ولادت حضرت زهرا (س)- ۲۰ فروردین ۹۴
- ۰۲- خطبه‌ی ولادت امام محمد باقر (ع)- ۳۱ فروردین ۹۴
- ۰۳- خطبه‌ی شهادت امام هادی (ع)- ۲ اردیبهشت ۹۴
- ۰۴- خطبه‌ی ولادت امام جواد (ع) و حضرت علی اصغر (ع)- ۹ اردیبهشت ۹۴
- ۰۵- خطبه‌ی ولادت امیرمؤمنان علی (ع)- ۱۲ اردیبهشت ۹۴
- ۰۶- خطبه‌ی شهادت حضرت زینب (س)- ۱۴ اردیبهشت ۹۴
- ۰۷- خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع)- ۲۲ اردیبهشت ۹۴
- ۰۸- خطبه‌ی عید مبعث و ولادت حضرت نرجس خاتون (س)- ۲۵ اردیبهشت ۹۴
- ۰۹- خطبه‌ی اعیاد شعبانیه- ۱ خرداد ۹۴
- ۱۰- خطبه‌ی عید نیمه‌ی شعبان ولادت حضرت قائم (عج)- ۱۳ خرداد ۹۴
- ۱۱- خطبه‌ی شب اول ماه مبارک رمضان- ۲۷ خرداد ۹۴
- ۱۲- خطبه‌ی رحلت حضرت خدیجه‌ی کبری (س)- ۵ تیر ۹۴
- ۱۳- خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)- ۱۱ تیر ۹۴
- ۱۴- خطبه‌ی شب نوزدهم رمضان شب قدر- ۱۴ تیر ۹۴
- ۱۵- خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب بیست و یکم شب قدر- ۱۶ تیر ۹۴
- ۱۶- خطبه‌ی شب بیست و سوم رمضان شب قدر- ۱۸ تیر ۹۴
- ۱۷- خطبه‌ی عید فطر- ۲۷ تیر ۹۴

- ۱۸- خطبه‌ی شهادت امام جعفر صادق (ع) - ۲۰ مرداد ۹۴
- ۱۹- خطبه‌ی ولادت امام رضا (ع) - ۳ شهریور ۹۴
- ۲۰- خطبه‌ی شهادت امام جواد (ع) - ۲۳ شهریور ۹۴
- ۲۱- خطبه‌ی شهادت امام محمد باقر (ع) - ۳۰ شهریور ۹۴
- ۲۲- خطبه‌ی روز عرفه - ۱ مهر ۹۴
- ۲۳- خطبه‌ی عید قربان - ۲ مهر ۹۴
- ۲۴- خطبه‌ی ولادت امام هادی (ع) - ۶ مهر ۹۴
- ۲۵- خطبه‌ی عید غدیر - ۱۰ مهر ۹۴
- ۲۶- خطبه‌های محرم و صفر - مهر، آبان و آذر ۹۴
- ۲۷- خطبه‌ی شهادت حضرت رقیه (س) - ۲۲ آبان ۹۴
- ۲۸- خطبه‌ی ولادت امام موسی کاظم (ع) - ۲۷ آبان ۹۴
- ۲۹- خطبه‌ی روز اربعین - ۱۱ آذر ۹۴
- ۳۰- خطبه‌ی رحلت حضرت رسول اکرم (ص) و شهادت امام حسن (ع) - ۱۹ آذر ۹۴
- ۳۱- خطبه‌ی شهادت امام رضا (ع) - ۲۱ آذر ۹۴
- ۳۲- خطبه‌ی شهادت امام حسن عسکری (ع) - ۲۸ آذر ۹۴
- ۳۳- خطبه‌ی سالروز آغاز امامت حضرت مهدی (عج) - ۳۰ آذر ۹۴
- ۳۴- خطبه‌ی ولادت پیامبر (ص) و امام صادق (ع) - ۸ دی ۹۴
- ۳۵- دل نوشته‌ی دعای ندبه - ۲۵ دی ۹۴
- ۳۶- خطبه‌ی ولادت امام حسن عسکری (ع) - ۲۸ دی ۹۴

۳۷- خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س)- ۲۵ بهمن ۹۴

۳۸- خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) روایت اول- ۳ اسفند ۹۴

۳۹- خطبه‌ی حقیقت فاطمیه- ۱۴ اسفند ۹۴

۴۰- خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) روایت دوم- ۲۳ اسفند ۹۴

اللهم عجل لوليک الفرّج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۰ فروردین ۹۴

خطبه‌ی ولادت حضرت زهرا (س)

حمد و سپاس پروردگار جلیل و جمیل و یکتا را سزااست خداوندی که لباس عزت و وقار و بزرگی دربر دارد و به آن گرمی است و سزاوار تسبیح اگرچه فراتر از اندیشه و بالاتر از عقل و دانش است و برکات پروردگار عالم در آغازی منور است آنگاه که امر می‌فرماید: کجایند پرچم‌داران حق؟ همانانی که در کلام خویش بر پروردگارشان سبقت نمی‌گرفتند و زبان در کام جان می‌نهادند تا جانشان طعم بندگی را بچشد و ذائقه‌ی نهانشان به دنبالش به حرکت درآید آنگاه ندایی با جانشان درآمیزد و این‌گونه سخن آغاز کند: ای فرمان‌بران، بر گوشت و پوست و استخوان و هر آنچه که به اراده‌ی خویش آفریدم امر فرمودم که مرا بپرستید و آنان سر اطاعت بر فرمانم نهادند سپس عقل را بر فرماندهی برگزیدم؛ او اراده‌ی جان‌ها را در احاطه‌ی خویش گرفت و خطاب به پروردگارش عرضه داشت: ای خالقم، قدرتم را از روحی منور گرفتم و بر تخت جان‌ها نشستم؛ بسیاری را زنده یافتم و امر کردم که از خالقشان اطاعت کنند و بسیاری را همانند چهارپایانی که نیازی به من نداشتند پس به فرمان خویش عمل کردند و جانشان از نعمت من تهی گشت، اینک بر دامن کبریایت چنگ زده‌ام تا جان را به پرتوأم بیفروزی و انوارم را به همگان بنمایانی و درجه‌ام را آشکار سازی و مرا سپاسگزار لحظه‌ای که ندایی طنین انداز می‌شود که نام مرا می‌خواند و عقل کل آشکار می‌گردد.

چه زیباست این نجوا و شکوای عقل با پروردگار کریم از زبان مبارک سرور عالمیان حضرت زهرا (س) و خوشا به حال آنانی که عقل را در جایگاه بزرگ آن به کار بستند و می‌بندند و بدا به حال آنانی که برخلاف تصورشان عقل را از فرماندهی وجودشان عزل و نفس اماره را بر جایش نشانده نه تنها فرمان‌بر آن شدند بلکه از آن‌هم فراتر رفته و به پرستش آن پرداختند.

ما در این شب، شب میلاد گوهر و گنجینه‌ی بی‌همتای الهی در این مکان مقدس دور هم جمع شده‌ایم، گوهری که بالاتر از عقل گفت و عمل نمود و عقل را وادار به اعتراف کوچکی در برابرش فرمود و قبل از آغاز امتحان الستی، گنجینه‌ی وجودش را عرضه داشت و پایان‌نامه‌ی خود را به تائید خالقش رساند. ایشان مادر هستی و پیامبران و امامان و اولیاء و سرور زنان، کوثر جاری الهی، معدن علم و کمال، ماه تابان هدایت، ستاره‌ی درخشان نبوت و رسالت و زینت‌بخش بندگی و عبادت، پسندیده و مطهر و پاکیزه سرور عالمیان حضرت زهرا (س) است.

از ایشان چه می‌توان گفت درحالی‌که ایشان کوثر الهی، دخت نبی و همسر ولی و مادر یازده امام برگزیده‌ی الهی است. از کدامین حسن بی‌شمار ایشان سخن بگوییم تا قلب مشتاقمان آرام گیرد؟ پس از خود ایشان یاری می‌طلبیم که فرمودند: همواره پدرم رسول خدا (ص) می‌فرمودند: فاطمه جان، کدام لباسی قادر است تا جانی را بپوشاند که پوشش ملکوت نتوانست آن را پوشش دهد پس جان عزیزت جز با انوار پروردگارت با هیچ لباسی در حجاب قرار نخواهد گرفت و چه سعادتمند هستند دوست‌دارانت که لباس عزتشان نام با برکت تو خواهد بود.

پس خواهران و برادران ماییم که مدعی دوستی توأم با عشق به وجود مقدس سرور عالمیان حضرت زهرا (س) هستیم باید که شکر گذار پروردگار کریم باشیم چون طبق مژده‌ی رسول خاتم حضرت محمد (ص) نام حضرت فاطمه (س) لباس عزت‌مان در دنیا و آخرت خواهد شد و همان‌گونه‌ای که خواهیم شنید عظمت بندگی و اطاعتش معنا کننده‌ی یحیی و یمیت است که فرمودند: روزی جبریل امین گردن‌بند مجلل و با شکوهی برای هدیه به پیشکشی خدمت پدرم رسول خدا آوردند تا هدیه‌ی ازدواج من با امیر مؤمنان باشد. پدر سجده‌ی شکر کردند و فرمودند: آن را چگونه به فاطمه هدیه کنم درحالی‌که گردنش در حلقه‌ی اطاعتی می‌درخشد که همواره دوران‌ها در آن به عظمتی معترف است که معنا کننده‌ی یحیی و یمیت است؟ پدر آن هدیه الهی را به من دادند و فرمودند: این حلقه‌ی بندگی فرزندان است که آخرین آن‌ها این

هدیه را گرمی خواهد داشت پس چشمی آن را درک نمی‌کند مگر بقیة الله را در آیات الهی بشناسد.

اینک ضمن عرض تبریک و تهنیت به وجود نازنین سرور و مولایمان یوسف زهرا بقیة الله ارواحنا لک الفدا ابراز می‌داریم: مولای ما، همان‌گونه‌ای که رسول خدا به مادر گرمی‌تان فرمودند، شرط رسیدن به بندگی با اخلاص و آویختن مدال آن بر گردن اطاعت، به دست مبارک شماست پس ما را یاری فرمایید تا در عصر حاضر و در دولت ظهور جزء کسانی باشیم که نشان شما را از آیات کریمه‌ی قرآن گرفته و با جان و مال و همه‌ی داشته‌های خود بر آن پایداری کنیم.

حال در این روز مبارک که به میمنت میلاد وجود مقدس حضرت زهرا (س) روز مادر نام گرفته، فرصت را غنیمت شمرده ابراز عشق و محبت مولایمان اباصالح المهدی (عج) به مادرشان را بیان می‌کنیم و چه زیبا و دل‌انگیز است این ابراز محبت فرزند به مادر که حضرت نرجس خاتون (س) فرمودند: پسر مهدی با دست لطیف‌تر از برگ گلش دستم را در دست گرفت و فرمود: مادر، هر بار که به دیدارتان می‌آیم شعله‌ی عشقی در جانم حیات می‌یابد که زبانی توانمند دارد و قادر است تا به سخن درآید و ابراز دارد که: آغوش مادر بهشتی وصف ناپذیر است و من سرش را به سینه‌ام چسباندم و ابراز داشتم: این شعله همانند شعله‌ای است که در جان من برای دیدار سیده‌ی زنان عالم است پس محبتی کنید تا به دیدار مادر نائل شوم.

اینک در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت خدمت مادران و خانم‌ها و مادران آینده مهمانان این کوی عشق به تمنا از مولایمان بخواهیم تا ما را در این شب از لطف و عنایت خاصی مادر گرمی‌شان سرور عالمیان بهره‌مند فرمایند.

در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها از فضل و کرمات به پیامبر گرمی اسلام و امتش و بشریت کوثر جاریه را عطا فرمودی که خیر و برکتش تا قیامت بر اهل زمین جاریست، شکر و سپاسمان را بپذیر و ما را قدردان این نعمت بزرگ قرار بده.

بار الها دشمنان و بدخواهان سرور عالمیان و همسر گرامی‌اش و فرزندانش هر روز بیشتر از قبل در عناد و کینه‌ی خود اصرار می‌ورزند آنان را در گودال فتنه‌ی خودشان سرنگون بفرما.

بار الها در ظهور فرزند برومند و گرامی حضرت زهرا (س) مولا و سرورمان امام عصر (عج) تعجیل بفرما تا بشریت به شأن و مقام واقعی مادر گهربارشان آگاه شده از خیال‌بافی و قصه‌پردازی‌های کاذب در مورد ایشان رهایی یابند.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۳۱ فروردین ۹۴

خطبه‌ی ولادت امام محمد باقر (ع)

خدایا من سخن را به سپاس تو آغاز می‌کنم و با ستایش تو گویا می‌شوم؛ معبودم تو را شکر می‌کنم به مدح و ثنا و سپاست که نهایت ندارد درحالی‌که به بزرگی‌ات کسی معرفت نداشته و به فضل و کرمت ستوده نشدی به عظمت جلالت و شکوهت شناخته نبودی چون بالاتر و فراتر از آن هستی که اندیشه و عقلی به آن رسد. نیست معبودی غیر از تو ای پروردگار عزیز و حکیم و من به شکر قیام خواهم کرد چون عزت و نجاتم، آشکار کننده‌ی رمز و راز وجودم طبق فرموده‌ی سرور عالمیان در آن است که فرمود: شکر نامی است که در قالب خویش انواری را ذخیره نموده تا بندگان پروردگار عالم پرده‌ی جانشان را که نامش عزت است را از جسم خاکی جدا کنند و آنگاه به جلالتی بیندیشند که عمری را به آنان هدیه فرموده؛ عمری که در بطن جانش حکایت‌هایی از دورانی سخت را بیان می‌فرماید پس شکر بر درگهی سزاست که نوید نجات از این سراپرده را در وعده‌های ملکوتی‌اش بر جان بی‌قرار بندگان خویش مقرر فرموده تا سر پر رمز و رازشان شاهدی گویا بر حقیقت جانشان باشد.

چه زیباست این فرموده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا (س)؛ پروردگار کریم در عمری که بر بندگان مقرر فرموده برای رسیدن به این عزت و جدا شدن از جسم خاکی و عروج به ملکوت پیامبران را برگزید و به هرکدام شریعتی عطا کرد و راه و روش و قانونی معین داشت و برایشان جانشینانی انتخاب فرمود که یکی پس از دیگری نگهبان دین باشند و وسیله‌ای برای رسیدن به خشنودی و قربش که ما در شب میلاد یکی از این نعمت‌ها و رحمت‌های بی‌کران الهی در این کوی معرفت و عشق دور هم جمع شده‌ایم. ایشان شکافنده‌ی علوم و وارث انبیاء، پنجمین اختر آسمان امامت و ولایت محمد بن علی ملقب به باقر هستند که اول رجب سال ۵۷ هجری در مدینه منوره به دنیا آمدند. مادرشان فاطمه دختر امام حسن مجتبی (ع) و پدرشان امام سجاد (ع) بودند به همین خاطر یکی از محاسن ایشان این است که جد پدر و مادرشان هر دو امام بودند. امام محمد باقر (ع) شاهد عینی لحظه‌های نهضت

کربلای جدشان اباعبدالله الحسین (ع) بودند. با چشم مبارکشان امت جد بزرگوارشان رسول خاتم حضرت محمد (ص) را دیدند که به دلیل دور شدن از فرهنگ غنی اسلامی به جهالتی مبتلا گردیدند که رگ حیاتشان را بریدند و اهل بیت پیامبر را مورد آزار قرار دادند و آن را پیروزی فرض کردند و این جهالت و دور شدن از فرهنگ اسلامی حاصل دسیسه و فتنه‌ای بود که از جانب حکام ظالم و جنایتکار و دنیاپرست آن‌چنان بر عقاید و عقل آنان به حيله رخنه کرده بود که حق را باطل و باطل را حق تصور می‌کردند و شیطان و نفس اماره بر آنان غلبه کرده بود، در نتیجه امام محمد باقر (ع) در طول عمر گرانقدرشان نسبت به آگاهی دینی و فرهنگ‌سازی و تربیت علمی با اصلاح باورهای غلط امت مسلمان تلاش بی‌وقفه‌ای کردند و لحظه‌ای از این کار دست بر نداشتند که حاصلش تربیت علمای زیادی بود که در شهرهای مختلف کشورهای اسلامی پخش شده و مردم را با علم و دین آشنا کردند.

اینک ما در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به پیشگاه مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) به مناسبت میلاد جد بزرگوارشان امام محمد باقر (ع) ابراز می‌داریم: مولا و امام و ولی نعمت ما، بشریت مخصوصاً امت مسلمان به جهالتی سخت‌تر و تاریک‌تر از زمان امام محمد باقر (ع) دچار شده، ما را دریابید که قلبمان آکنده از غم و اندوه از این همه باورهای غلط و کج‌روی‌ها و ظلم و جنایت و فتنه و فساد و کفر و نفاق است و در این عصر فتنه و بی‌دینی و کشتن و حرمت شکستن مسلمانان باعث افتخار شده؛ جان عالم به فدای قلب نازنینتان که با دیدن این مردم پر از غم و اندوه است ولی حکمت به تأخیر افتادن ظهورتان را خداوند حکیم و مهربان و شما سرور و مولایمان بهتر می‌دانید و ما جز شکایت و دعا برای ظهور راهی نمی‌شناسیم و همان‌گونه‌ای که امیر مؤمنان علی (ع) توصیه کردند عمل می‌کنیم که فرمودند: در دنیا مردم مانند کشتی نشستگانی هستند که کشتی آن‌ها دچار امواج دریا گردیده و باد و امواج، کشتی را از یک طرف به طرف دیگر می‌برد و دسته‌ای از آن‌ها در دریا بر اثر تلاطم امواج به هلاکت می‌رسند و دسته‌ای دیگر اگر رهایی یابند باز در معرض باد و امواج هستند و ای بندگان خدا اکنون که زنده هستید و زبان‌هایتان آزاد و اعضای بدنتان سالم است موقعیتی است که برای تأمین نجات خود

در دنیای دیگر اقدام کنید و نگذارید که فرصت از دست برود و مرگ از راه برسد و به طور حتم بدانید که مرگ بر شما فرود خواهد آمد اگرچه در انتظارش نباشید.

اینک با این روز مبارک ماهی را آغاز کردیم که سرشار از خیر و برکت است که در مورد بزرگی و فضیلت این ماه چه زیبا امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند که: آنگاه که پروردگار جهان اراده فرمود تا زمین را بیافریند و روزها و شبها را برایش مقرر فرمود اراده کرد تا موجودی را خلق کند که در این ساعات زندگی کند و روزهایی را ببیماید که مانند یکدیگر نباشد، پس در ماهها فزونی نهاد تا گنجهای معنوی آن استخراج شود. ماه رجب یکی از آن گنجهاست که با عبادت و اطاعت گنجهای معنوی آن استخراج می‌شود و جوینده‌ی گنج باید توانمند باشد و گنج خود را ارزان نفروشد. دل را به صاحب آن بسپارد تا مرتب به آن جلای الهی بزند تا آینه‌ای باشد برای رؤیت نور، نور ظلمت‌ها را از بین برد و وجود را آماده‌ی دیدار حق کند.

ما ضمن شکر و سپاس بی‌کران بر خداوند عزوجل با مناجات ماه رجب دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها تویی تنها و آخرین امید من برای هر خیری و پناهگاهم از خشم و هر شری.
بار الها به جود و کرمت می‌بخشی بندگانی را که از تو درخواست کنند و یا درخواست نکنند و سپاست نگویند؛ بار الها من به درگاهت با تمام امید و به همراه حمد و ستایشت رو کردم که به من عطا کنی خیر دنیا و آخرت را و دفع کنی از من شر دنیا و آخرت را.

بار الها هر چه از کرمت بر من بخشایی از دریای لطف و احسانت کم نخواهد شد پس با فضل و جود و سخایت بر آن بیفزا.

بار الها ای دارای بزرگی و عطا و نعمت‌ها و نیکویی‌ها ببخش جرم و گناهم را و حرام کن بر من آتش دوزخ را.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲ اردیبهشت ۹۴

خطبه‌ی شهادت امام هادی (ع)

بار خدایا حمد و ثنا درخور عظمت و بی‌نیازی توست که صاحب همه‌ی نعمت‌ها و رحمت‌هایی که آفریدی و روزی دادی، بخشیدی و مهربانی کردی، بدی و خوبی را الهام نمودی، عطا کردی و افزودی پس هر که به غیر تو امید بست ناامید شد و هر که از غیر تو عزت جست خوار گشت. نیست معبودی جز ذات اقدس.

بار الها ماهی را آغاز نمودم که مقدمه‌ای است بر ماه پیامبرت، افضل اوصیاء، حضرت محمد (ص) و ماهت ماه رمضان، پس به من توفیق عبادت و صبر شکرگزارانت، عمل دوستدارانت و یقین عابدانت را عطا کن و یاریم کن عملی را انجام دهم که خیر و ثواب و نجات دنیا و آخرت در آن باشد.

سلام و صلوات بر رسول اکرم، واسطه‌ی خیر و برکت، حضرت محمد (ص) و بر خاندان پاکش و سلام بر دوران‌ها و بر امانت جانشان؛ همان‌هایی که آمدند تا نقش را معنا کنند؛ نقش استوار بندگی، پس پرده‌ی جانشان را گشودند تا همگان در آینه‌ی روحشان نمادی از خلقت را شاهد باشند آنگاه دست توانمندشان را گیرنده‌ی دست‌هایی نمودند که نشانی‌شان را پروردگار در کتاب آسمانی قرآن کریم اعلام فرموده همانانی که نقش روحشان نقشی استوار است نقشی که سازنده‌ی جان خلیفه است.

پس شکر پروردگار کبریایی و قدرتمند و آفریننده که خود فرمود: بزرگوار است خدایی که سلطنت ملک هستی به دست قدرت اوست و بر هر چیزی تواناست، خدایی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدامیک نیکوکارتر است و او مقتدر و آمرزنده‌ی گناهان بندگان است بندگان که همواره حیاتشان را با انوار پروردگارشان جاودانه می‌سازند و دست محبتشان را بر جان‌هایی می‌گشایند که مودت را جز به عمل نمی‌آریند.

پس به فرموده‌ی سرور عالمیان، حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (س) شرط مودت عمل به دستورات خداوند در قرآن کریم است که در آن صورت است که دست‌های

قدرتمند اهل بیت به یاری بندگان خواهد آمد و نجات و سعادت دنیا و آخرت را در پی دارد، در غیر این صورت نه تنها مودتی پذیرفته نیست بلکه توحید نیز پذیرفته نخواهد شد پس باید فریاد کرد وای بر احوال دشمنان اهل بیت که چه سیه روز و بدفرجام هستند.

ما در این روز به سوگ یکی از اختران آسمان امامت در این کوی عشق نشستیم که آن شهادت دهمین اختر امامت و ولایت، هدایت کننده، صابر و عادل، عالم و هادی، حضرت امام علی نقی است. فرصت را غنیمت داشته گوشه ای از زندگانی پر برکت ایشان را بازگو می کنیم.

نام آن بزرگوار علی و لقب های مشهورشان نقی و هادی است. عمر شریف ایشان چهل سال بود. در نیمه ذی الحجه سال ۲۱۲ متولد و در سوم رجب سال ۲۵۴ به دست معتز عباسی لعنت الله مسموم و به شهادت رسیدند. مدت امامت ایشان سی و سه سال است. هفت ساله بودند که حضرت امام جواد (ع) پدر گرامی شان شهید شدند و امامت به ایشان منتقل گردید. سیزده سال در مدینه به سر بردند و متوکل عباسی که امیر مؤمنان علی (ع) در نهج البلاغه او را شقی ترین خلفای عباسی به شمار آورده، ایشان را جبراً به بغداد آورد. در مدت بیست سالی که وجود مبارکشان در بغداد بودند متوکل لعنت الله هم ایشان را به زندان می انداخت و هم در زمانی که امام در خارج از زندان بودند نیز به آزار و اذیت ایشان می پرداخت.

حال ضمن تسلیت به ساحت مقدس فرزند گرامی امام هادی، امام و مولایمان ابی صالح المهدی (عج) مزین می کنیم این خطبه را به فرازهایی از زیارت جامعه ی کبیره که از زبان مبارک امام هادی (ع) است که سرشار از نکته های پرمغز و ادب حضور و معرفی جامع و کامل اهل بیت می باشد که در فرازی در شناخت اهل بیت آمده است که: شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت و حجت های خدا بر اهل دنیا و آخرت، خداوند کریم شما را عزت داد به هدایت، برگزید به خلافت، امین داشت به سر و حکمت و قرارداد شما را پایه های توحید، پاک کرد از بدی ها و شما دعوت کردید مردم را به امر به معروف و نهی از منکر و جهاد با مال و جان و فرزند در راه خدا پس مولا و

سروران من، به راستی که گناهانم پاک نشود مگر به شفاعت شما چون خداوند کریم شما را مأمور هدایت و نجات ما قرارداد پس یاریمان کنید تا از آلودگی‌ها پاک شده و رستگار شویم.

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی ولادت امام جواد (ع) و حضرت علی اصغر (ع) ۹ اردیبهشت ۹۴

بار خدایا، ای صاحب نعمت‌های بزرگ و رحمت‌های عطا شده‌ی فراوان و خالق خورشید و ماه و ستارگان، وصف نشوی چون ماندنی نداری؛ نزدیک‌تر از رگ گردنی و دورتر از هفت آسمان، یکتایی در سلطنت، یگانه‌ای در بزرگی و جبروت و فقط تو سزاوار پرستشی چون عشق را آفریدی و در وجودها به ودیعه نهادی و لذت ابرازش را در سلام قرار دادی همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان فرمودند: سلام نامی است که پروردگار عالم، جان عالم را با چراغ عزتش از سکوت به لطفی که به همراه خود رمزی را آشکار کند که کلیدش بیان عشقی استوار است آنگاه که می‌فرماید: نیکان از جام‌هایی می‌نوشند که آمیخته به کافور است، چشمه‌ایی که بندگان خدا از آن می‌نوشند و آن را به هر جای که خواهند روان می‌سازند؛ پیوندهایی مبارک که سرچشمه‌ی آن از دل اولین مخلوق پروردگار جوشید و او درحالی که طعم بندگی را در چشمه می‌چشید بر این پیوند مبارک درود فرستاد، همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) فرمودند: این عشق در اولین دم و بازدم و نگاه حضرت آدم، در وجودش چشمه‌ای آمیخته به طعم بندگی جوشید تا فرزندان از آن بنوشند و مستی‌اش را در دنیا و برزخ و قیامت با خود همراه کنند ولی افسوس، وای بر جان‌هایی که از خلقت خویش می‌گریزند تا حقیقت جانشان را در پرده‌ی ابهام افکارشان مخفی کنند. سود این جان‌ها ذخیره‌ای ندارد تا بدان خشنود شوند؛ با خود و آفرینششان بیگانه هستند، آنچه را می‌شناسند اقیانوسی پر تلاطم است که روز و شبش در احاطه‌ی امواج مرگباری است که جانشان را به خود می‌خواند تا در ورطه‌اش جز نابودی را نشناسد.

اینک ای مهمانان کوی عشق که بر سرچشمه‌ی گواری رجب نشسته‌اید، جام جانتان را با عبادت و اطاعت از این چشمه سیراب کنید تا لذت بندگی آمیخته به عشق را تجربه کنید، پس از مناجات رجبیه مدد می‌گیریم: بار خدایا من تو را می‌خوانم به مناجات اولیائت که امین سرت؛ مژده دهنده‌ی امرت، معدن کلمات، ارکان توحیدت، گواهان و دافعان و حافظان دینت هستند و به‌وسیله‌ی آنان پر کردی آسمانت و

زمینت را تا پدیدار شد نعمت و رحمت. پیامرز از ما آنچه را که تو می‌دانی و ما نمی‌دانیم و ما را وا مگذار به دیگری و اصلاح کن درون و امور ما را و به سلامتی در ایمان و عبادت و وارد کن به ماه روزه، به حق مولود این روز و این ماه رجب، نهمین خورشید امامت، شجاع در علم و دیانت و کمال، اباجعفر ثانی محمد بن علی حضرت امام جواد الائمه (ع) که همچون پدران و فرزندان بزرگوارش در راه مبارزه با ظلم و بی‌دینی همت والا داشته و هر زمانه‌ای که حاکمان با جسارت بر علیه سنت و اهل بیت پیامبر دشمنی می‌کردند ایشان با عقل و درایت در راه هدایت مردم کوشا بودند. گرچه عمر امام جواد کوتاه بود و غالباً در تبعید گذشت ولی باید گفت عمری با برکت بود به طوری که در تاریخ آمده در آن زمان عده‌ای از بزرگان و علما از شهرهای مختلف به مدینه رفتند و سی هزار مسئله را در چند روز از حضرت سؤال کردند و امام بدون درنگ جواب تمامی سؤالات را دادند. ایشان می‌فرمایند که: زندگی و مرگ همچون ساییدن دو دست به هم نزدیک است پس همواره مراقب ایمان و اعمال خود باشید.

ما در این شب مبارک ضمن شکرگزاری به درگاه خداوند کریم و درود و صلوات بی‌شمار و بی‌پایان بر خاتم رسولان و تاج پیامبران حضرت محمد (ص) و بر خاندان پاک و طاهرینش که همگی ستارگان هدایت و پیشوایان دین و وارثان رسالت بودند و نور و تقوایشان هدایت کننده‌ی مؤمنان و کور کننده‌ی منافقان و دشمنان بود و در این راه با جان و مال و فرزند مجاهدت فرمودند و سران و مردمان فریب خورده و ظالم و دنیا پرست که اسیر نفس و شیطان بودند ایشان را مانع اعمال و افکار شیطانی خود می‌دیدند در نتیجه به آزار و دشمنی با آنان پرداختند که هنوز نیز در عصر حاضر این کینه و عداوت ادامه دارد و چه زیبا امیر مؤمنان علی (ع) وصف حال آنان را ذکر کردند که فرمودند: ای مردم، الحذر الحذر از اطاعت از سران و بزرگان غیر صالح و سرانی که نسبت به مرتبه‌ی خود مغرورند و بیش از آنچه بی‌ارزند بر خود قیمت می‌گذارند و از افراد پست که خود را به دروغ دارای حسب و نسب معرفی می‌کنند پیروی نکنید و آب صاف خود را با آب لجن آلود آن‌ها مخلوط نکنید تا اینکه سلامتی شما با بیماری آن‌ها مخلوط نشود. آن‌ها طرفدار باطل هستند، باطلِ آنان را

وارد حق خود نکنید. آنان برای شیطان بار می‌برند و مترجمان شیطان هستند تا با زبانی که ابلیس می‌خواهد با مردم سخن بگوید و شیطان به وسیله آن‌ها عقل شما را می‌دزدد و وارد چشم‌های شما می‌شود و در گوش‌های شما وسوسه‌ی خود را فرو می‌خواند و شما هدف تیر شیطان می‌شوید و جای پای او و دستگیره‌ی دست او را تشکیل می‌دهید.

حال که شادی‌مان در این شب مصادف است با مبارکی و خیر و برکت قدوم مولودی تازه شکفته از گل گلستان نبوت، مجاهد شش ماهه‌ی کربلا که ره شصت ساله را پیمود و حماسه‌ای از عشق به معبود و امامت را در تاریخ به نام زیبای خود ثبت نمود و رسم و آیین اطاعت و یاری امام عصر خود را با تنها داشته‌ی خود، یعنی با خون گلویش نوشت و امضا کرد. ما ضمن عرض تبریک و تهنیت به پیشگاه مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) به میمنت قدوم مولود امشب به ساحت مقدسشان عرضه می‌داریم:

مولا و امام و سرور، ما حقیقت جویان، مهمان کوی مقدس و محمود شما، به دنبال آتش لطف الهی در بیابان انتظار نشسته‌ایم تا شما منجی جانمان، ما را از سرمای جهل نجات بخشید تا انتظارمان تبدیل به لطف و مرحمت پروردگار عالم شود و به تمنا دست دعا بر می‌داریم:

ای پروردگار، جانم را بر سر سفره‌ی احسان حقیقت جویان کویت پیوند زده‌ام، این پیوند را با جریان خون اندام‌هایم به ثمر برسان و از شر شیطان نفس در امانم بدار تا با جانی سوخته فریاد کنم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۲ اردیبهشت ۹۴

خطبه‌ی ولادت امیر مؤمنان (ع)

سلام بر یوم‌الدین، یومی مبارک، روز مرگ باطل، روز شکست شیطان و روز ظهور حق و عدالت. نامش را چه قلمی می‌نویسد و چه زبانی قادر است تا وصفش کند؟ آیا توان عقلی آدمیان از ازل تا ابد به نامش اندیشیده است؟ او کیست که اولین فریاد حق را همراه اولین تنفس زمینی‌اش در درون کعبه‌ی مکرمه به نمایش گذارده تا جای پایش تا قیامت مُعرف نامش باشد؟ پس او را ابوتراب خواندند تا خاک معنا شود. کدام خاک شاهی گویا خواهد بود بر پدری که در دامن خویش ابوتراب دیگری را به نمایش گذاشت. سیزده رجب چه طلوع با شکوهی را خبر می‌دهد. ذوالفقار به دیدنش می‌شتابد، خود را معرفی می‌کند، من همان تیغ بُرنده‌ای هستم که گلوی باطل را می‌درد تا عبد را معنا کند، پس پیشانی عبد می‌شکند، خون پاکش بر چهره‌ی مبارکش جاری می‌شود، ولی آرام نمی‌گیرد. چه سر پرشوری؛ تا قیامت شور هدایتش مردمان دهر را به خود می‌خواند. شیعه به وجود مبارکش افتخار می‌کند. او را به مدد جراحتهایی می‌خواند که جانش را مانند ریسمانی در خود پیچیده است. امروز ذوالفقار به ما می‌نگرد. برق تیغش در جان‌هایی اثرگذار است که توانسته باشند همراه امامت گردن باطل را آن‌چنان از تن جدا کنند که اثرش بشود شور عاشوراییان؛ شوری که به زمان محرم ختم نمی‌شود بلکه حرارتش را به جانش می‌خوراند تا با زبان دل با این ساعات پرشور درد دل کند، ساعاتی که به عاشورا نظر می‌کند و به زبانی که او را به محفل حقی دعوت کرده تا شنوای حقیقت جانش شود، زیرا جان این خانه تصویرتان را در شادی‌ها و غم‌ها مانند نقاشی ماهر در صندوقچه‌ی جانش به امانت نگه می‌دارد، پس سپاسگزار پروردگارتان باشید که آدرسش را یافتید.

اگر توانستید به واقع مهمانش باشید، پس امروز شیرینی نام علی بن ابی طالب (س) را در کامتان حس می‌کنید. مهربانی‌اش را در آغوش گرمش که همواره برای اسلام گشوده بود را با خود همراه کنید تا توان درک حق در جانتان مانند شرابی عمل کند که قرآن کریم به آن اشاره فرموده: که جان شما همواره دارای دو شراب مست کننده است، یا

از عشقش مست می‌شوید و یا از شَرش. اگر از شَرش مست شوید، فرق حق را می‌شکافید، آنگاه به دست حق قصاص می‌شوید.

پس صورتتان را به طرف کعبه‌ی مکرمه نزدیک کنید تا نوای داخلش را به گوش جان بشنوید. زمزمه‌ای شیرین فاطمه بنت اسد را خطاب می‌کند: فاطمه، پسری که در دامن گذارده‌ای برق نگاهش ویران کننده‌ی کاخ‌هایی است که مردمانش به صبح و شامی دل خوش‌اند که لقمه‌ی نانی و جرعه‌ی آبی زندگی‌شان را به اتمام می‌رساند. همواره در خیالشان دنیایی را ترسیم کرده‌اند که دارای سه وعده‌ی عبادت است. وعده‌ها از راه می‌رسد و به فرمانش جانشان آماده‌ی محضری که همواره از حقیقتش گریخته‌اند. پس مدال مسلمان شیعه به سینه‌هایی نصب می‌شود که آیات کریمه‌ی قرآن نشانش را فرموده، پس جانتان را به مدالش بیارآیید و مطمئن باشید هیچ حرکتی از چشم زمان پوشیده نیست.

آنچه در صفحه‌ی امروز نقش می‌بندد بیعت با حق است. بشتابید، فرصت عمرتان مانند عقربه‌ی ساعت به اتمامش نزدیک می‌شود، پیمان‌های جانتان را پر کنید تا صدای عاشوراییان را که همواره حقیقت خلقت را در آینه‌ی هدایت امامشان دیدند و با او ماندند نه با دنیایی که اثری از باطل را باقی نخواهد گذاشت.

اینک همگی به کعبه‌ی مکرمه نظر می‌کنیم تا از معمای جانی برآیمان صحبت کند که در درون جانش جای داده است، برای گشودن این رمز زیبا مُعلمش را می‌خوانیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۴ اردیبهشت ۹۴

خطبه‌ی شهادت حضرت زینب (س)

خطبه‌ی این روز بزرگ را با فرازهایی از دعای پر برکت ام داوود آغاز می‌کنیم:

راست فرمود خداوند جلیل و جمیل و حمید و مجید که نیست معبودی جز او و اوست زنده و پایدار، بخشنده و بردبار، گرامی و بی‌شریک. بار خدایا حمد و ستایش تو راست؛ بزرگواری و عزت و شکوه تو را سزاوار است؛ فرمانروایی آنچه در زمین و آسمان‌هاست از آن توست.

خدایا درود فرست بر ملائک و مقربین، بر انبیاء و مرسلین و حضرت محمد (ص) خاتم نبیین، بر خاندانش، درودی بی‌شمار و بی‌پایان مخصوص گردان بر آنان بر جانشینانشان و شهادایشان بر هدایت کنندگان و عبادت کنندگان، مؤمنین و پاکان و پاکیزگان.

بار خدایا ای معبود من و آقای من، بر خواری و فقیری و بی‌نوایی‌ام دل بسوزان؛ منم دل‌شکسته و هراسان، بیچاره و بی‌پناه، دل‌سوخته و اندوهگین که به درگاه با جود و سخا و با کرامت چشم دوخته و پناهنده شده. از تو درخواست می‌کنم به احترام این ماه حرام و مسجدالحرام و رکن و مقام که بازکنی درهای احسانت را، بیامرزی گناهانم را، برطرف کنی سختی و مشکلاتم را، گوارا و شیرین کنی بر من عبادتم را، دور کنی از من فتنه‌ی زمانه و دشمنانم را، خوار کنی ستمگران و حيله‌ی کافران را، جدایی نیندازی میان من و فرمان‌برداری کردنت را.

بار الها زمان و مکانِ اجابت دعاهایم را نزدیک و آسان گردان برآورده شدنشان را.

آمین

سلام بر آتشی آنگاه که فروزان شد، از درونش ندای عشق به ملکوتِ عالمِ زبانه کشید و پاسخی آمد و فرمود: ای عبد من، به آغوشم بنگر و به راهی که تو را بر فرازِ محبتم

بر آن جاده‌ی نور، هدایت خواهم نمود تا گوشت و پوستِ جانِ مادیات به فغان آید و معترف شود که ای وای بر شعله‌ی فروزانی که جانم را در محبتش آن‌چنان سوزاند که به فغان آمدم که ای پروردگارم به ستمی که بر خود کردم ترحم کن تا بار دیگر در پیشگاهت به آنچه به من ارزانی فرموده بودی بایستم تا فرشتگانت مرا در تاجِ خلیفگی‌ام ببینند و آنگاه گواهی دهند که با علمِ این عشق، بیگانه هستند و درک آنچه در مقابلشان است را ندارند و من درحالی‌که جان شیفته‌ام را در قالبِ بندگی‌ات متلاشی نموده‌ام به ثنا بگویم به من بنگرید که من ذره‌ای هستم که به محبتِ خالقم محتاجم.

بله، حضرت آدم (ع) با فرزندانش، آنانی که عشق و بندگی را در قالب خلیفگی، در دنیا به نمایش گذاشتند و از این عشق، هر لحظه سوختند و از هجران، ناله‌ها سر دادند و برای رهایی از زندانِ دنیا لحظه شماری کردند و برای رسیدن به قرب الهی، جان و مال و فرزند را فدا کرده و سخت‌ترین مصیبت‌ها و دشواری‌ها را همچون کوهی استوار تحمل کردند. در قیامت همه‌ی ملائک و جنیان را با اشتیاق، به سجده در می‌آورند؛ از جمله‌ی این خلیفگان، حضرت زینب کبری (س) هستند که قلب مهربانشان، اقیانوسِ مهر را به برهوت تبدیل می‌کرد، عشقشان در بندگی، آتش‌فشان‌ها را به خاموشی مبدل می‌کرد و همین عشق بود که بر همه‌ی عواطف خواهری و مادری پیروز شد و آن‌همه مصیبت و غم و اندوه را همچون کوهی مرتفع و سربلند تحمل نمود.

چگونه می‌شود درباره‌ی حضرت زینب (س) سخن گفت؟ کلماتی نیست تا او را توصیف کند و عقل و باوری نیست تا او را درک کند. حقاً که دختریِ امیر مؤمنان و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) شایسته و برازنده‌ی اوست و بس؛ کسی که برادران و برادرزادگان و فرزندان و همه‌ی بنی‌هاشم از مهر و عطوفت او سیراب می‌شدند و او را برای خود عزیزتر از مادر می‌دانستند.

باید باور کرد و یقین داشت که قلب حضرت زینب (س) از عجایب خلقت است؛ درحالی‌که به لطافت گلبرگ گل بود، برای رضایتِ الهی چنان محکم می‌شد که فولاد را

شرمنده می‌کرد. باید حضرت زینب (س) را شناخت و به او عشق ورزید همان‌گونه که مادر گرامی‌شان فرمود: عشق به زینب یعنی عشق به حقیقت پس حقیقت خلقت او رسیدن به نهایت عزت یک انسان در اطاعت از خالق خود است.

حضرت زینب کبری (س) که تربیت یافته در مکتب امیر مؤمنان علی (ع) و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) هستند پس از نهضت عاشورا با مردم مدینه در مورد حال خود چنین سخن گفتند که:

«ای مردم مدینه، تربیت فرزندان در خاندان نبوت، ریشه از اصل آفرینش دارد و همراه شدن من و فرزندانم و برادرم و برادرزاده‌هایم در سفری که در آن با کفر و زشتی مبارزه کردیم و توانستیم تا لحظاتی را برای خودمان جاودانه کنیم که حرارت حق را در وجودمان احساس کنیم و شمشیر را بر فرق باطل بکوبیم. من هنگامی که سر خونین پدرم امیر مؤمنان را در آغوش گرفتم چشمان خود را گشود و فرمود: زینب جان، تو را برای تحمل مصائبی تربیت کردم که تحملش برای عموم مردم سخت است پس منتظرم تا دست پرورده‌ی خویش را در جامه‌ی عزت ببینم.

پیشانی پدر را بوسیدم و خود را آماده‌ی پذیرش مسئولیت‌های بزرگی کردم، آنچه داشتم را در اطاعت الهی قرار دادم و در کنار برادرانم آشیانه‌ی وحی الهی را به محل مبارزه با شیطان‌های نفس مبدل کردم و عمرم را در آنچه به من سپرده شده بود سپری کردم و در حماسه‌ی عاشورا دیدم از ناباوری‌های رسالت جدم و دلم زخم خورد بیشتر از زخمی که شهدا برداشتند، زخم آنان با استقبال جدم رسول خدا التیام یافت ولی زخم‌های من را کسی مرهمی نگذاشت».

حال در این روز بزرگ ما نیز به دامن بانو و سرور عالم امکان حضرت زینب (س) چنگ می‌زنیم و با ناله‌ای که زمان، شاهد آن است تمنا می‌کنیم که: ای ریشه‌ی نبوت، شما را پرچمدار کاروانی می‌بینیم که مصیبتش، جهل جاهلان بود. ای دخت امیر مؤمنان، تنهایی و غربتمان، رمقمان را برده؛ ای دخت پیامبر (ص)، شما شاهد زمان ما هستید پس به فریاد امت جدتان برسید که امامشان را دوست دارند و یادش را فراموش می‌کنند، اگر کیسه‌ی زری بیابند شمشیر را به طرفش نشانه می‌روند و مانند نمرود، تیر

را به آسمانِ جهلشان می‌اندازند تا خورشید را هدف قرار دهند غافل از اینکه خود را خاموش می‌کنند چون مولا و سرورمان صاحب عصر و زمان با وعده‌ی خدا، جاء الحق و زهق الباطل هستند اگرچه باطلان را خوش نیاید.

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها به حرمت بانوی مکرم، حضرت زینب (س) ما را حق‌بین و حق‌مدار و حق‌گو، قرار بده.

بار الها ما را در جهاد با نفس، پیروز کن و صبر و استواری حضرت زینب (س) را الگوی ما قرار بده.

بار الها در ظهور دولت حقه‌ی امام زمان (عج) که آرزوی همه‌ی حق‌مداران مخصوصاً عمه‌ی گرامی‌شان حضرت زینب (س) بود تعجیل بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۲ اردیبهشت ۹۴

خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع)

حمد و شکر و سپاس و ستایش درخور و زیننده‌ی پروردگار حکیم و کریم و مهربان است که از سر لطف آنگاه که اراده فرمود تا جان جدا شده از بارگاه پر عظمتش در مکانی غریب ادامه حیات دهد، دو فرشته به نام‌های عتید و رقیب را همدم او ساخت تا همواره بوی عطر جایگاهش را به مشامش برسانند و او را در این دیار غربت با ریسمان اتصال به مکان اولیه‌اش مدد کنند، پس آفرین بر شانه‌ای که این اتصال را بزرگ‌ترین غنیمت جانش بداند و همواره بر آن تکیه کند تا غربتش با شیرینی حضور آنان به وصلی مبارک بدل گردد و فرشته‌ی عتید حضور خود را بر شانه‌ی آدمی این‌گونه اعلام نمود که: اینک ما مهمان جان آدمیان شدیم تا بر فراز جانشان که میعادگاه دعوت پروردگاران است قرار یابیم، من بر آنچه به آن مأمور شده‌ام سر تسلیم فرود آورده‌ام و هرگاه جز او را بخوانی بر دو گوشت آن چنان می‌کوبم که طنین صدایش در عرش شنیده می‌شود و آنگاه که پروردگار را می‌خوانی تو را به نوای جانم می‌نوازم تا عرشیان به تماشای جانی بشتابند که در ستایش خویش بر همگان پیشی گرفته است.

چه شیرین است این روایت از زبان مبارک سرور عالمیان، کوثر الهی حضرت زهرا (س) که راز غیبی را فاش فرمودند که همواره هم‌جوار آدمی است ولی متأسفانه ندیدن ظاهری آن باعث غفلت شده درحالی‌که همه‌ی رفتار و گفتار ما دقیقاً مورد ثبت و بررسی قرار می‌گیرد. باور این موضوع در عصر حاضر کم‌رنگ شده اما باید یقین داشت خداوند عالم انسان را در بزرگی و عزتش خلق فرمود و او را خلیفه‌ی خود نامید و همه‌ی خلقت را به اطاعتش واداشت و به حال خود رها نکرد بلکه همه‌ی آفرینش را به تماشای عملکرد او دعوت کرد و مأمورشان کرد تا در خدمت او باشند.

برای درک این موضوع بهره می‌گیریم بار دیگر از فرمایشات سرور عالمیان که فرمودند: برکات عالم آنگاه که ندایش دادند جان خویش را بگشا تا پیچیدگی‌ات را معنا کنی به

سخن درآمد و با زبانی شیوا اظهار داشت: پروردگارم، دل خشکیده و سردم را به امرت آنگاه که فرمودی پیش بیا تا دامت را به زیورهای بیارایم که درخشش نامت را آشکار سازد و من دست نیازم را گشودم و جان ضعیفم را بر خوان رحمت نشاندم، رشته‌ی محبت را زیور جان پر اسرارم کردم تا پویندگان به دنبال کشفش آن را بشکافند و ناله‌ی جان عاشقم را در عرش آسمان و زمین در جانشان ذخیره کنند، سپس به آغوشم بشتابند تا راز دلدادگی‌ام را به گوش جانشان بشنوند که این‌گونه سخن آغاز کنم: ای خلیفه‌ام، سر اطاعت بر آستان پر مهت نهادم و آغوشم را به رؤیت گشودم، تو را همدم ساعت‌های عمرم خواندم تا آنگاه که پروردگارم مرا بخواند که آنچه در دل نهان کرده‌ای بیرون آر و من به شتاب تو را ترک گویم.

بله حقاً خلیفگانی به عالم قدم گذاشتند و در جایگاه عزتشان چنان وجود مقدسشان را در قالب بندگی و بزرگی به نمایش گذاشتند که همه‌ی آفرینش را به تحسین و ستایش وادار کردند که این شب‌ها مصادف است با عروج ملکوتی یکی از این خلیفگان الهی، ایشان هفتمین اختر آسمان ولایت و امامت، صاحب علم دیانت، خزانه‌دار دانش پیامبران، معدن وحی و صاحب علم یقین، امام شایسته عابد و زاهد مولای شیعیان موسی بن جعفر (ع) هستند که برکات و رحمت خداوند بر ایشان باد که با تحمل رنج و سختی‌های زیاد یکی از تدابیر در روش مبارزه با باطل را در تاریخ به ثبت رساندند و هم چون جد بزرگوارشان امام سجاد (ع) با مناجات‌های زیبا و هدایت‌گرشان سخت‌ترین دل‌ها را و فاسدترین انسان‌ها را چنان منقلب فرمودند که باعث وحشت هارون الرشید عباسی لعنت الله شد که فکر می‌کرد با نگهداری ایشان در سیاه‌چال زندان خود توانسته است انوار امامت و نعمت ولایت را محبوس نموده و دیگران را از این رحمت خداوندی محروم و خود را از ضربات کوبنده‌ای که بر پیکر افکار و سلطنت باطلش می‌زند مصون نماید؛ چون امام موسی کاظم (ع) هم چون پدران پاک و نیاکان طاهرینش بر آزارها شکبیا بود و آنچه از جانب خدا به عهده داشت به‌خوبی انجام داد؛ برای مردم احکام خدا را تلاوت و امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد و عالم و عادل و صادق بود؛ با اخلاص تمام در راه خدا جهاد کرد و عاقبت شهید شد و به اعتراف زندانبانان و کسانی که زندان امام را مشاهده کرده بودند ایشان مخوف‌ترین

محل را با مناجات‌های دل‌نشین و زیبای خود به گلستانی بی‌نظیر بدل فرموده بودند. پس وای بر احوال دشمنان و بدخواهان اهل‌بیتِ پیامبر گرامی اسلام و خصوصاً دشمنان و بدخواهان امامان بر حق که چه عذاب و آتشی از قهر پروردگار کریم را برای خود و پیروانشان خریدند که در این مورد امیر مؤمنان چه زیبا فرمودند که: اگر آسمان‌ها و زمین به روی یکی از بندگان خدا تنگ بشود ولی آن بنده راه تقوی را پیش گیرد و به خداوند توکل داشته باشد خداوند راه گشایش را به روی او باز می‌کند، اگر هیچ مونس و محرمی جز حق برای خود نپذیرد و از هیچ چیز به اندازه‌ی باطل وحشت نداشته باشد، اگر از دنیایی که این‌همه مورد علاقه‌ی مردم است اندکی به خود اختصاص می‌دادی و آن‌ها می‌دیدند که تو به آن پایبند هستی از دشمنی آنان مصونیت داشتی.

اینک در این شب شهادت امام موسی کاظم (ع) ضمن عرض تسلیت به پیشگاه مقدس امام و مولایمان ابی‌صالح المهدی (عج) به وجود مبارکشان ابراز می‌داریم: ما دل‌سوختگان از غم شهادت پدرانمان منتظر دولت حقه‌ی شما هستیم تا در آن دولت رجعتشان را در بهار عدالت ببینیم تا مرهمی باشد بر جگر سوخته‌ی ما، پس سلام بر لحظه‌ای که فرمان الهی بر منتظرین حق ابلاغ می‌گردد و فضای سخت و ظلمانی زمین به انوار دولت ظهور مزین می‌گردد و خاک‌های مطهر تکان می‌خورد و نفس‌های زکیه بیدار می‌گردد تا بهار عدالت را فرمان‌بری کند، پس برای تحقق این وعده همه با هم فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید مبعث و ولادت حضرت نرجس خاتون (س) ۲۵ اردیبهشت ۹۴

بار خدایا به حق عرش و آنکه بر اوست؛ به حق وحی و آنکه نازلش فرمود؛ به حق پیامبر و آنکه پیامبری‌اش داد؛ به حق خانه‌ی کعبه و آنکه آن را ساخت. ای شنوای هر آواز و ای آفریننده‌ی حیات پس از ممات، رحمت فرست بر خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) و گواه باش که او بنده و رسول توست و نیست معبود حقی جز تو، ای خدای کریم درود فرست بر ایشان و خاندانش درودی بی‌شمار و بی‌پایان و سلام و رحمت الهی بر لحظه‌ی برانگیختنش و رحمت پروردگار آن زمان که امر فرمود: ای پیامبر، سینه‌ات را به امری گشودیم که با خود برکت آفرینش را همراه نمود برکتی که خود را این‌گونه معرفی فرمود: ای بندگانم در آنچه برایتان فرو فرستادم اندیشه کنید تا جام جانتان نوشنده‌ی غیبی منور گردد غیبی که آشکار کننده‌ی الطاف خلقت است، پس پروردگارتان را صبحگاهان و شامگاهان عبادت کنید تا عمرتان در طلوع‌ها و غروب‌ها به سخن درآید و اعلام کند: مرا اراده‌ی پروردگارم به نقشی زیبا و نامی مطهر آراست تا جانشین قدرتی فرمانده باشم، پس به جانم آموختم تا همواره خاک را بشناسد تا نقش جانش جاودانه باقی بماند. چه زیبا توصیف فرمودند سرور عالمیان حضرت زهرا مرضیه (س) وحی را که در قالب قرآن کریم بر سینه‌ی مبارک پیامبر خاتم نازل شد تا بندگان به غیبی آگاه شوند که مُعرف لطف پروردگار بر انتخاب نام بزرگ خلیفه بر آنان بود. سزاوار است به شکر چنین نعمتی پیشانی بر خاک گذارد تا اسیر نفس نگشت و قدر آیات قرآن کریم را بدانیم چون آیات قرآن کریم گویای احساس‌هایی است که در زمان‌های مختلف به عرصه‌ی زمان می‌آید؛ زیباترین این احساس‌ها ندایی است که انسان را به آغوش گرم با نعمت‌هایی بی‌شمار فرا می‌خواند، پس همواره در آن بستر بیارامید تا از نعمتش جدا نشوید، ولی افسوس که این‌گونه نشد، امت مسلمان با قرآن بیگانه شد در نتیجه نه تنها راهی که نشانی‌اش او را در آیات کریمه به آغوش گرم پروردگار کریم می‌رساند را گم کرد بلکه عزت و مقام عطایی خداوند را به بهایی ارزان فروخت درحالی‌که پروردگار مهربان نعمت رشد و تعالی و سعادت را

توسط وجود مبارک رحمت للعالمین خاتم النبیین حضرت محمد (ص) که خیر کثیر بود به بندگان ارزانی داشت. خیر کثیری که محدودیتی ندارد و پروردگار عالم جان مطهر پیامبر را خیر کثیر نام برد که آورنده‌ی قرآن کریم است و درِ خانه‌ی پیامبر هرگز بسته نبود؛ تمام درها بسته می‌شد جز در مسجد که خانه‌ی رسول خدا بود و با مؤمنان رؤوف و مهربان و با کافران سخت و کوبنده بود.

اینک بهره می‌گیریم از سخنان شیوا و عالمانه‌ی امیر مؤمنان علی (ع) که فرمودند: خداوند متعال حضرت محمد (ص) را زمانی به پیغمبری مبعوث کرد که پایان رسیدن دنیا نزدیک به نظر می‌رسید و از آخرت نشانه‌ها مشاهده می‌شد و محیط نورانی جهان تاریک گردیده و افراد ناصالح زمام امور دنیا را به دست گرفته بودند. در چنان موقع خداوند رسول خود را برای ابلاغ احکامش مبعوث کرد و با انتخاب او بر امتش کرامت عطا نمود و بعثت رسول الله (ص) بهاری شد برای مردم دنیا و سبب سرفرازی یاران و شرافت انصار گردید.

ای مردم بدانید که دین اسلام دینی است که خداوند با ذات خود آن را انتخاب کرد و با نظر توجه، آن را پرورش داد و شخصی را برای ابلاغ این دین انتخاب نمود که بهترین خلق بود و پایه‌های دین را با محبت او استوار کرد و درخت اسلام خشک نمی‌شود و مدتش کوتاه نمی‌گردد و احکام اسلام همیشه تازه می‌باشد و نه چراغ اسلام خاموشی پذیر است و نه شیرینی آن تلخ می‌شود و پایه‌های اسلام از طرف حق مستحکم شده و چشمه‌ای است که پیوسته آب دارد و چراغ‌های اسلام همواره نورانی است و خداوند بهترین خشنودی خود را در این قرار داده که از این دین اطاعت نمائید و شما ای مؤمنان این دین را محترم و از آن اطاعت کنید و حق این دین را ادا نمائید و احکام دین را راکد نگذارید.

در این شب بزرگ ضمن عرض تبریک و تهنیت خدمت وارث وحی و بعثت، قرآن ناطق، فرزند پیامبر، خاتم امامت و ولایت امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) از فرمایشات گهربار ایشان مدد می‌گیریم که فرمودند: اکنون آخرین جمعه‌ی ماه رجب است. جمعه‌ای که عالم، در نجوای عاشقانه، صورتِ اطاعت بر آستان کبریایی

پروردگارش نهاده تا شکرگزار نعمتی باشد که اسرار کتاب مبین را از درگاه پر شکوه ملکوت، بر سینه‌ی پیامبرش نازل فرمود.

چه مبارک سحری بود آن دقایق که ضربان حیات، در جان مبارک آخرین رسول الهی بانگ جاویدِ جاء الحق را نواخت و آنگاه باطل، بر روی درافتاد و عجز و ناتوانی‌اش را اعلام کرد؛ آسمان به نم‌نم اشکی متبرک شد و زمین به ناله‌ای اعلام آمادگی کرد؛ ستارگان در درخشش‌شان بر یکدیگر پیشی گرفتند و ماه، نور لرزانش را بر شکاف غار متمرکز کرد تا از نعمت پروردگارش بی‌نصیب نماند؛ آنگاه آسمان شکافت و از وسط دو نیم شد؛ فرشته‌ی وحی، دو بال خود را بر کناره‌ی آن نهاد و نام جاوید آخرین پیامبر الهی را خواند: ای محمد، به آسمان بنگر و آنچه را که به جانت القا می‌شود را بخوان و پیامبر خواند؛ همه‌ی آفرینش بر او درود فرستاد و جان جهان، منور به نزول وحی شد. تاریکی سحر به سفیدی صبح بدل شد و خورشید، با اشتیاق از مشرق طلوع کرد. درخشش تاج رسالت، بر سر آخرین مأمور الهی چونان گنجی بود که همه در تماشایش بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند و روز آغاز شد؛ چه روز زیبایی! چه جمع‌هی مطهری! هوایش هوای زمین نیست بلکه منور به نزول برکاتی است که از الطاف و احسان خالقش جانش منور است.

پس سلام و درود و صلوات بی‌پایان بر پیامبر رحمت، واسطه‌ی نعمت ابوالقاسم احمد و محمود و محمد (ص) و بر جانشینانش باد؛ بر عزم ملکوتی‌شان که همواره جان مبارکشان را ندای نجات انسان‌های در بند نفس اماره کردند تا جوهره‌ی وجودشان متبلور شود و از ظلمت به نور هدایت شوند.

اینک ای مهمانان کوی عشق، شادی‌مان را از این روز خجسته می‌افزاییم به برکت میلاد مبارک و پر برکت آخرین همسر و مادر امامان، گهری منتخب، مادری با فضیلت برای خاتم امامت، بانوی ارجمند حضرت نرجس خاتون (س) مادر گرامی مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج). همان‌گونه‌ای که همه می‌دانیم بانوانی با افتخار همسری امامان معصوم وارد خاندان نبوت شدند که سعادت بزرگی برایشان بود که دو تن از ایشان این نعمت و رحمت را تبدیل به خشم الهی و لعنت و

نفرین ابدی برای خود کردند؛ جعده همسر امام حسن مجتبی (ع) و ام الفضل همسر امام جواد (ع)، در عوض دو تن از این بانوان حضرت شهربانو همسر گرامی امام حسین (ع) و مادر امام سجاد (ع) که در همراهی امامت سعادت ابدی برای خویش نصیب نمود و حضرت نرجس خاتون همسر گرامی امام حسن عسکری (ع) و مادر حضرت مهدی (عج) که با تحمل اسارت و رنج‌های فراوان از دورترین نقطه به دیدار همسرش امام حسن عسکری (ع) شتافت و افتخار مادری آخرین امام نصیبش شد و مورد توجه و عنایت پیامبر و اهل‌بیتش مخصوصاً سرور عالمیان حضرت زهرا (س) واقع شد.

ما ضمن عرض تبریک و تهنیت خدمت مولا و سرورمان امام عصر (عج) به مناسبت میلاد مبارک مادر گرامی‌شان قسمتی از ابراز محبتشان به مادر بزرگوارشان را بیان می‌کنیم که حضرت نرجس خاتون (س) چنین نقل فرمودند: پسر مهدی با دست لطیف‌تر از برگ گلش دستم را در دست گرفت و فرمود: مادر، هر بار که به دیدارتان می‌آیم شعله‌ی عشقی در جانم حیات می‌یابد که زبانی توانمند دارد و قادر است تا به سخن درآید و ابراز دارد که: آغوش مادر بهشتی وصف ناپذیر است.

اینک در این روز مبارک به تمنا به مولا و سرورمان ابراز می‌داریم: عصاره‌ی نبوت، خاتم امامت و قائم آل محمد (ص) می‌خواهیم به پیشگاه عدالت شکوه و شکایت کنیم ولی از چه سخن بگوییم که شما از آن بهتر از ما از آن آگاه نباشید؟ میلیاردها انسان در عصر حاضر ادعای مسلمانی می‌کنند و خودشان را جزء امت جدتان پیامبر عظیم‌الشان معرفی می‌کنند؛ قرآن می‌خوانند و حفظ می‌کنند درحالی‌که پیامبرشان شیطان و قرآنشان را نفس اماره‌شان نگاشته. هر روز بیشتر از روز قبل از پیامبر و قرآن و امامت دور می‌شوند و در جهالت و نفس خود غوطه‌ورند و با فتنه بر علیه پیامبر و قرآن قیام کرده و خون مظلومان و بی‌گناهان را بر زمین می‌ریزند و یا با غرق شدن در فساد و کفر و تباهی همه‌ی شئون انسانی را زیر پا می‌گذارند. ای برپا کننده‌ی کرسی عدالت، ای ریشه‌کن کننده‌ی کجروی و نفاق و فتنه، به فریاد امت جدتان برسید و ما منتظران فرجتان را یاری کنید که با امر به معروف و نهی از منکری که

خود به ما آموخته‌اید غرق شدگان زمانه را نجات دهیم و فرج جان خودمان را هر لحظه از پروردگارمان بخواهیم.

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی اعیاد شعبانیه

۱ خرداد ۹۴

حمد و شکر پروردگار حکیم و عزیز را سزاوار است که در خلقتش رحمت و تدبیر حکم فرماست پس سلام بر رحمتی که همواره در قلوب جنبندگان خیر از خلقتی مدبرانه دارد؛ خلقتی که تپش حیاتش در همگان متفاوت است و ضریب احساساتش توان صورتی انسانی و یا حیوانی پست؛ صورت حیوانی نیاز به تدبیر ندارد؛ جانش در حلقه‌ی زمان محصور است؛ می‌آید و می‌رود؛ آتش امیالش در جایی ثبت نمی‌شود؛ مدار خلقت موازینی را برایش وضع نموده که ترازوی عملی ندارد بنابراین می‌تازد و می‌درد و می‌خورد پس کتاب آسمانی خلقت خلیفه را از تمامی مخلوقاتش جدا نموده و می‌فرماید: من ماه و ستارگان را مسخر شما کردم تا بتوانید روزی خویش را از دل دریا خارج کنید؛ صدفی که مرواریدی با ارزش را در درونش مخفی نموده و کتاب آسمانی قرآن کریم آن صدف را می‌گشاید و اجازه می‌دهد تا محتوای درونش را بردارند؛ پس شکر بر این سفره‌ی گسترده‌ی الهی که خورندگانش، طعم ملکوتی‌اش را با خود به صحرای قیامت می‌برند و عرضه می‌دارند: ای بهشتیان، نفوس انسانی خویش را در آینه‌ی جانم به پروردگارم عرضه کردم با کلامی زیبا فرمود: هر آنچه که خواهید در این مکان بمانید و از آنچه آفریده‌ام بخورید؛ کسی شما را از این نعمت‌ها منع نمی‌کند.

در این سلام سرور عالمیان کوثر الهی حضرت زهرا (س) رحمت و روح خداوندی را زیبا به تصویر کشیدند. خالق یکتا همگان را یکسان آفرید ولی حیاتشان متفاوت شد و کسانی که اسیر نفس اماره شدند حیاتشان تبدیل به حیات حیوان شد و نامشان به‌عنوان انسان از دفتر آفرینش حذف شد ولی آنان که با تمسک به قرآن کریم، راه استخراج صدف وجود را یافتند تا مروارید گران‌بهای آن را که روح خداوندی است بردارند و هر اندازه‌ای که بخواهند از آن تغذیه کنند سعادت پیدا کردند زیرا روح خداوندی امانتی است که در جان انسان نهفته است تا جانش را به زیور خلیفه بیاراید و اگر توان درکش برای جانی میسر شود، شیرینی معرفت را می‌چشد و طعامش

می‌شود انوار قرآن کریم، پس از سفره‌ی این معجزه‌ی الهی بسیار تناول کنید تا انوارتان، جانتان را با خود همراه کند. معصومین بودند که گهر و گنجینه‌ی بی‌نظیر الهی را از صدف وجود خود خارج کرده و شیرینی معرفت را به جان مبارکشان چشانند که سرور عالمیان مشخصات ایشان را این‌گونه بیان فرمودند که: کارگزاران پروردگار عالم همانانی هستند که پروردگار اعلام می‌فرماید آنان را از نشانی‌هایشان می‌شناسی؛ زیباترین نشانی در جانشان همان آینه‌ای است که انوار پروردگار را در عالم منعکس می‌کند. معرفی خصوصیاتشان از زبان خالقشان می‌باشد که می‌فرماید: همانانی که نماز می‌گزارند و از آنچه به آنان داده شده انفاق می‌کنند. انفاق نیرویی است که قادر است امانت جان انسان را که روح خداوندی است در راه هدایت آن‌چنان به کار گیرد که حق پایدار بماند و باطل برود پس همواره تخت شیطان نفس را می‌توان در دم از جایگاهش به سرای حق آورد تا باطل آشکار شود و حق بماند.

اینک ما در این روز مبارک به سرور و شادمانی میلاد سه تن از این خلیفگان الهی در این سرای نور و معرفت دور هم جمع شده‌ایم. سلام بر مولود امروز، سرور و سالار شهیدان، اسوه‌ی شجاعت، تقوا، آزادگی و جهاد، حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) که زمین و آسمان به برکت قدوم مبارکش پر از نور و شادمانی است. چه روزی و چه مولود مبارکی که همه‌ی بشریت و فرشتگان را از آمدن و رفتنش متحیر نمود که خود ایشان در این مورد فرمودند: اُم؛ بخوان به نام پروردگارت که خلق کرد انسان را از خون بسته خونی که حامل اسراری شگفت‌انگیز است؛ او در خود الستی را به یادگار دارد که گرمای عشقش بنای وجودش را می‌سازد تا تپش را معنا کند، پس حیات نوزادی در علقه شکل می‌گیرد که الستش را در تکثیر سلول‌های وجودش به خاطر می‌آورد؛ او را به زمین دعوت می‌کنند و به آغوش کوثری بی‌همتا؛ قانون الهی سپری می‌شود و او چشم بر خاکی می‌گشاید که بی‌صبرانه منتظرش است؛ ندایی شیرین‌تر از آغوش مادر در جانش به زمزمه در می‌آید تا کلید خلقت را برای گشودن اسرارش به جانش هدیه کند، پس قلم جانش به حرکت در می‌آید تا مشتاقان نامش را به اسرار خلقتش آگاه سازد؛ آنانی که توان درکشان توانسته باشد تا معجزه را دریابد. آری امام حسین (ع) تمام سلول‌های حیاتش را با عشق الستی خود بنیان نهاد و رازهای خلقت

خود را گشود تا همگان به اراده‌ی پروردگار عالم از خلقت انسان آگاه شوند و این عشق لحظه‌ای از ایشان جدا نشد با مناجات‌های زیبای خود در همه‌ی عمر به پروردگار مهربان ابراز فرمود که: تمام کردی نعمت خود را بر من و کامل کردی فطرتم را پس لازم شد بر من حجت تو زیرا معرفت خود را به من الهام کردی؛ به عجایب حکمت خویش آشنایم نمودی و به آنچه آفریدی در آسمانت و زمینت از بدایع خلقت آگاهم ساختی؛ دعایت کردم اجابت کردی، خواهشت کردم عطا نمودی، فرمانت بردم قدردانی کردی و نعمت‌هایت را بر من تمام کردی. این عشق را فرزند برومندش، وارث عشقش، ابوالصالح المهدی (عج) زیبا توصیف فرمودند که: ای خالق یگانه، راز قلب جدم حسین را چگونه یافتید که او را اباعبدالله نامیدید تا عبد را معنا کند؟ پس پیشانی عبد می‌شکند، قلبش تیر می‌خورد، سرش جدا می‌شود ولی آرام نمی‌گیرد؛ آواز تلاوتش در فضای زمان می‌پیچد: ای بندگان در بند شیطان، سر پرشورم هنوز شور هدایتان را دارد گرچه بین آن و بدنم جدایی افتاده ولی هنوز عاشق است تا بگوید بیاید خداوند مهربان است این عشق را چگونه تفسیر می‌کنید؟

امشب سرور و شادی‌مان با مولود فرزند گرامی حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) افزوده می‌شود. ایشان سید ساجدین، زینت عابدین، مرد مناجات، معلم مکارم اخلاق و دعا، امام علی بن حسین (ع) هستند.

امام سجاد بعد از واقعه‌ی عاشورا، با همراهی بانوی بزرگوار، حضرت زینب (س) چنان از راه و قیام امام حسین (ع) دفاع نمود که یزید و کارگزارانش رسوا شدند و در آن زمانه‌ی خفقان به‌وسیله‌ی صحیفه‌ی سجادیه در قالب دعا و مناجات، نسبت به تربیت و آگاهی شیعیان، همت گماشتند. امام سجاد (ع) صحیفه‌ی سجادیه را به جهان عرضه داشت؛ صحیفه‌ای که مانند آن نیامده و نخواهد آمد؛ صحیفه‌ای که در ضمن دعا، معارف اسلام و اخلاق اسلامی اهل‌بیت، اجتماعات اسلام، حقانیت شیعه، حقانیت اهل‌بیت، انتقاد از ظلم و ظالم، سفارش به حق و حقیقت و بالاخره یک دوره معارف اسلامی را آموزش می‌دهد. صحیفه‌ای که محققین، اسم آن را اخت القرآن و زبور آل محمد (ص) نهاده‌اند.

حال قسمتی از دعای چهل و ششم صحیفه‌ی سجادیه را که نشانگر شناخت و اعتماد و اطمینان ایشان به پروردگار کریم در تأخیر عذاب ستمگران و ظالمان حادثه‌ی کربلا و تمامی دوران‌ها است بیان می‌کنیم که: خدایا، اهل طغیان و عصیان را برای آن مهلت دادی که به داوم مُلکت و قدرتت مطمئن بودی، پس به آن‌ها مهلت دادی تا هر که اهل سعادت است خاتمه‌ی امرش را سعادت گردانی و هر که اهل شقاوت است (پس از مهلت و اتمام حجت) او را مخذول و مردود سازی و همه (اهل سعادت و شقاوت) به‌سوی آنچه را که مقدر فرمودی خواهند رفت و بازگشت امورشان به قضاء حضرت خواهد بود، (هرگونه که بخواهی با آنان رفتار می‌کنی) هر چه حکومت کنند سلطنت تو سست نگردد و از تأخیر بازخواست ایشان، برهانت باطل نشود، حجت تو از پای ننشیند و سلطنت تو ثابت و استوار است، پس وای بر آن کس که از تو روی برتابد و ناکامی و خذلان از آن کسی است که از تو نومید شده و بدترین بدبختی‌ها و شقاوت برای کسی است که از تو غافل شود؛ آن مغرور نمی‌داند چه عذاب‌های دردناکی خواهد چشید و چقدر سرگردان در عقاب تو به سر خواهد برد و چقدر گرفتاری او طول خواهد کشید و چه نومید خواهد بود از آسان رهایی؛ همه‌ی این‌ها بر پایه‌ی عدل در قضاوت و از سر انصاف در حکم است که هرگز ستم روا نمی‌داری.

این ایام مصادف با جشن مولود دیگری است که اسوه‌ی شجاعت و تقوا، رشادت و ایمان و استواری و وفاداری در پیمان و اطاعت‌گر واقعی امام عصر خود بودند، حضرت عباس بن علی ملقب به قمر بنی‌هاشم، پرورش یافته در مکتب پدر بزرگوارش امیر مؤمنان (ع) و برادرانش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و بانو حضرت زینب کبری (س) بودند و از کودکی در ادب و کمال بی‌همتا. امام حسین (ع) حضرت ابوالفضل را صدا می‌زد؛ او را در آغوش می‌گرفت و می‌فرمود: وقتی به آرزویت که دیدار مادر است می‌رسی که جز حق نباشی و از امامت، مانند مادرم دفاع کنی و پای شیطان را قطع کنی و مادر او را مدد کرد تا آن‌چنان بر باطل بتازد که حقیقتی از فضیلت الهی شود و آن را با اخلاص و عشق به پیشگاه خداوند و امام عصرش عرضه داشت و پدر فضیلت علم یعنی ابوالفضل گردید.

اکنون ضمن عرض تبریک و تهنیت خدمت مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) به سفارش اباعبدالله الحسین (ع) در مورد ایشان عمل می‌کنیم که فرمودند: نام خویش را در تاریکی عصری بجوید که خورشیدی بی‌همتا همواره بر جانتان می‌تابد تا خاکی سرد و بی‌روح را به باغی پرثمر تبدیل کند پس نامش را بخوانید تا فرج جانتان در ولایت و امامت از اوهمات ذهنتان به واقعیتی از خلقت پیوند بخورد و زمان، نشانتان را در دوران‌ها به نمایش درآورد پس او را بخوانید:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳ خرداد ۹۴

خطبه‌ی ولادت حضرت مهدی (عج)

به نام پروردگار جل جلاله که فرمود: ای بندگانم، همواره بر سر سفره‌ی احسانم شما را از آنچه آفریده‌ام متنعم خواهم کرد پس منتظر بمانید؛ دست یاری پروردگارتان نزدیک است؛ پس ادعونی استجب لکم را همانند راهی فرض کنید که انتهایش دولتی است که رنج‌ها در آن به فراموشی سپرده می‌شود و جان‌ها از قید اسارت آزاد گشته و به معنای تاج و تختی پی می‌برد که همواره در جانش به امانت است.

امروز آسمان، شاهد آمدن مولودی است که نامش را پروردگارش خواند تا رحمتش مانند بارانی به وقت بر سر جان‌های مشتاق ببارد و همان‌گونه که خود فرموده از یک خوشه هزاران خوشه بروید تا جهان، گلستانی گردد که بقیه الله را به همگان بنمایاند و نقاب تاریک جهل از دیدگان محو گشته و حق آشکار شود.

اینک حق را معنا می‌کنیم. پروردگار عالم در کتاب آسمانی قرآن کریم فرمودند: از آنچه روزی‌تان داده‌ام انفاق کنید. چه کسی توان اطاعت از این فرمان الهی را یافته است، مصداقش را در کجا جستجو نموده و منظور کدام روزی است؟ نانی که در روزمرگی نیاز است تا شکم دنیایی را برای چند ساعتی به خود مشغول سازد و یا امانتی است که ثروتش پایان نمی‌پذیرد؟ عمرش به دقایق دنیا متصل نمی‌گردد؛ حصاری محصورش نمی‌کند؛ جامی است که هر چند از آن انفاق کنند ذخیره‌اش پایان نمی‌پذیرد؛ حرارتی که آتشی آن را نمی‌افروزد بلکه همواره جان‌های مشتاق را در برمی‌گیرد تا زندگی و زنده بودن را در فرمان پروردگارش جستجو کند؛

همانند حضرت نوح نبی (ع) که انفاقش هدایتی بود که جان‌های در بند شده را از خانه‌ی شیطان نفس بر کشتی نجات نشانند و فرمود: با نام پروردگار حرکت می‌کنیم و با نامش می‌ایستیم پس آنچه در جان‌ها، روزی بی‌حساب محسوب می‌شود حق است که پروردگار آن را بر سر باطل می‌کوبد؛ همانند ساعات این روز با برکت که وجود فرزند نوح نبی از آنچه پروردگارش در قالب حیات دنیا به او ارزانی فرمود، همگان را

در این انفاق شریک نمود تا صاحب جان‌هایی که منتظر نوایی برای سوار شدن به کشتی حق هستند گردد.

نیمه‌ی شعبان روزی است که جان‌های منتظر را به مهمانی رسول خدا (ص) دعوت می‌کند تا از سر سفره‌ی انفاقش، حق را تناول کند پس به این مائده‌ی آسمانی که بر جان‌های گرسنه به پیشکشی آورده شده به مانند طعامی بنگرید که گذر زمان بر آب و غذایش تأثیری نمی‌کند؛ سفره‌اش همواره گشوده است، با تاج و تختی که صاحبش هستید خود را بیارایید و از آنچه می‌خورید دیگران را اطعام کنید تا انفاقتان به درگاه جبروتی پروردگارتان پذیرفته شود.

پس دستان منتظرتان را بگشایید تا حق، آن را بفشارد؛ باطل افسانه گردد و آنچه در زمان باقی بماند قلبی باشد که به حق عشق می‌ورزد نه به نام حق؛ بلکه او را در قالب هدایتگری می‌بیند که مدالش را برای بندگی پروردگار بر گردنش آویخته.

اینک گوش‌های حق شنونده‌ی نوایی است که زیباترین احساس‌های عالم است پس امامش را می‌بیند که او را به آینده‌ای که وعده‌ی پروردگارش است می‌خواند که: منتظرم همان. من خواهم آمد تا انفاق را که مهر و محبتت به خاندان رسالت است بستانم. حرارت جانت را با آیات الهی بیفروز تا غیبی را درک کنی که روزی بی‌حساب در آن معنا شده. او را بخوان تا ظلمت جانت به نوری افزون بر نور دیگر تبدیل شود.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۷ خرداد ۹۴

خطبه‌ی شب اول رمضان

الحمد لله رب العالمین. می‌گشاییم، زبان‌هایمان را به مدح و ثنا و ستایش پروردگار کریم. خداوندی که از فضل و کرمش، ماه رمضان را برای هدایت و نجات بندگانش قرار داد و در آن، قرآن که فرقان بین حق و باطل است را نازل فرمود و روزه را واجب کرد تا همگان بر سر سفره‌ی احسانش بنشینند و با توبه و عبادت خود را از آلودگی‌ها پاک و راه رستگاری را بیابند.

در این شب بزرگ آغاز می‌کنیم این ماه رحمت را در این خانه‌ی برکت، به اذن الله، به اذن رسول الله و به اذن مولانا صاحب الزمان (عج)، با سلامی از سرور عالمیان: سلام بر آئینه‌ی خلقت، آن زمان که پروردگار اراده فرمود: تا نور را معرفی فرماید. در کتاب قرآن کریم چنین فرمود: پروردگارتان نور آسمان‌ها و زمین است. با این فرمان زمین جان‌ها قرارگاه لطیف‌ترین الطاف از هدایای رحمت الهی گردید. آنگاه قالب جان به نجوای شیرینی با این نور به گفت و گو نشست و با آنچه در آئینه مشاهده کرده بود این‌گونه به سخن درآمد: ای جان، تو را به ضیافتی پرشکوه خوانده‌اند؛ برخیز و خویشتن را برای آن ضیافت مهیا ساز، باید همان‌گونه که پروردگارت فرموده، لباس جانت را بپوشی.

اینک به آئینه بنگر چه می‌بینی؟ جانی را که ظلمتش در یک فرمان به انواری تابناک بدل می‌شود. مهمانی آغاز می‌گردد. ای مخلوقاتم بیاید اینک آن گل خشک آماده گردیده تا مشکاتِ خویش را به نمایش بگذارد. چراغ افروخته می‌شود. این چه سینه‌ای است که اسرارش همگان را به سجده می‌خواند؟ در مقابل چراغدان جانش، آفرینش، انوار خویش را پنهان می‌سازد و آن سینه با روح خداوندی می‌افروزد. سوختنش پایان نمی‌پذیرد. روغنش به جلای آن می‌پردازد و آن‌چنان انعکاسی را بنیان می‌گذارد که همواره نقشش جاودانه در بقاء می‌ماند.

چه زیبا فرمودند کوثر الهی سرور عالمیان حضرت زهراى مرضیه (س) که در ضیافتی که در الست بر پا شد خداوند کریم از سر رحمت، آدمی را که از گل و لجن بویناک بود با لباسی از جنس نور و روح خداوندی در این ضیافت حاضر نمود و همگان در برابرش به سجده درآمدند.

اینک در ماه مبارک رمضان، مهمانی دیگری در راه است که باید برای شرکت در آن ضیافت، لباسی از تقوا و نور آماده کرد و پوشید تا همه‌ی هستی را به تحسین واداشت.

مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابا صالح المهدی (عج) در مورد این مهمانی چنین فرمودند که: ماه رمضان همان گونه‌ای که از نزول آیه‌اش در کتاب قرآن کریم در محضر همگان آشکار است، امت مسلمان را به ضیافتی خاص فرا می‌خواند. وجودش را در آیینی رحمتش می‌آریند، جانش را در حلقه‌ی عزتش به جانی تازه تبدیل می‌کند، از خزانه‌ی غیبش جامی را در جانش جاری می‌سازد که چکیده‌ی لذت‌های خلقت است.

پس با این دو فرموده‌ی گران‌قدر دست نیازمان را به‌سوی ناطق قرآن و براتِ قبولی روزه و عبادت‌مان مولا و سرورمان بقیة الله ارواحنا لک فدا می‌کنیم و به تمنا به وجود مقدسشان ابراز می‌داریم:

سرور و مولایمان، مهمانی پروردگار عالم آغاز می‌شود و من توشه و لباس این مهمانی را ندارم به فریادم برسید و کمک کنید تا به شب‌های پرفیض و روزهای زیبایش متصل شوم و شما را که برات این مهمانی هستید به مدد بخوانم.

پس مهمانان کوی عشق چاره‌ی کارمان قرائت آیات کریمه‌ی قرآن و عمل به دستورات خداوند حکیم و عزیز است و این مهم ممکن نمی‌شود مگر با تدبر و تعقل در آیاتش که برای همگان میسر است، همان گونه‌ای که سرور عالمیان فرمودند: انوار هدایت آخرین پیامبر الهی حضرت محمد (ص) آن‌چنان عالم‌گیر است که هرگز گنجایشی آن را محدود نمی‌کند، پس همواره انوار بندگی پروردگار عالم در زمان جاری است و کتابش

در جایگاه هدایت زمان محدود نمی‌شود. همانند رودخانه‌ای است که رودهای محدود را در خود وارد نموده و به اقیانوسی بی‌حساب تبدیل می‌شود.

زیان‌دیدگان‌ترین انسان‌ها آنانی هستند که توان عقلی خویش را در درک قرآن کریم نمی‌یابند پس کتاب، آنان را می‌خواند، آیا نابینا و بینا برابرند؟ عقلی که چراغ هدایتش را خاموش کرده قادر نخواهد بود فضیلت کلام را دریابد. پس صدایی او را به خود نمی‌خواند درحالی‌که گنجینه‌ی جان‌ها آن‌چنان گنجایشی دارد که قادر است تمام آیات الهی را در خود جاری نماید. پس همواره اقیانوسی باشید که توانش محدود ساحلی نباشد.

پس با اندیشه در مورد این فرموده‌ی گران‌بها بیایید خواهران و برادران، ما که در این ماه رمضان همچون سال‌های گذشته روزها و شب‌ها در خانه‌ی قرآن ناطق، قرآن را قرائت می‌کنیم، با تفکر و تعقل در آیاتش بخوانیم و یقین بدانیم قرآن کریم انحصاری نبوده و قابل درک و فهم همگان است باید با آن انس گرفت و مسیر سعادت دنیا و آخرت را با آن پیمود به شرط آن‌که به دستوراتش عمل کرد و راه تقوا را پیش گرفت، چون قرآن نوشته نیست بلکه جانی است جاری، پس جانمان را برای جاری شدنش آماده کنیم. امیر مؤمنان علی (ع) آن را برایمان چنین توصیف فرمودند: قرآن آن‌چنان عظمت دارد که چون دریایی است که هرقدر از آن آب بردارند تمام نمی‌شود و چشمه‌ای است که هرقدر از آن بنوشند آبش کم نمی‌گردد. دانشمندانی که تشنه‌ی علم هستند به‌وسیله‌ی قرآن سیراب می‌شوند، دارویی است که بعد از مصرف آن بیماری باقی نمی‌ماند و نوری است که با آن ظلمت وجود ندارد و حافظ کسی است که مطابق آن رفتار کند.

اینک دست به دعا بر می‌داریم که:

بار الها ماه مبارک رمضان را آغاز می‌کنیم، ما را یاری کن بر روزه‌داری و عبادت و شب زنده‌داری‌اش.

بار الها توفیقمان بده به قرائت قرآن و دعا و مناجات.

بار الها تن ما را سلامت، روزی مان را وسعت و دعایمان را اجابت بفرما.
بار الها دورمان ساز از شیطان و نفس اماره و دوزخ و گناه و حرفهای بیهوده.
بار الها به حرمت این ماه مبارک ببخشا گناهانمان را، برکت ده اعمالمان را، خشنود
بفرما مولایمان را و نزدیک کن ظهورش را.

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۵ تیر ۹۴

خطبه‌ی رحلت حضرت خدیجه (س)

شکر و سپاس پروردگار کریم و رحمان را سزاوار است، خداوندی که از سر رحمت و حکمتش آنانی را که در راه هدایت و یاری پیامبران و امامانش کمر همت بسته و در این راه با صبر و شکیبایی بر سختی‌ها با تحمل رنج‌ها استواری ورزیدند را عزت و سعادت و رستگاری دنیا و آخرت را به آنان عطا فرمود و این یاری و خدمت در هر جانی معنای مخصوص به خود دارد. گاه در مقام هدایت است و گاه در مقام اطاعت، اگر در مقام هدایت باشد جایگاهش، جایگاه خلیفه و جانشین است و اگر در مقام اطاعت باشد، جایگاه فرشتگان و کارگزاران الهی است. پس مقام هدایت را خاص پیامبران قرار دادند و مقام اطاعت را به همگان فرمان دادند تا جانشان را در آن آزمون بسنجند و اخلاص را در آئینه‌ی فرمان به نمایش در آورند. پس فرصت اطاعت برای همگان فراهم است. چه آنانی که فرمانروای جان خود هستند و جانشان در فرمانشان است و چه آنانی که فراتر می‌روند و در به اطاعت درآوردن دل‌های جدا شده از فرمان، به خدمت درآیند. پس آئینه‌ی اطاعت در هر مسئولیتی صداقت جان متعهد است که یکی از این جان‌ها که صداقت و اخلاص را در اطاعت و خدمت تا قیامت به نام مبارک خود به ثبت رسانده بانوی مکرمه و رشیده و صابر که همه‌ی وجود خود را در حمایت از هدایت و رسالت آخرین پیامبر، خاتم انبیا حضرت محمد (ص) فدا نمود، حضرت خدیجه کبری (س) همسر پیامبر، مادر کوثر الهی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) و امامان معصوم بود. همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان فرمودند: به واسطه‌ی اخلاص و صبر و عشق بندگی، قلب مبارکش در هر ضربان بر او درود می‌فرستاد و پروردگار عالم بهترین پاداش‌ها را به او عطا فرمود. همسر پیامبر و مادر کوثر الهی که مقامی بس عظیم است که در این مورد سرور عالمیان چنین فرمودند: که پروردگار عالم بر سرورم گرمی‌ترین بنده‌ی پروردگار عالم جانی که جایگاه رحمت جاری پروردگار گردید و برگزیده شد تا کوثر را در درونش جای دهد که ثروتش را در بازار بندگی جز به پروردگارش نفروخت و بهای ثروتش جانی شد که در درونش جان گرفت،

به تکان درآمد، در فضای جانش رشد کرد و از شیرهی جانی نوشید که بهای خرید و فروشی آسمانی بود. اگر نمی‌توان مقام و منزلتش را درک کرد، ولی می‌توان وارد اقیانوس بی‌کران علم و معرفتش شد و عالم و عارف شد و نجات و سعادت دنیا و آخرت را کسب کرد.

امروز که مصادف است با رحلت جان‌سوز این گهر گران‌قدر الهی که زبان و اندیشه قاصر است از درک فضایل بی‌نظیر ایشان، پس مدد می‌گیریم از فرزند گرامی‌شان سرور عالمیان که با مادر چنین سخن فرمودند:

که مادر هر وقت دلم برایتان تنگ شود در خانه‌ی خودم مشغول تماشای وجود با محبتتان می‌شود و حضرت خدیجه (س) با تبسمی می‌فرمایند: این خانه‌ی خاتم انبیاء است که یکی از باغ‌های بهشت است که در آن پیامبر الهی راه رفته است و نفس کشیده و روز و شب را آغاز کرده و به اتمام رسانده است. حضرت زهرا (س) می‌فرمایند: مادر من عبادت پدر بزرگوام را در این خانه بسیار دوست دارم و شاید ساعت‌ها مشغول تماشای آن می‌شوم؛ با اینکه پدر عمر خود را در کنار من به پایان رساند ولی تماشای پدرم در این خانه برایم بسیار دلپذیر است. حضرت خدیجه (س) می‌فرمایند: بیشترین وحی الهی در سحرها در این خانه به قلب مبارک پیامبر (ص) نازل می‌شد و شکوه سحرهای مکه‌ی مکرمه عطر آگین بود با وحی الهی و همان‌طور که اهل خانه همگی در حال سجده‌ی شکر بودند و خود تو دختر بی‌همتایم هر بار که سجده می‌کردی وجود مقدس پدر بزرگوام دست‌ها را به آسمان می‌گرفت و می‌فرمود: بار الها چشیدن عصاره‌ی خلقت و داشتن کوثر هدایت در خانه‌ی محمد (ص) چه باشکوه است. آنگاه سر تو را به دامن می‌گرفت و می‌فرمود: شکر پروردگار را که مزد رسالت مرا محبت به تو یک دانه‌ی رحمت خود قرار داد و آنگاه درحالی‌که اشک مانند باران از چشم‌های مبارکش جاری می‌شد، می‌فرمود: خدیجه بیا و مزد رسالت را در آغوش بگیر و او را به قلب خود بفشار تا شکرگزار قرآن کریم گردی و من امر را اطاعت می‌کردم، دخترم را که نعمت کوثر بود می‌بوییدم و ندای حضرت جبرئیل (س) را می‌شنیدم که در گوشم زمزمه می‌کرد: ای خدیجه پروردگار کریم به وعده‌ی

خود عمل نمود و مزد صابران را بهترین مرزدها قرار داد. در ادامه سرور عالمیان می‌فرمایند: حیات مادر در زندگی زمینی آن‌چنان با شداید روزگار همراه بود و صبر بی‌منت‌های او و دیدن آزار دیگران در مورد وجود مقدس پیامبر (ص) قلب مادر را آماده‌ی هجرت می‌کرد و آخرین بار که دست مهربانش را بر قلب گذاشت مرا در آغوش گرفت و فرمود: دخترم این آخرین تپش قلبم است و او برای همیشه ساکت خواهد شد، ولی شروع تپش قلب من در قلب کوچک تو مانند چگشی خواهد بود بر سر کفار مکه، پس پدر را یاری کن. لحظه‌ی جدایی سخت بود و من بسیار در غم از دست دادن مادر غمگین شدم و پدر گرامی‌ام درحالی‌که حلقه‌ی اشکی بر چشم‌های مبارکش حلقه می‌بست می‌فرمود: خدیجه سپری بود بر غم‌های من و شیرینی تو یادگار او آن‌چنان بر قلب و روح من شادی آفرین است که غم از دست دادن همسر مهربانی چون او را فراموش می‌کنم و آن وقت مرا به قلب خود می‌فشرده و من تنهایی را از یاد می‌بردم.

اینک با قلبی آکنده از غم و اندوه ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس سرور و مولایمان ابا صالح المهدی (عج) به مناسبت رحلت مادر گرامی‌شان حضرت خدیجه‌ی کبری (س) خدمت مقدسشان ابراز می‌داریم که:

مولا ما منتظران و عاشقان شما در صبری شیرین به انتظار شما نشستیم و به سفارش مادر گرامی‌تان که فرمودند: منتظر مأموران الهی بمانید تا مرزده‌ی آمدنش را با عذاب باطل بیاورند و جان جهان را منور به نوری کنند که در آن مرده‌ای یافت نمی‌شود، همگان زندگانی هستند که نسیم رحمت را بر جانشان خواهند نشاند. پس ای مهمانان کوی عشق به امید آن روز همه با هم فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۱ تیر ۹۴

خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)

حمد و شکر و سپاس شایسته و برازنده خداوند بی‌همتاست که آخرین مقصود نیازمندان و نهایت آرزوی آرزومندان، سرپرست شایستگان، امان دهنده‌ی ترسیدگان، ذخیره‌ی بینوایان، گنج بیچارگان، برآورنده‌ی حاجات فقیران و مسکینان و فریادرس دادخواهان، کریم‌ترین کریمان و مهربان‌ترین مهربانان است.

بار الها شکر و ستایش بی‌شمار و بی‌پایان تو را گوئیم که بر ما منت نهاده ارجمندترین و گرامی‌ترین بنده خود خاتم انبیا و تاج پیامبران حضرت رسول اکرم (ص) و اهل‌بیتش را برگزیدی و از بندگان خاصت قرار دادی و به نور خود منورشان فرمودی و آنان را در میان بهشت خود درآوردی و در خانه‌ی کرامت و عزت جای دادی و دیدگانشان را به جمالت منور کردی و به بزرگ‌ترین و تنهاترین آرزوی آنها که همان رضایت و خشنودی خودت بود رساندی و ما را به واسطه محبت و دوستی آنها عزت و کرامت بخشیدی.

و امشب چه شب مبارک و خجسته‌ای است شب نیمه‌ی ماه رحمت و کرامت، ماه گستردگی خوان نعمت الهی ماه رمضان میلاد دومین نور ولایت و امامت، کریم اهل‌بیت، اسوه صبر و گذشت، بلندای رضا و شکیبایی حضرت امام حسن (ع) که در مورد شخصیت والای ایشان بهره می‌گیریم از فرمایشات مادر گرامی‌شان کوثر الهی، سرور عالمیان حضرت صدیقه کبری فاطمه‌ی زهرا (س) که پس از در آغوش گرفتن فرزند گرامی‌شان امام حسن مجتبی (ع) چنین فرمودند: بار دیگر حرارت قلبم را در جسم خاکی جانم آن‌چنان حس کردم که ملکوتیان عرضه داشتند: ای دخت پیامبر، در جان مبارکتان چه اسراری شکوفا شد که این چنین به سخن درآمد و من پاسخ دادم: آنگاه که پروردگارم امر فرمود: من خلیفه‌ای می‌آفرینم، صورتی مطهر نمایان گشت؛ همگان به تماشایش سرمست گشتند و پروردگار فرمود: این نقش را به خاطر بسپارید تا راز عشق را آشکار سازم؛ همگان سر تسلیم فرود آوردند؛ آن نقش در جان من جای گرفت و

نامش آشکار گردید. پس نام حسن آشکار کننده‌ی حسن خلقت است در نقش پذیری صورت خلیفه؛ تمام نقش‌ها نشان از خالقی مدبر دارند که آمدنشان امر پروردگار را در قالب جان‌ها به نمایش می‌گذارد تا ضربان قلب‌ها را به یک ضربان ختم کند و آن ضربان توحید است. پس محبت به فرزندان من محبت به خلقتی با عظمت است پس نامشان را زینت جانتان کنید و همواره حرارت محبت پروردگارتان را در قالب سینه‌تان حس کنید. جد بزرگوارشان رسول الله (ص) امام حسن (ع) را بسیار دوست می‌داشتند و با آگاهی از افکار و عملکرد مردم زمان او به جهت آماده‌سازی برای برخورد با آنان ایشان را روی زانوان مبارکشان می‌نشانند و آیه‌های کریمه سوره‌ی توبه که در مورد چهره صد رنگ منافقین بود را برای ایشان تلاوت می‌فرمودند و هر ساله در چنین شبی در نیمه‌ی ماه مبارک رمضان در مدینه مخصوصاً در منزل پیامبر (ص) جشنی بر پا می‌شد و ایشان همه را به افطاری مهمان می‌نمودند و نوه‌ی عزیز خود امام حسن (ع) را بر روی زانوان مبارک خود می‌نشانند و هر کس که از در وارد می‌شد برایش آیه‌های کریمه‌ی مودت به اهل‌بیت را تلاوت می‌فرمودند.

امام حسن همان‌گونه‌ای که جد بزرگوارشان برایشان فرموده بودند با مردمی صد رنگ و سست عنصر و منافق روبرو شدند و با قبول پیشنهاد صلح معاویه ملعون، دشمنان و منافقین را در گودال مکر و حيله‌ای که خودشان کنده بودند سرنگون کردند و آن‌چنان رسوا شدند که با دسیسه و حيله‌های شیطانی ایشان را مسموم و شهید کردند.

این غافلان و کوردلان و تهی مغزان این را نمی‌دانستند که بین حق و باطل هیچ زمان صلح نبوده و نخواهد بود. صلح امام حسن مجتبی (ع) همچون زبان حضرت زینب کبری (س) برنده‌تر از شمشیر بر فرق باطل فرود آمد و پایه‌های آن را متزلزل کرد. باید باور و یقین داشت که نور امامت تجلی نور هدایت خداوندی است و آن را نه با مکر و حيله و نه با زندانی و اسیری و نه با کشتن نمی‌توان خاموش کرد.

اینک در این شب مبارک ضمن عرض تبریک خدمت مولا و سرورمان ولی و امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) اعلام می‌داریم ما ساکنان کوی عشق بر این باور هستیم که در این زمانه شما نیز همچون عموی بزرگوارتان امام حسن مجتبی (ع) با امتی

دنباله‌روی مردم آن زمان روبرو هستید. جان عالم به فدای قلب نازنین شما که همچون عمومی گرامی‌تان صبر می‌کنید پس دست تمنای ما را در دستان مطهرتان بگیرید تا دور از همه‌ی آنان در بیعت با شما بمانیم.

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها دنیا در کفر و فساد و جنایت و نفاق غرق است ما را از شر آن حفظ بفرما.

بار الها ما را همچون یاران صدیق امام حسن مجتبی منتظر و گوش به فرمان مولایمان قرار بده.

بار الها در دولت ظهور مولایمان تعجیل بفرما.

حال ما نیز به نیت اینکه انشا الله امشب در مهمانی رسول خدا شرکت کنیم و از خیر و برکت آن افطاری بزرگ بهره‌مند شویم پنج بار به نیت پنج تن آیه مودت به اهل‌بیت را همه با هم قرائت می‌کنیم امید است مورد قبول خداوند کریم و رسولش و اهل‌بیت مخصوصاً امام عصر (عج) قرار بگیرد.

«قل لا أسألكم عليه أجرا الا الموده فی القربی»

ای رسول بگو که من برای رسالتم اجری از شما نمی‌خواهم جز اینکه به اهل‌بیت من محبت کنید

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۴ تیر ۹۴

خطبه‌ی شب ۱۹ رمضان شب قدر

حمد و سپاس از آن خداوند حکیم و عزیز و کریم است که هدایت فرمود ما را به آخرین و کامل‌ترین دینش و شناساند به ما پیامبر و امامان برگزیده‌اش را و قرار نداد از ناکثین و قاسطین و مارقین و جاهلان حق و مقام آنان؛ و محبت و دوستی ایشان را در دل‌هایمان جا داد و ایامی را بر ایشان مخصوص گردانید تا پیروانشان ابراز پیروی و دوستی نمایند. پس شکر بر پروردگار یکتا و سلام بر تاج پیامبران خاتم انبیا حضرت محمد (ص) و بر خاندان پاکش؛ و سلام نامی است که پروردگار عالم فرمود: سلامتی جان‌ها آنگاه به حقیقت حیات متصل می‌شود که بار گران نفس اماره را از پشت خویش به زمین رحمت پروردگار بگذارد تا حیات حقیقت خویش را آشکار کند. حیاتی که از حرارتش عالم شکل گرفت و گرما و سرما قالب خویش را شناخت و آنگاه عرضه داشت: ای پروردگارم چرخش ایام را به حق آفریدی و در آن ساعات و دقیقه‌ها را به چرخش در آوردی تا معمایی را که نامش حیات است را تفسیر کنی، اینک آن معما از درون جان‌ها به حرکت درآمده تا آفرینش را به انوارش بیاراید. پس به تمنایی عرضه می‌دارد: ای خداوند کریم نشانه‌ها را یافته‌ام و خانه‌ی ابدیم را شناختم، در آن خانه مهمان شدم و بر سر سفره‌ی احسانش نشستم، از انوارش متنعم شدم، یاریم کن که بر تخت سلطنتم باز گردم و بار دیگر صدای رحمتت را به گوش جان بشنوم که فرمودی: به بهشت درآید و از آنچه که خواهید بخورید که منع کننده‌ای ندارید.

ای مهمانان کوی عشق به فرموده‌ی سرور عالمیان کوثر جاریه‌ی الهی حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) در این شب قدر در خانه‌ی رحمت الهی بر سر سفره‌ی احسان پروردگار نشستیم، پس فرصت را غنیمت شماره‌ده، با تمام وجود سعی کنیم که از سر این سفره‌ی با برکت با دست پُر برخیزیم، چون صاحبش با جود و سخا و کرامت خود هیچ‌گونه محدودیت در آن قرار نداده، این ماییم که با توبه و اندیشه در عملکرد و افکار خودمان می‌توانیم حیاتی که معمایش رسیدن به قرب الهی است را شروع کرده و دریابیم و این در صورتی امکان‌پذیر است که به وجود مطهر پیامبر عظیم الشان

حضرت محمد (ص) و اهل بیتش توسل بجویم و عاجزانه بخواهیم که ما را با مقام محمودشان شفاعت و هدایت نمایند و بر سر حوض کوثر، مهمان نمایند که توصیف آن را از سرور عالمیان می‌شنویم که فرمودند: آنچه آفرینش را در حیاتش رنگ بخشید بزرگی روح خلیفه بود که در درونش مجموعه‌ای از الوان‌ترین زینت‌ها را ذخیره کرده بود تا به امر پروردگارش آن را آشکار سازد تا مقام محمود که همان مقام بندگی است به رنگ‌هایی الوان تزیین شود و هر بار یک رنگ آشکار گردد و جهان را با نور خود بیاراید، پس چشم‌ها به دنبالش به عظمتی منور گردد که پروردگار فرمود: رنگ، همان رنگ خدایی است و آب حوض کوثر در ظاهرش هم‌رنگ آبی است که پروردگار عالم تعیین فرموده و همگان آن را می‌بینند و جانشان را با آن تطهیر می‌کنند، آن را می‌نوشند تا حیاتشان ادامه یابد، پس باطنش با کدام دیده قابل درک است. چون مربوط به ذخیره‌ای است که در روح به امانت گذاشته شده است، امانتی که در بندگی گشوده می‌شود و رنگ خدایی‌اش آشکار می‌گردد.

اینک که ما شب‌های بزرگ و با عظمت قدر را آغاز می‌کنیم که در آن خداوند حکیم فرموده‌اند که قرآن کریم را در آن نازل فرمودند، باید به آن پناه ببریم که راه رسیدن به تقوا و بندگی و سعادت است؛ ولی واحسرتا که آن را امت مسلمان مهجور نمود درحالی‌که مراتب رشد در فرامین قرآن کریم در اقیانوسی که خود کتاب می‌فرماید اگر مرگب شود قادر به نوشتن نیست. ولی خواندن فرامین و دستورات پروردگار کریم به صورت کلمه‌هایی برای رفع امیال دنیوی تبدیل شده و تلاوت کنندگان این گنجینه‌ی هستی، آن را مانند دروس مدرسه برای گرفتن مدرک و پیمودن مراتب تلاوت آن، برای رسیدن به عنوان‌های دنیوی، در رقابت‌های کشش صداهای ظاهری قرار داده‌اند و آنچه می‌بینند کلمه و حروف است برای خواندن. می‌خوانند و گاهی از احوال اقوام گذشته متأثر می‌شوند و به حال آنان تأسف می‌خورند که چرا خود را در آتش قهر پروردگار کریم گرفتار کرده‌اند و از آنان در ذهن خود تصویری را می‌سازند که مستوجب عذاب بوده، درحالی‌که از پرده‌ی غیب بی‌خبرند و آثار آیات را در وجود برزخی‌شان درک نمی‌کنند. اگر قدرت تفکر مسلمانان به اندازه‌ای بود که می‌توانست نزول را درک کند از مراتب دنیوی فاصله می‌گرفت، در همان حالی که در تلاوت قرآن

کریم بود سرش مانند چهل چراغ می‌شد و بدنش در مقابل نزول وحی مانند سایه‌ای که در مدار قوی‌ترین انوار حق باشد از شدت نور دیده نشود.

چه زیباست این فرموده در مورد تلاوت کنندگان قرآن کریم که تلاوت کنندگان واقعی قرآن کریم کسانی هستند که پوست و گوشتشان از کلام الهی متغیر می‌شود و شکمشان از حرام تهی می‌شود و قلبشان از خون متعفن تهی می‌گردد. آنچه در وجودشان به جریان می‌افتد دریایی است که مائده‌هایی چون مائده‌ی حواریون را در خود پرورش داده تا از آن مائده بخورند و به پیمان‌های الست برسند، قالو بلی را در رگ‌هایشان بشنوند و عشق را در نهان وجودشان از حالت احساس به حقیقتی استوار برسانند، ولی افسوس، هزاران هزار بار افسوس که مدعیان قرآن، امیر مؤمنان علی (ع)، قرآن ناطق و روح و جان قرآن را در بهترین جایگاه، فرقتش را شکافتند و ندای لا حکم الا لله را سر دادند؛ و امیر مؤمنان (ع) چه زیبا جواب دادند که به خدای کعبه رستگار شدم. بله ایشان آیات قرآن را برای اولین بار بر خلاف آنان که با جوهر و قلم می‌نوشتند آن را با خون پاکش نوشت و تا قیامت تفسیر نمود، درحالی‌که قلب نازنینش به جهالت آنان می‌سوخت و در همه‌ی عمر مبارکش لحظه‌ای از هدایت آنان از پا ننشست. همان‌گونه‌ای که فرزند گرامی‌اش امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) در این عصر و زمانه که با وجود غفلت امت مسلمان از حضور بی‌وقفه‌ی ایشان انجام می‌دهند و باید یقین و باور کرد که صدای حق همواره بلند و گویا بوده و حق طلبان، همان کسانی هستند که در راه خدا با جان و مالشان جهاد می‌کنند و به پیرایه‌های زودگذر دل را نمی‌بازند، زندگی با رنج را به زندگی خوش و زودگذر ترجیح می‌دهند و زبان به ستایش پروردگارش می‌گشایند تا با امام زمانشان باشند و ساعات را در کنار او سپری کنند و از فضایلش، جان را جاودانه گردانند. پس برای تحقق آن هر لحظه از خداوند متعال مدد می‌خواهیم و فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب ۲۱ رمضان شب قدر ۱۶ تیر ۹۴

حمد و شکر و سپاس پروردگار با جبروت و بزرگواری را سزا که خود را بر بندگانش چنین معرفی فرمود: اوست خدای یگانه و بی‌شریک که دانای نهان و آشکار و بخشنده و مهربان است؛ و فرمانروا و پیروزمند و حکیم که هر چه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح‌گوی او هستند و آسمای نیکو از آن اوست. همان‌گونه‌ای که پروردگار عالم خود فرمود مرا به نام‌های نیکو بخوانید. نامی که در جوهره‌ی خویش ندایی را زمزمه می‌کند و آن ندا ضامن حیاتی می‌شود که نامش را کتاب آسمانی معرفی فرموده: ای بندگانم، من از رگ گردن به شما نزدیک‌ترم پس نامم را بخوانید تا به ندایتان پاسخ دهم، اینک آن ندا به سخن در می‌آید تا پروردگارش را در قالب رحمت بی‌منت‌هایش بخواند. زبانش را به حرکت در می‌آورد. صدایی از فضای دهانش به گوش نمی‌رسد، قلبش به تپشی خاص مبتلا می‌شود، ضربان جانش حکایتی را بیان می‌کند که زبانش قدرت تکلم آن را ندارد. مأموران الهی به کنارش می‌آیند، به جانش امر می‌شود که سخن بگو ولی جز همان ضربان، گواهی یافت نمی‌شود. چون اسرار آفرینش در ندای پروردگار عالم نهفته است و اسرار وجود انسان‌ها در پاسخ به آن ندا.

اگر توان جانی قادر به درک این تبادل باشکوه شد نامش عبدالرحمن است و اگر قادر شد تا نقش عبدالرحمن را در جانش جاودان نماید نامش مؤمن است و اگر توانست تا نقش مؤمن را به جانش هدیه کند نامش بنده است، بنده‌ای که بارکش مولای خویش است تا هر آنچه که بر پشتش نهاده‌اند را برد، پستی که حکایت‌های شیرینی را در خود ذخیره نموده است.

بله این محبت و ارتباط بین خالق و مخلوق است که آن را در کمال عرفان و زیبایی سخن، سرور عالمیان حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (س) توصیف فرمودند که زبان، قادر به برقراری این ابراز بندگی و عشق را در توان خود ندارد، بلکه این

قلب‌هاست که آن را اگر کسی قطع نکرده باشد، جانش در احاطه‌ی انوارش از تاریکی به روشنایی درآمده و حاصلش قرب و اطاعت مطلق می‌شود.

امشب چه شبی است، چون جانی که همه‌ی لحظات عمرش منور به انوار الهی بود و خورشید و ماه را به خاموشی مبدل می‌نمود، در خاک مطهری مدفون کردند و تا قیامت زمین و آسمان در عزایش ناله و فغان سر می‌دهند. این وجود مطهر ولی آدم، امیر مؤمنان امام و وصی بر حق، بنده‌ی مخلص، تجلی انوار حق، شمشیر عدالت، حضرت امام علی (ع) بودند که اگر وسعت علم و عرفانش را به اقیانوس‌ها عرضه می‌کردند برهوت می‌شد و ایستادگی و استواری‌اش را به کوه‌ها نشان می‌دادند به خاک تبدیل می‌شد. افسوس که بشر شناخت تا راه نجات و رستگاری بیابد، در نتیجه حیران و سرگردان بین حق و باطل راه را گم کرد که در این مورد سرور عالمیان چنین فرمودند که: حرکت در حضرت آدم (س) اولین نشان خلقت بود، او برخاست تا به طرف خالق برود آیا به کدام سو باید می‌رفت. ندایی در نهانش او را می‌خواند. نوری در کنارش بود که او را می‌دید، به او گفت ای پدر دست مرا بگیر من تو را تنها نمی‌گذارم. حضرت آدم سؤال کرد آیا تو مأمور خالق هستی و آن نور گفت من امام و مقتدای تو هستم. نام من علی همانم پروردگار توست، پس مرا بشناس تا تو را یاری کنم. حضرت آدم (س) به آن نور متوسل شد تا او را در حرکت به طرف ندای درونش یاری کند و در تمام مراحل آسایش و سختی با نور ولایت و امامت زندگی نمود و سرانجام به الیه راجعون که همان مکان نخست بود بازگشت. پس پروردگار کریم از روی لطف و احسان خویش انواری را خلق فرمود تا همواره نوری از خالق را در جهان هستی به نمایش گذارند تا مردم معنی و مفهوم الله نور السموات و الارض را درک کنند.

پس می‌بینیم امیر مؤمنان علی (ع) قبل از خلقت زمینی‌اش با انوارش هدایت کننده و نجات‌دهنده بود و در حیاتش و بعد از شهادتش نیز با راه و رسم زندگی‌اش و فرموده‌های گهربارش باز هادی و منجی بشریت است که خود امیر مؤمنان علی (ع) چنین فرمودند: ای مردم من می‌خواهم که روپوش را از روی عدالت بردارم و

دادگستری تاریک را برای شما روشن کنم و راه حق را که در نظر شما کج و معوج کرده‌اند به صورت اصلی آنکه راه راست است برگردانم، خداوندا کاری که من کردم برای این بود تا آنچه از دانایی‌ها و فرهنگ که در دین تو هست به آن برگردانم و در بلاد تو اقدامات اصلاحی را به موقع اجرا بگذارم تا این‌که بندگان تو که گرفتار ستم بوده‌اند به امنیت و آرامش برسند و احکام تو به حدودی که باید داشته باشد برگردد. ای مردم شما باید بدانید آن کس که سمت ولایت را بر مسلمین دارد و بر مسائل مربوط به ناموس و خون و مال و غنائم جنگی آن‌ها حکم می‌کند و پیشوای آن‌ها به شمار می‌آید نباید بخیل باشد، چون اگر یک مرد بخیل والی مسلمین بشود به سبب بخل خود در اداره‌ی امور اموال مسلمین افراط و تفریط می‌نماید و یک مرد نادان نباید دارای مرتبه‌ی ولایت مسلمین بشود، زیرا بر اثر نادانی، مسلمان‌ها را به‌سوی گمراهی و پریشانی روزگار رهبری می‌نماید.

اینک در این شب حزن و اندوه ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس وارث حقیقی و جانشین بر حق امیر مؤمنان علی (ع) منجی بشریت، ولی و امام راستین مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) قسمتی از بیانات گران‌قدر ایشان را بیان می‌کنیم که فرمودند:

امشب جان عالم در عروج جانی ملکوتی در ناله و فغان است آیا فغانش را می‌شنویم؟ اگر می‌شنوم پس پاسخ می‌دهم: ای پروردگرم رمز شهادت بهترین برگزیده‌ات در این شب قدر چیست؟ چگونه جان با عزتش توانست بر بال‌های فرشتگان قدر بنشیند و بر ملکوت سفر کند و منتظران و شیعیان جدم در این کوی عشق با تو پروردگرم چنین نجوا می‌کنند: من در تمام سال‌های عمرم در چنین شبی بر این عروج ملکوتی بر سر و سینه زخم و نامش که اسماء حسنی است با گریه و تضرع بخوانم. اینک به رمزش آگاه شدم و آن صبح را که دیگر در پیمایش شبی ندارد را شناختم، فرق بندگی اگر نشکافد نمی‌تواند بر بال‌های فرشتگان قدر بنشیند. پس ای پروردگرم این سر پرشور را که به تمنای رسیدن به وعده‌های قدر نشین این شب است را دریاب تا توان تحمل مصیبتی را که جهل جاهلان دهر بر جانم همواره نموده است را بیابم و آن‌چنان ناله

کنم که مرا با نام علی مدد کنی و دست ناتوانم را در دستان یداللهیات از لغزش گناه نجات بخشی. پس با تضرع که رمزش را آموختم فریاد می‌زنم:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۸ تیر ۹۴

خطبه‌ی شب ۲۳ رمضان شب قدر

شکر و سپاس پروردگار را سزاوار است که فرمود تو چه دانی شب قدر چیست؟ در آن سلام است و تحیت و بهتر از هزار ماه. پس بار الها آغاز می‌کنیم این شب مبارک را به امید عفو و کرم و بخشش تو به طول قدر آن، به امید صبحی که نجات و رستگاری را در پی داشته باشد و توسل می‌جوییم به صاحب این کوی رحمت، مولا و سرورمان که وجود مقدسش معنی کننده‌ی شب قدر است. پس خداوندا یاری‌مان کن امام و مولایمان امام عصر و زمان (عج) را بشناسیم که هر شب‌مان قدری شود که صبح نجات را در پی داشته باشد همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان فرمودند: این سعادت است که منتظران حقیقی‌اش می‌توانند به آن دست یابند که فرزندم صاحب تمام معجزات الهی است درحالی‌که سال‌های زیادی حتی بیشتر از عمر نوح نبی از عمر شریفش می‌گذرد، او زنده است و با زمان و چرخش او متناسب است چون صاحب الزمان است.

افسوس بر حال امتی که می‌توانند با امامت، این ودیعه‌ی الهی عمرشان را برکت دهند ولی از این برکت در غفلت هستند، نامش را می‌خوانند ولی در چرخش زمانش واقع نمی‌شوند؛ درحالی‌که پروردگار کریم بر آنان منت نهاده و مولایی را بر آنان برگزیده است که شب قدر را معنی می‌کند. از همراهی او در غفلت‌اند و منتظرند تا فرجی در کارش شود درحالی‌که فرج، گشایش عقلشان است که نعمت‌های بودن اعجاز آفرینش را درک نمی‌کنند و مرتباً آمدنش را تقاضا می‌کنند درحالی‌که می‌توانند توفیق داشته باشند برایشان یک شب برابر هزار ماه باشد برای آنانی که بتوانند صاحب الزمان را درک کنند و امام عصر را بشناسند و آیات الهی را در ضمیر وجودشان معنی کنند. پس نعمت امامت را بشناسید تا مانند آنانی نباشید که برگزیدگان الهی را مانند غضب‌کنندگان قدرتشان تصور کردند و از داشتن نعمت وجودشان محروم شدند و جزء خفتگان عالم به حساب آمدند و پروردگار کریم فرمود: آنان مردگانند درحالی‌که زندگان‌اند. درحالی‌که گل‌های نبوت همواره از سرچشمه‌هایی نوشیدند که پروردگار

فرمود: کسانی که اموال خویش را در فقر و غنا می‌بخشند و از درویشی بیمی ندارند، در پیشگاه پروردگارشان صاحب مزدی عظیم هستند. مزدی که در مقابل کاری زحمت کشیده نمی‌باشد. قوای جسمی در آن نقشی ندارد. آنچه پشتوانه‌ی آن است لطافت روحی منور است، روحی که توانش در آینه‌ی خلقت غیر محدود است. پس گردن اطاعت خم می‌کند تا از آنچه در ودیعه دارد ببخشد. توانش را در فقر می‌آزماید، دست بندگی را به بارگاهی با عظمت می‌گشاید و با ثروتی بی‌حساب روبرو می‌شود. اینک آن ثروت را در ترازوی عدل الهی می‌سنجد، کفه‌ی سنگینی را مشاهده می‌کند، پس به فرمان پروردگارش که امر فرموده: از آنچه به شما روزی داده‌ام به پدر و مادر و خویشاوندان و درویشان و در راه ماندگان انفاق کنید، می‌بخشد تا انوار الهیه در اهتزاز بندگی برافراشته شود و جان‌ها از جهل که فقری کشنده است نجات یابد.

پس مولا و امام عصر و زمان یا بقیة الله (عج) ما درویشان و در راه ماندگانیم که امشب به تمنای انفاقی که مادر گرامی‌تان سرور عالمیان حضرت زهراى مرضیه (س) آن را بیان فرمودند، ما درویشانی هستیم با دستانی تهی که در راه مانده، دست و چشم نیازمان به دستان توانمند شماست که با انفاقِ هدایت و لطف و عنایت خود، ما را در پیمودن صراط مستقیم یاری فرمایید و شکرگزار نعمت‌هایی باشیم که در این کوی عشق به برکت وجود مقدستان عطا شده و می‌شود و جزء آن مردمی نباشیم که خداوند فرمود: خدا قریه‌ای را مثل می‌زند که امن و آرام بود و روزی مردمش به فراوانی از هر جای می‌رسید، اما کفران نعمت خدا کردند و خدا به کیفر اعمالشان به گرسنگی و وحشت مبتلایشان ساخت.

بله این کفران نعمت نشانش شنیدن خطابه‌ها از فرمایشات پدران و مادر گرامی‌تان و شما سرور و مولایمان و فراموش کردن و عمل نکردن به نصایح و راهنمایی و هدایت آن است که بی‌دریغ بر ما مانند بارانی به وقت بارشی مداوم دارد. این بارش نعمت و رحمت را قدر بدانیم و شکرگزار پروردگار کریم باشیم زیرا خداوند رحمان و رحیم همان‌گونه‌ای که خود فرمود: زیرا خدا نعمتی را که به قومی ارزانی داشته است دگرگون نسازد تا آن قوم خود دگرگون شوند و خدا شنوا و داناست.

پس خواهران و برادران در این شب قدر با خود و خداوند پیمان ببندیم که با عمل به دستورات قرآن کریم و سفارشات چهارده معصوم مخصوصاً امام عصر و زمان ابا صالح المهدی (عج) در عملمان و افکار و استواری قدممان کوشا باشیم و این عهد و پیمان را با اخلاصمان امضا کنیم نه با زبانمان. چون خداوند شنوا و دانای نهان‌هاست، چون کتاب آسمانی قرآن کریم معجزه‌ای است که جان‌های محدود را به مهمانی پروردگار عالم دعوت می‌کند تا محدودیت روز و شب را به ساعاتی پیوند زند که در آن نعمت روح خداوندی به میدان می‌آید تا قدرت‌ش آشکار گردد و مقامات هدایت آشکار شده و مخلوقات از یکدیگر فاصله گرفته و به طرف جایگاهی حرکت کند که نامش را همانند ندای ابراهیم خلیل (ع) در عالم به امانت سپرده است.

پس ای مهمانان خانگی محمود و مقدس امام عصر باور و یقین داشته باشید که مقدراتی را که خودمان در این شب قدر بر خود رقم می‌زنیم به حضور ولی نعمت و امام و سرورمان صاحب عصر و زمان، ولی بر حق، جانشین پیامبرمان ارائه خواهد شد. پس بیایید تا سحر ناله سر دهیم و توبه کنیم و از ایشان عذر خواسته و یاری طلبیم تا برات نجاتمان را امضا کنند.

بار الها این منم بنده‌ی خطاکار و گناهکار تو که نادم و پشیمان به درگاه کرامت و جود و سخایت با دلی امیدوار و چشمی اشک‌بار پناهنده شدم، ببخشا بر من جرم گناهانم را.

بار الها خود فرمودی توبه پذیر و مهربانی، پس به لطف و کرمیت توبه‌ام بپذیر.

بار الها من که در این شب قدر در این خانگی ولیات نشستم بر این باورم تو این لطف و عنایت را فرمودی و اراده بر نجاتم داری پس عذرم را بپذیر و بر ما ترحم فرما.

بار الها در پیشگاهت آبرو و حرمتی جز دوستی پیامبر گرامی‌ات و اهل‌بیتش مخصوصاً امام عصرم ندارم، پس به آبرو و قرب ایشان مرا ببخش و بیامرز.

بار الها ماه رمضان امسال نیز رو به اتمام است، ماه رمضان سال آینده مان را با ظهور مولا و امام عصرمان منور و مبارک گردان.

بار الها اگر آخرین و بزرگترین درخواست ما را بپذیری همه ی دعا و آرزوهایمان برآورده می شود و آن این است:

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۷ تیر ۹۴

خطبه‌ی عید فطر

شکر و سپاس بی‌کران زیننده‌ی خداوند رحمان و کریم است. از زمانی که حضرت آدم (ع) با فرزندان‌ش به زمین آمد، به وسیله‌ی پیامبران و اولیاء و کتاب‌های آسمانی، آنان را هر لحظه به بازگشت به قرب و آغوش پرمهرش دعوت فرمود و با وعده‌های شیرین به وصلی شیرین‌تر مژده داد؛ تا انتظار بندگان مخلصش پایان یافته و شکرگزار رحمتی واسع باشند که پروردگارشان در الست بر آنان ارزانی داشت، رحمتی که سرور عالمیان چنین آن را توصیف فرمودند: رحمت پروردگار در آینه‌ی خلقت، همانند جامی است که نوشندگان‌ش، با زبانی شیوا به سخن در می‌آیند تا آنچه را که به جان‌شان هدیه شده را این‌گونه توصیف کنند: بار الها در آینه‌ی خلقت نگریستم و جانی را یافتم که بر درگه جانان خویش ایستاده بود. زبانش در کام جان‌ش می‌چرخید تا رازی را آشکار سازد. آنچه در جان‌ش در حرکت است موجی است که طوفان را نمی‌شناسد، به ساحل جان‌ش می‌نگرد. زمزمه‌ای شیرین نامش را بر ساحل انتظار در قالبی محدود می‌نگارد. صدایم را می‌شنوی؟ تو همانی که از آغوشم به غربتی ناشناخته کوچ کردی و من به انتظار بازگشت، تو را مدد کردم. پس ندایم را در جام جانت پاسخ‌گو باش تا دیدگانت را به ثروتی تمام نشدنی مژده دهم.

چه زیبا توصیف فرمودند سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) آغوش لطف و عشق و احسان پروردگار را از زمانی که هر کس قدم به دنیای خاکی می‌گذارد تا لحظه‌ی مرگ او را یاری و مدد می‌کند تا بتواند وجودش را برای آن آماده کند ولی این ما هستیم که باید با بهره گرفتن از هدایت و کمک پروردگار مهربان راه رسیدن را هموار کنیم.

حال که ماه مبارک رمضان که یکی از آن عنایت‌های خداوند است را تمام کردیم که در روزها و شب‌هایش خوان رحمت الهی گسترده‌تر و وسیله‌ای برای پاکی و نجات به الیه راجعون بود، پس باید آن را از شر شیطان و نفس حفظ کنیم چون جان انسان

امانت‌های خاصی را در وجودش به ودیعه دارد که نشانش از قدرتی به نام نفس لوامه سرچشمه می‌گیرد. گاه توان نگهداری‌اش را دارد و آن را از دسترس شیطانِ نفس می‌رهاند و گاه آن را به عنوان پیشکشی تقدیم می‌کند. پس باید اندیشه کرد و راه نجات و در حفظ دستاوردهایش تدبیر کرد چون نشان هر جانی در تدبیرش نهفته است، پس جان بی‌تدبیر همانند خانه‌ی بدون در است که همواره آماده‌ی سرقت است.

اینک در این مورد بهره می‌گیریم از فرمایشات گهربار مولای متقیان امیر مؤمنان علی (ع) که فرمودند: آنچه در این ماه انجام دادیم جنگ با شیطانِ نفس بود که عیدی و جایزه‌ی آن ماندن و متولد شدن دوباره‌ی نفس جدید در ماه مبارک است. هر کس به آنچه در این میدان در مدت یک ماه از مبارزه و جهاد در راه خدا قدم گذاشته، در روز عید از پروردگارش عیدی دریافت می‌کند و آنچه را که خداوند به‌عنوان عیدی می‌دهد، قرب و نزدیکی خودش بعد از ماه مبارک است. پس میزان عیدی میزان آنچه است که بعد از رمضان در وجود و خوی انسان‌ها باقی می‌ماند. همه‌ی زمان‌ها و ساعت‌ها در حال عبور از مرز زندگی هستند و زمان رمضان هم به انتها رسید و گذشت. آنچه از آن به عنوان رمضان باقی می‌ماند عمل شما بود که در صحیفه‌ها نوشته شد و به رؤیت و نظر آن آفریدگار یکتا رسید؛ و در روز عید وقتی خورشید طلوع کند صحیفه‌های عید را می‌آورند تا در آن عمل‌ها و جایزه‌ها را ثبت کنند. پس در موقع نشستن در محراب نماز زیاد ذکر **یا مُحوِّلِ الحَوِّلِ و الاحوال** را بگویید تا در آنچه برایتان مقرر می‌دارند از حسنات باشد و نشانه‌ی آن در قلب گشادگی آن است و نشاط آن، به روی همه‌ی اعمالِ خوب باز می‌شود و از هر عملی نشاطی پیدا می‌کند و به روی همه‌ی زشتی‌ها و پلیدی‌ها بسته می‌شود و از یاد و ذکر خدا شاد می‌شود و از این‌که به دستورات حق عمل نموده احساس خوبی دارد. آنچه از رمضان باقی می‌ماند مودت آن است، اگر با دلی سوخته و دستی خالی به آن دست دراز کرده‌اید با دستی پر و دلی پرنشاط از سفره‌ی آن بر می‌گردید.

پس آنچه را که در رمضان ذخیره کرده‌اید را قدر بدانید و آن را تاراج نکنید که جزء زیان دیده‌گان خواهید بود. ای خداوندی که جان همه‌ی ما در دست توانا و پر قدرت توست به دست‌های خالی که با امید جایزه و احسان تو به طرفت دراز شده نظری از روی رحمت بفرما و ما را از محرومان رمضان قرار مده.

در این روز مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت عید فطر خدمت مولا و سرورمان روزه‌دار حقیقی، خورشید شب‌های رمضان سلامتی و تحیت سحرهای قدرش، وعده‌های جوایز و نجات فطرش، امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) مدد می‌گیریم از قسمتی از فرمایشات گران‌قدر ایشان که فرمودند:

بار الها شادی این لحظات را بر ارواح مؤمنینی که اوامرت را اطاعت می‌کنند و حرمت رمضان را نگه می‌دارند و با اشتیاق بر سر سفره‌ی فطرت می‌نشینند نگهدار تا زمان در چهره‌هایشان بنگرد و نوای پیامبرشان را در جانشان زمزمه کنند: ای یاورانم، فطر بر شما روزه‌داران و اطاعت گران خوان خداوندی مبارک باد؛ بر روزها و شب‌هایی که به عشق دعوت نماز فطر، جانتان را از شر نفس اماره بیرون آوردید تا بوی مطهرش را احساس کنید؛ برخیزید؛ نیت کنید و جام شیرین یک ماه استقامتتان در برابر خواسته‌های نفس را بچشید؛ گوارایتان باد. همان‌گونه که پروردگار فرموده است نعمتتان دگرگون نمی‌شود مگر خود دگرگون شوید پس آن را مانند گوهری در بطن جانتان حفظ کنید و نگذارید تا افکار و اعمال تزیین شده به واسطه‌ی نفس اماره آن را به تاراج ببرد.

اینک مهمانان کوی عشق به تمنا دستان ضعیفان را در این عید فطر به درگاه پروردگارمان بلند کرده که بار الها مرا دریاب؛ حاجتی در این عید باشکوه دارم و درد دلی که غربت جانم آن را فریاد می‌زند. من اینک در فضایی بوی عید را احساس می‌کنم که مولا و سرورم در آن فضا قرار دارد. چگونه عید را بدون حضور ملکوتی‌اش عید بخوانم؟ پس او را مانند همیشه در دعایم به مدد می‌خوانم و با طراوت عید فریاد می‌زنم:

اللهم عجل لولیک الفرج

و به سفارش مولا امير مؤمنان همه با هم می خوانیم:

بار الها، يا مُحوَّلَ الحوَلِ و الاحوال حوَّل حالنا الى احسن الحال

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۰ مرداد ۹۴

خطبه‌ی شهادت امام صادق (ع)

حمد و سپاس و ستایش از آن خدای یگانه، بی‌شریک و بی‌نیاز و بزرگوار و مهربان بخشنده است؛ خداوندی که کشتی را برای حضرت نوح (ع) مایه‌ی نجات و آتش را برای حضرت ابراهیم (ع) گلستان و رود نیل را برای حضرت موسی (ع) گذرگاه و به ملکوت برد حضرت عیسی (ع) را و دور کرد از او گزند دشمنان را و عطا فرمود دو مائده‌ی آسمانی قرآن و اهل‌بیت را به رسول اکرم حضرت محمد (ص).

بار خدایا، ای فریادرس درماندگان و گنج بینوایان و یاور ناتوانان که سجده کنند برای تو سیاهی شب و روشنی روز، تابش ماه و پرتو خورشید، پس درود و سلام ما را بر همگی پیامبران و هدایت‌گران و امامان برسان و ما را جزء هدایت یافتگان و پیروان ایشان قرار بده.

شکر و سپاس بی‌کران پروردگار کریم و رحمان را که در راه هدایت بندگانش فقط به هدایت پیامبرانش بسنده نکرد و همان‌گونه که در سوره‌ی شمس فرمود: هدایت و تشخیص حق و باطل و نیکی و بدی را به انسان الهام فرمود. رحمت و برکت پروردگار عالم آنگاه که می‌فرماید: من شما را از یک تن آفریدم و از جام جان‌ش شرابی گوارا را خارج نموده نامش را جان خواندم جانی که مقتدایش نسیم وحی بود، زبانی که در ظاهر نطقی نداشت ولی در درونش صدایی او را به هدایت می‌خواند. اینک کالبدی را بر آبشار روحی منور بنا کردم تا آینه‌ای باشد از انعکاس قدرتی که خود را الله معرفی فرموده، پس مخلوقاتش بر صفحه‌ی زمان ظاهر می‌شوند؛ جانشان در گنجینه‌ی نهانش امانت‌دار گوهری گران‌بهاست ندایی که همواره راهگشای غیبی منور است؛ اینک تو را به جهانی که در آن نیازی به کالبدت نداری می‌خوانم و تو شتابان آن را در خاک پنهان کرده و به سوی زادگاهت میایی، آیا آن را می‌یابی؟ اگر توان درکش را از دست داده‌ای چگونه خود را می‌یابی؟ گم گشته‌ای که نشانی از خود را نمی‌یابد پس به

الطاف آن گنجینه پناهنده می‌شود تا مانند سپری در مقابل نامت چیست او را مدد کند.

چه زیبا هدایت تکوینی و الیه راجعون را توصیف فرمودند سرور عالمیان، کوثر بی‌همتای الهی، حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (س) و انسان‌هایی که تهی از هدایت ظاهری و باطنی هستند گم‌گشتگانی هستند که حتی نام و نشانی از خود نمی‌یابند چون گنجینه و گوهر بی‌نظیر وجود را از دست داده‌اند که بزرگی‌اش از تصویرها خارج است که ایشان در این مورد نیز چنین فرمودند: اگر جانی دارای تحولات درونی باشد همانند سرعت روزهای عمر می‌تواند با خلقت میلیاردها سال برابری کند پس او را خلیفه‌ی خلقت قرار دادند تا به یک نجوا حرارت خورشید را دریابد و با یک نوری که در قلبش پیدا می‌شود ماه را بی‌فروزد و با یک ابراز بندگی انوار آفرینش را به خود اختصاص دهد پس قلب است که فرمان رام هر آنچه در آفرینش وجود دارد را به خود اختصاص داده است همانند ستون عمل من که تمام نعمت‌های بندگی را در خود جای داده است، پس فرمان پروردگار که می‌فرماید: آنچه من روزی‌تان کرده‌ام بزرگ‌تر از پهنای زمین و آسمان است را با این سخنان گران‌قدر درمی‌یابیم که انسان‌ها با پیروی از هوای نفس و شیطان نه‌تنها هدایت‌گر درونی خود را کشتند و خود را از بزرگ‌ترین مقامات که خداوند اراده در خلقت بشر داشته محروم کردند بلکه هدایت‌گران و پیامبران و امامان را نیز شهید کردند و بشریت را از چراغ‌های فروزان هدایت و نجات محروم کردند که امشب ما در این کوی عشق به سوگ شهادت یکی از آن بزرگان دور هم جمع شده‌ایم که ایشان ششمین اختر در آسمان امامت و ولایت، معلم راستین قرآن و عرفان، پاک‌کننده‌ی انحرافات از دین و بنیان‌گذار راه و رسم شیعه امام جعفر صادق (ع) هستند. عمر مبارک ایشان ۶۵ سال بود که در طول ۳۴ سال امامت خود علاوه بر تربیت بیش از ۴،۰۰۰ شاگرد، به قدری روایت از علوم مختلف از ایشان وجود دارد که دانشمندان را از این همه دانش و تلاش به حیرت واداشته که در این شب چند مورد را نقل می‌کنیم.

ایشان فرمودند: آیهی کریمه‌ی «فی بیوتِ اذن الله» یعنی خانه‌هایی که خدا خواسته است مرتفع باشند، شخصیت اجتماعی دارند و ابهت آنان در دل‌هاست؛ خانه‌هایی که در آنها همیشه هر صبح و شام ذکر خدا را تسبیح می‌کنند؛ مردانی که داد و ستد، آنها را از یاد خدا باز نمی‌دارد بدن‌های مطهر معصومین است؛ همانا برای ما پروردگاری است که همیشه حافظ ماست و ما او را عبادت می‌کنیم و کسی که منتظر ظهور دولت ما باشد و بر ترس و اذیت و آزاری که در این راه می‌بیند صبور باشد فردای قیامت در گروه ما خواهد بود و به خدا سوگند عدالت قائم ما درون خانه‌های مردم وارد می‌شود همان‌گونه که گرما و سرما وارد خانه‌ها می‌شوند و مظهر دو صفت خداست: عدالت و حکمت و هرکس که بودن در شمار یاران قائم شادمانش سازد باید به انتظار باشد و با حال انتظار، به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند پس اگر اجالش برسد و امام قائم پس از درگذشت او قیام کند پاداش او همانند پاداش کسی است که امام قائم را درک کرده باشد.

منصور دوانقی خلیفه‌ی ملعون عباسی در اواخر عمر امام جعفر صادق (ع) را در مضیقه شدیدی قرار داد و کلاس درس ایشان را تعطیل و ایشان را ممنوع‌الملاقات و خانه‌نشین کرد و سرانجام در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ به امر آن ملعون مسموم و شهید شدند. لعنت الله علی قوم الظالمین.

ما در این شب حزن و اندوه ضمن عرض تسلیت به پیشگاه فرزند گرامی ایشان سرور و مولایمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) به مناسبت شهادت پدر بزرگوارشان امام جعفر صادق (ع) ابراز می‌داریم: مولای ما، امام صادق (ع) به ما شیعیان راه و رسم شیعه بودن را آموختند؛ شیعه‌ای که به فرموده‌ی مادر گران‌قدرتان: آنگاه که با افکاری شیطانی طوفانی ویرانگر را بر موحدین پدرم رسول خدا (ص) وارد کردند تا او را فردی علاقه‌مند به خاندانش جلوه دهند پروردگار عالم آن را به نسیمی طراوت بخش تبدیل نمود که به همراه خویش‌القابی را تا قیامت رقم زد و آن نام شیعه بود که مهر اصلتش خون پاک موحدینی است که توانستند پرچم حق را در اهتزاز نگهدارند و دین خدا را با هدایتش بپذیرند نه با نقش بندگان در حیات و ممات.

پس مولا، ما منتظرانتان را یاری فرمایید شیعه‌ای باشیم که سرور عالمیان و امام جعفر صادق (ع) آن را توصیف فرموده‌اند.

در خاتمه دست به دعا برمی‌داریم:

بار الها نام شیعه و منتظر نامی است بس بزرگ و مسئولیتی سنگین؛ ما را یاری کنید تا بتوانیم با آن نام بمیریم و در قیامت محشور شویم.

بار الها ما نیز همچون شاگردان امام جعفر صادق (ع) تربیت شده در مکتب امام عصر (عج) هستیم پس یاری‌مان فرما تا از آموخته‌هایمان در راه اسلام راستین بهره بگیریم.

بار الها ما را از شفاعت امام شیعیان امام جعفر صادق (ع) و پدران و فرزندان در قیامت بی‌نصیب نگردان.

بار الها در ظهور دولت حق امام و ولی نعمتمان تعجیل بفرما و ما را جزء منتظران آن حضرت قرار بده.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۳ شهریور ۹۴

خطبه‌ی ولادت امام رضا (ع)

بار الها از آن توست بزرگی و عظمت و کرامت، تویی که آسمان‌ها و زمین را آفریدی و به حکمت خود به آن عجاب و سازمان دادی، خورشید و ماه را روشنایی بخشیدی و با خلق ستارگان به آن زیبایی دادی پس تویی قادر توانا، نعمت‌بخش و عزیز و حکیم و سزاوار پرستش و حمد و ثنا، نیست معبودی جز تو که در آیات کریمه‌ی سوره‌ی ملک چنین فرمودی که: بزرگوار و متعالی است خداوندی که فرمانروایی به دست اوست و بر هر چیزی تواناست. آنکه هفت آسمان طبقه طبقه را بیافرید، در آفرینش خدای رحمان خلل و بی‌نظمی نمی‌بینی، پس بار دیگر نظر کن آیا در آسمان شکافی می‌بینی؟ بار دیگر نیز چشم باز کن و بنگر، نگاه تو خسته و درمانده به نزد تو باز خواهد گشت.

پروردگارا شکری افزون بر شکری دیگر تو را سزااست که برای درک این آیات عالمانه و حکیمانه اولیایی را از اهل بیت گل سرسبد آفرینش، تاج پیامبران، خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) برگزیدی، مخصوصاً سرور عالمیان کوثر جاریه‌ی الهی حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (س) که برای تفسیر این آیات بهره می‌گیریم از علم بی‌همتای ایشان که فرمودند:

پروردگار کریم در این سوره فرموده‌اند که: عجایب خلقت در وجود، با دیدن و نگاه کردن به عظمت آسمان در نهان انسان شکفته می‌شود. آیا دیدن عظمتی که ثانیه‌های حیات با آن سپری می‌شود اگر خللی در آن پیدا شود حیات پایان می‌پذیرد قابل تحسین است یا علمی که در کرات آن از چشم ظاهر دور است و باید با اکتشافات علمی به آن پی برد؟ منظور چیست؟ کدام تحسین منظور کتاب آسمانی است؟ اکتشافات علمی باعث شناخت ظاهر کرات است تا شعور انسان در فهم آنچه بالای سرش است بالا رود؛ ابزار فکر شکوفا می‌شود و او را توانمند می‌سازد تا علمش را عرضه کند و مردم بدانند بالاسرشان حیاتی است که منحصر به فرد است و حیاتش

حیات دیگری را احیا نمی‌کند بلکه توان نگهداری خویش را دارد. پس به آسمان نگاه می‌کند. حالا درخشیدن ستارگان را می‌شناسد. می‌خواهد به سؤال پروردگارش پاسخ دهد. چه بگوید؟ آیا شکر کند؟ سجده کند؟ تأیید کند؟ یقینش کامل شود. سعی می‌کند تماماً را در وجودش جمع کند، می‌خواهد خلقت را بشناسد، باید چراغ جانش برود آسمان دلش را مورد بررسی قرار دهد، آیا کرات جانش را شناخته است؟ ترکیبات آن را به آزمایشگاه باطنش برده تا سم‌های خطرناک را مورد پژوهش قرار دهد و یا با آسمان وجودش بیگانه است؟ خورشیدش را خاموش کرده، ستارگانش را از درخشش انداخته تا همواره ظلمات را برایش به ارمغان بیاورد. به جانش مانند ابزار کار نگریسته تا زمان حیاتِ ابزارش به انتها برسد و آنگاه آن را در زمین مدفون کند و آسمان تاریک و ظلمانی را به ظلماتی سخت‌تر منتقل کند و متحیر شود که چشم‌های بینایش چه شد؟ گوش شنوایش چه شد؟ همگی در سؤال قرآن کریم در هم پیچید و از بین رفت.

پس با این تفسیر زیبا و گران‌قدر سرور عالمیان باید یقین پیدا کنیم که عظمت آسمان و زمین وجودی انسان شگفت‌انگیزتر از آسمان و زمین است، پس باید خورشیدش را منور و ماهش را درخشان کنیم تا حیاتمان ابدی شود، در غیر آن ممات و تاریکی را به دنبال خواهد داشت.

اینک در این شب مبارک از تولد جانی می‌خواهیم سخن بگوییم که وجود مقدسش را با انوار الهی منور فرمود و خورشید و ماهش را چنان روشنایی بخشید که بیش از هزار سال است که وجودهای تاریک و ظلمانی را با نور امامت و ولایتش روشن فرموده، ایشان علی بن موسی‌الرضا (ع) هشتمین حجت خدا در روز ۱۱ ذی‌قعدة سال ۱۴۸ هجری قمری در شهر مدینه متولد شد و جهان علم و فضیلت را به نور دانش و کمالات خود منور گردانید.

نام ایشان علی و کنیه‌اش ابوالحسن و رضا لقب زیبای این مولود شیعه قرار گرفت. سی و پنج سال عمر شریفش سپری شده بود که به اقتضای کمال و شایستگی ذاتی و

تأیید پدر بزرگوارش امام موسی بن جعفر (ع) به منصب امامت و زعامت امت نائل گردید.

مدت بیست سال به حراست از کیان آیین الهی پرداخت، به طور کلی مدت امامت حضرتش را می‌توان به سه دوره تقسیم نمود. ده سال اول آن با هارون الرشید عباسی مصادف بود، پنج سال با محمد امین پسر هارون ملعون و پنج سال پایانی امامت آن حضرت هم‌زمان با حکومت مأمون لعنت الله سپری گردید. سرانجام پس از حدود سه سال که از ورود امام به خراسان می‌گذشت در روز جمعه‌ی آخر ماه صفر سال ۲۰۳ هجری قمری به دستور آن ملعون به شهادت رسیدند.

احادیث حکیمانه و نجات‌بخشی از ایشان نقل شده که معروف‌ترین آن حدیث شریف سلسله الذهب است که ایشان فرمودند که: از پدرانم شنیدم از امیر مؤمنان علی (ع) و ایشان از رسول خدا (ص) شنیدند و ایشان از حضرت جبرئیل که خداوند فرمود کلمه لا اله الا الله حصار و جایگاه امن من است پس هر کس به دژ من وارد گردد از عذابم در امان خواهد بود و امام رضا (ع) با صدای بلند فرمودند این شرط‌هایی دارد و من خود یکی از آن شرط‌ها هستم.

بله توحید بدون امامت امنیت و نجات‌بخش نیست بلکه گمراهی و تباهی است. در این زمانه به عینه می‌توان دید دشمنان امامت هر روز با روش جدیدتری دست به خیانت و فجایع تازه زده و دنیا را بدون صاحب و خداوند فرض کرده، مخلوقات پروردگار را به طور وحشتناکی می‌کشند. اینان نه پیامبر را نه قرآن و خداوند را پذیرفتند، این تهی مغران آلت دست کافران و منافقان و متکبران و ظالمان قرار گرفته برای خدشه‌دار کردن اسلام در اذهان مردم دنیا عمل می‌کنند. غافلاند خداوند خود از دینش محافظت فرموده و نخواهند توانست که نور خدا را با دهان خاموش کنند.

حال ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس مادر گرامی‌شان حضرت زهرا (س) و فرزند گهربارشان سرور و مولایمان ابوالصالح امهدی (عج) برای تسکین دل سوخته‌مان از کینه و عداوت دشمنان اهل بیت مژده‌ای را از سرور عالمیان بیان می‌کنیم که فرمودند آنگاه که ساعت‌ها به هم پیوندند و زمان‌ها در هم شوند و شب و روز در

فرمان درآیند منتظران حق از قبرها برخیزند و به استقبال امر پروردگار کریم بشتابند و آنگاه مأموران الهی به آنان خطاب کنند سلام بر شما، وعده‌ی الهی به تحقق درآمد و یاران و دوستان اهل بیت رسول الله (ص) گرد هم جمع شوند و بوی حق را استشمام کنند و پروردگار عالم ندا دهد: ای فرزند زمان، زمان دلگیری‌ها به اتمام رسید، به یاران پیوند و در سایه‌ی حق باطل‌ها را به فراموشی بسپار که ساعت، معنای خویش را از دست داد و زمان برای یاران ثابت ماند.

در این شب مبارک در این خانه‌ی مقدس خطبه‌ی امشب را با صلواتی بر امام رضا (ع) خاتمه می‌دهیم.

پروردگارا بر امام علی بن موسی‌الرضای برگزیده درود و رحمت فرست، آن پیشوای پارسا و منزه و حجت تو بر هر که روی زمین است و بر هر که زیر خاک است، آن صدیق شهید درود و رحمتی فراوان و کامل و بالنده پی‌درپی و از پی هم و پی‌پی همچون برترین درود و رحمتی که بر یکی از اولیائت فرستادی.

بار الها در دولت ظهور فرزند گرامی امام رضا (ع) مولا و سرورمان امام عصر تعجیل بفرما و ما را جزء منتظران و یاران ایشان و عاشقان اهل بیت پیامبر قرار بده.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شهادت امام جواد (ع)

۲۳ شهریور ۹۴

ربنا، خالقنا، معبودا، می‌ستاییم تو را به وسعت کرم و رحمتت، به بزرگی بخششت، به عظمت فضل و احسانت که در برگرفته همه‌ی مخلوقات را. تویی شایسته حمد و ستایش و تویی حی و قیوم و مدبر امور جهانی که از ازل تا قیامت تو را تسبیح‌گو بوده. پس سزاوار است بر ما که تو را بستاییم و در برابر عظمتت سر تسلیم فرود آوریم و به عبادت و اطاعتت پیشانی بر خاک بساییم. پس سلام بر دل‌هایی که چونان باد بهاری در دل خود نوید بارور شدن را دارند. آنگاه که خوانده شوند، لبیک گویان برخیزند و جان خفته‌شان با شوق با روحی درآمیزد که آتش شوقش حرارتی را معنا می‌کند که پروردگار عالم فرمود: قسم به روحی که با جان‌ها قرین شود.

سرور عالمیان کوثر الهی حضرت زهراى مرضیه (س) چه زیبا تفسیر فرمودند ابراز عشق و بندگی را در قالب دعا و مناجات که کتاب آسمانی قرآن کریم می‌فرماید با زبان دعایی که پروردگارتان امر فرموده او را بخوانید پس دعا دریچه‌ای است که خواننده‌اش آن را می‌گشاید تا نسیم رحمت الهی به درون جانش بوزد و باعث خرمی جانی شود که شاخه‌های وجودش ر به آسمان گشوده تا با انوارش میوه جانش را به بار رحمت الهی بارور نماید. پس شاکر لطفی باشد که دو زبان را آفرید. زبانی که گویای عظمتش باشد و زبانی که سکوتش بارهایی را بر شاخه‌های وجود بنشانند که در لوح محفوظ جزء اسرار سینه‌ها است.

پس اولیاء و امامان ما با دعا و مناجات‌هایی که قسمتی از آنها در دسترس ما است چه عروج ملکوتی با شکوهی را برای خود رقم زدند و ما کلمات دعا را می‌خوانیم، درحالی‌که در باطنش اسراری نهفته است که امامت از آن با خبر است. چون آنچه در ظاهر کلمات است اتصال به سرچشمه‌های لطف امامت است و آنچه در باطن است نجاتی است که پروردگار عالم در فطرت جان‌ها به ودیعه نهاده و امر فرموده من را بخوانید تا شما را اجابت کنم.

اینک ما در این شب خون و اندوه در این کوی عشق به سوگ یکی از این گوهران بی‌همتا دور هم جمع شده‌ایم که ایشان نهمین خورشید امامت و ولایت، شجاع در علم و دیانت، ابا جعفر ثانی، محمد بن علی، حضرت امام جواد‌الائمہ (ع) هستند که عمر مبارک ایشان بیست و پنج سال است. تولد آن بزرگوار شب جمعه دهم ماه رجب سال ۱۹۵ هجری در مدینه واقع شد و شهادت آن امام همام به دستور معتصم عباسی ملعون، برادر مأمون به دست ام الفضل دختر مأمون عباسی که اجباراً امام جواد همسری وی را پذیرفته بود، در آخر ذی‌القعدة سال ۲۲۰ هجری واقع شد. مدت امامت ایشان تقریباً هفده سال است زیرا هشت ساله بود که پرد بزرگوارش امام رضا (ع) از دنیا رفت و آن حضرت به امامت رسید. عمر حضرت گر چه کوتاه بود و غالباً در تبعید صرف شد ولی باید گفت عمر پر برکتی بود. از سخنان گهربار ایشان است که عزت مؤمن بی‌نیازی او از مردم است. چگونه واگذارده به خود شود کسی که خدا را کفیل خود قرار داده است؟ و چگونه نجات می‌یابد کسی که خدا درصدد اوست. کسی که اعتماد به غیر خدا پیدا کند خداوند او را به خودش وا می‌گذارد و کسی که بدون علم کاری را انجام می‌دهد، فساد آن بیشتر از اصلاح است. بله امام جواد (ع) همچون پدران و فرزندان پاکش درد تمام عمر قاطعانه در اصلاح و هدایت مردم و مبارزه بر علیه ظلم و نفاق قیام فرمود و با علم بی‌نظیر خود جهل دشمنان اهل‌بیت را عیان فرمود و همین سبب شهادت ایشان شد. لعنت الله علی قوم الظالمین

در این مورد امیر مؤمنان چه زیبا فرمودند: کجا هستند آن‌هایی که تو ای دنیا آن‌ها را فریب دادی و با زینت‌ها و افسون‌های خود آن‌ها را گمراه کردی. آن‌ها اینک همه در گورها و زیر لحد‌ها قرار گرفته‌اند.

اینک ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس مولا و سرورمان امام عصر و زمان اب‌صالح المهدی (عج) و با دلی سوخته و چشمی اشک‌بار ابراز می‌داریم، ای مولای ما، تاریخ عبرت پیروان و فرزندان مأمون‌ها نشده، هنوز همان عناد و دشمنی را با اهل‌بیت و شیعیانش در سر دارند. ما را دریابید، قلبمان از این همه کینه و نفاق آنان در خون نشسته، عجل علی ظهورک ما را اجابت کنید.

اینک دست‌های پر تمنای خود را به پیشگاه خداوند بلند می‌کنیم که:

بار الها، لعنت کن جباران و ظالمان و غاصبان حق اهل‌بیت را از اولین تا آخرین را.
خدايا بشکن ستون‌های آن‌ها را. هلاک کن پیروان و کارگران آن‌ها را.

بار الها، شتاب کن در فرج قائم دوستانت، استوار کن به‌وسیله او دینت را و نابود کن دشمنانت را و یاری کن در انتقام از آن‌ها به‌وسیله او پیروز شود حق و نابود گردد باطل. درود و رحمت فرست بر او و پدران‌ش و ما را قرار ده از یاران و دوستانش و برسان ما را به ظهورش و برآور حاجتمان را.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۳۰ شهریور ۹۴

خطبه‌ی شهادت امام محمد باقر (ع)

حمد و سپاس پروردگار جلیل و عظیم و کبیر را سزاوار است که از آن اوست نام‌های مکنون و حسنا که روشنایی است بر هر روشنایی و روشن گردد به آن آسمان‌ها و شکافته شود زمین، غبار شود کوه‌ها، به خروش آید اقیانوس‌ها و چون حضرت موسی آن را خواند دریا شکافته شد، حضرت عیسی خواند مرده زنده شد و حضرت یونس خواند از شکم ماهی نجات یافت، حضرت ایوب خواند از بیماری و گرفتاری رهایی یافت و فرود آمد به آن جبرئیل امین بر خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) پس بزرگ و بزرگ‌تر و کریم و کریم‌تر است پروردگار بی‌همتا نیست معبودی قابل سپاس و ستایش جز ذات اقدسش که از سر رحمتش انسان را از خاک آفرید و او را از خاک فرش تا عرش بالا برد و عزت و مقام بخشید و همگان را به زیر فرمانش دعوت فرمود. چه زیبا آن را سرور عالمیان کوثر الهی حضرت زهرا مرضیه (س) با فرمایشی گران‌قدر توصیف فرمودند که: رحمت پروردگار عالم آنگاه که فرمود: ای انسان خورشید جانت را با یاد من بیفروز تا از علقه و نیازهایش به ثروتی که خود وعده فرمودم دستیابی. بر تخت سلطنت بنشینی و فرمان داریت را بر جان‌های مشتاق عرضه کنی، خاک را در زیر پاهای خود بفشاری تا از جانت جدا گشته و به زبان آید و عرضه دارد: ای پروردگارم آنگاه که امر فرمودی با تو قالبی می‌سازم و امر می‌کنم که تمام آفرینشم به تماشایت بر یکدیگر سبقت گیرند جانم مشتاقش شد. قالب ساخته شد و همگان به دیدارش آمدند و به تماشایش جانشان به حیرت افتاد. آنگاه ندایت را به گوش جان شنیدند که فرمودی او جانشین من است در زمین. در مقابلش به سجده درآیید. همگان بر آستان خلیفه‌ات به سجده درآمدند و من به غروری مبتلا شدم که دیگر نامش خاک نبود. او سرور آفرینش بود در جان خلیفه، بر همگان سروری کردم تا زمانی که خلیفه سر بر آستان کبریایی‌ات نهاد و خاک را با انوار کبریایی‌ات از جانش به زمین هدیه کرد و خود با انوارت همراه شد من از جانش جدا شدم از تنهایی‌ام نالیدم. پروردگارم، خلیفه‌ام مرا از تار و پود جانش با انوار روح خداوندیت تنها گذاشت و گنجینه‌اش را با خود همراه

کرد، اینک از جفای او به درگاهت به استغاثه آمده‌ام، خاک فریاد می‌زند و پروردگار می‌فرماید: تو به دنبال خلیفه بودی و او تو را در آزمون‌های جانش از خود جدا کرد تا نامش را در قالب بندگی‌اش به نمایش گذارد، اینک صدایت را خاموش کن و با آنانی که جز تو را به میراث نمی‌برند همراه شو.

پس با این فرموده‌ی سرور عالمیان باید گفت واحسرتا، اکثریت انسان‌ها به دنیای خاکی دل‌بسته و پایبند آن شدند و آن را به میراث بردند و خود را از چنین عزت و رحمت و نعمتی محروم کردند و چه سعادتمند هستند معصومین عزیز و گرامی که همان لحظه‌ی اول خاک را از تن مبارکشان تکاندند و تا قرب الهی بالا رفتند که ما در این شب به سوگ یکی از ایشان در این کوی عشق دور هم جمع شده‌ایم، ایشان پنجمین ستاره‌ی درخشان امامت و ولایت، شکافنده‌ی علوم و وارث علم انبیاء، ابا جعفر، محمد بن علی ملقب به باقر (ع) می‌باشد. ایشان نیاز و کمبود جامعه‌ی اسلامی آن عصر را و دلیل کج روی‌ها و فریب خوردن آنان از مکر و نیرنگ سران منافق و ظلم را در عدم برخوردارگی آنان از علم و فرهنگ غنی اسلامی تشخیص دادند و نسبت به پایه‌گذاری و نشر علم الهی همت شایان نمودند و در این رابطه شاگردان زیادی تربیت نمودند و چون علم و دانش امام مانند امامان دیگر از وحی سرچشمه می‌گرفت در نتیجه همه‌ی دانشمندان چه دوست و دشمن معترف به شخصیت علمی امام شده و از محضر درس ایشان کسب فیض می‌کردند و شکوه علمی امام چنان درخشان بود که هر کجا سخن از دودمان پیغمبر به میان می‌آمد امام محمد باقر را یگانه وارث علوم و کمالات پیغمبر می‌دانستند و اعتراف می‌کردند که اینان خاندانی هستند که خداوند به زیور علم و دانش ایشان را آراسته است. سرانجام امام محمد باقر (ع) پس از سال‌ها رنج و زحمت و خدمت به فرهنگ و معارف اسلام در هفتم ذی‌الحجه سال ۱۱۴ هجری در سن ۵۷ سالگی به دستور هشام بن عبدالملک ملعون مسموم و شهید شدند و بدن پاکشان در بقیع کنار امامان دیگر به خاک سپرده شد.

ایشان فرمودند: خداوند قلب بنده‌ای را پاک نکند تا این‌که تسلیم امر ما گردد، مطیع و پیرو صادق تعالیم ما باشد و با ما سازش کند و چون با ما سازش کرد خدا از حساب

سخت نگاهش دارد و از وحشت بزرگ روز قیامت ایمنش سازد و همچنین فرمودند: نور امام در دل‌های مؤمنین از پرتو خورشید تابان در روز روشن‌تر است، به خدا سوگند ائمه معصومین دل‌های مؤمنین را نورانی می‌کنند.

اینک ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس سرور و مولایمان بقیه‌الله ارواحنا لک فدا (عج) به مناسبت شهادت پدر بزرگوارشان امام محمد باقر (ع) خدمتشان اعلام می‌داریم که مولای ما اکنون که در صحرای عرفات و منا حضور دارید و آن صحرا و کوه را با وجود با برکتان منور فرمودید و آنان به خود می‌بالند که میزبان گه‌ری چون شما هستند. کعبه، حجرالأسود، مسجدالحرام، عرفات، منا و سعی و مروه همگی و همیشه همان گونه‌ای که در این خطبه از فرمایشات شما نقل خواهیم کرد پذیرای شما و پدران‌تان بوده، چه آن زمانی که پدران بزرگوارتان حضرت ابراهیم (س) و حضرت اسماعیل (س) بر شتری سوار به صحرای منا وارد شده و از شتر پیاده شدند، حضرت ابراهیم (س) فرزند خود را مورد نوازش خودشان قرار دادند و سر مبارکش را به سینه چسباندند و بعد ریسمان باریکی آوردند و دست و پای حضرت اسماعیل را بستند و همین‌طور چشمان مبارکش را با روسری که بر سرش بود بستند و به پهلو روی سنگ خواباندند و چاقویی که مانند تیغ‌ی تبر بود آوردند و چاقو را بلند کردند و فرمودند: حکم و فرمان فقط حکم و فرمان خداست و چاقو را محکم بر گردن حضرت اسماعیل کشیدند ولی اتفاقی نیفتاد و حضرت اسماعیل آسیبی ندید. پیامبر چاقو را به سنگی زد تا تیزی آن را امتحان کند، همه صحرا پر بود از فرشتگان و از سنگ‌ها صداهای بخصوصی شنیده می‌شد، در همان حال حضرت جبرئیل نازل شد و آیه ۳۷ سوره مبارکه‌ی حج را تلاوت کرد: که گوشت و خون این شتران به خدا نمی‌رسد، آنچه به او می‌رسد پرهیزگاری شماست، همچنین آن‌ها را رام شما ساخت تا خدا را به شکرانه‌ی آنکه هدایت‌تان کرده است به بزرگی یاد کنید و نیکوکاران را بشارت‌ده؛ و حضرت اسماعیل از روی سنگ بلند شد و بجای او گوسفند بزرگی ظاهر شد که کاملاً تسلیم و سر را به سنگ گذاشت و آماده قربانی شد.

حضرت ابراهیم با تمام وجود فرزند را قربانی می‌کرد و به قدری پیر بود که زانوانش توان ایستادن نداشت ولی فرمان برداری از حق را به معرض نمایش برای همیشه تاریخ گذاشت و به خاطر رضای خدا از عزیزترین کس خود گذشت و چه آن زمانی که مادر گرامی‌تان حضرت زهرا (س) به اتفاق دو فرزند کوچکش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به کنار کعبه آمدند، امام حسین (ع) از مادر پرسید: مادر، آیا هنگام ساختن خانه به دست جدم حضرت ابراهیم (س) رسول‌الله هم شرکت داشتند، سرور عالمیان فرمودند بله پدرم علی چطور؟ فرمودند بله پرسیدند آیا من و حسن و شما چطور؟ فرمودند: به سنگ حجرالأسود سنگ آسمانی نگاه کن ما آن سنگ هستیم که در خانه‌ی خدا جا داده شده است. منظور سرور عالمیان از این امر شفاعت روز قیامت به واسطه‌ی سنگ می‌باشد که حتماً باید اتصال اهل‌بیت را داشته باشد.

پس مولای ما، یا وارث انبیاء و معصومین، اباصالح المهدی (عج) ما عاشقان و منتظران و ساکنان کوی مقدستان از شما تقاضا داریم دعا بفرمائید تا حجتی مقبول روزی ما گردد و به حجرالأسود شفاعت و سفارش فرمایید تا ما را نیز در زمان ظهور دولت حقه‌تان به کنار کعبه پیش وجود مبارکتان بیاورد که همان‌گونه‌ای که حجرالأسود فرموده: که سپاس و حمد پروردگار کریم را که آنچه را اراده کرد آفرید و من سنگی آسمانی هستم که در روی زمین به دستور و اراده خالق کریم قرار گرفتم تا زینت بخش خانه‌ی آن کریم یکتا باشم، از لحظه‌ای که به دستور و اراده‌ی خالق خود به این مکان آورده شده‌ام تا این لحظه که از زبان گویای پیامبر خلیل رحمان به سخن آمده‌ام چشم به آسمان دارم تا فرمان ظهور دولت خداوندی برسد و من به سخن بیایم و فریاد کنم که ای سایه‌ی عدل خداوندی دست بر من گذار تا از لب‌های تو فریاد کنم و یاران و دوستان را چون پروانه‌ای بگرد شمع فروزان هدایت گرد آورم، صدای من چون صدای طبل خواهد بود که انعکاس آن در جهان خواهد پیچید و دست یاران عدالت را خواهد گرفت و در یک چشم بر هم زدنی به مکه‌ی مکرمه و به کنار رکن یمانی خواهد آورد و یاران مهدی (عج) یکدیگر را خواهند دید و به هم تبریک و تهنیت خواهند گفت ظهور دولت عدالت را. من می‌چرخم و همه‌ی یاران را از دوران‌ها به کنار یکدیگر منتقل کرده و این انتقال سریع‌تر از تخت ملکه سبا یاران به

دور هم جمع خواهند شد و درحالی که در پرچم عدالت الهی قرار می‌گیرم با همه‌ی یاران امام مصافحه خواهیم کرد و دست بیعت خواهیم فشرد.

در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها امام محمد باقر (ع) سعی در عالم نمودن امت مسلمان داشتند، ما را از آن علم و فرهنگ اسلامی برخوردار بفرما.

بار الها مولای ما اکنون حاجی راستین صحرای عرفات است، ما را به برکت وجود مطهرش حجاجی مقبول عنایت بفرما.

بار الها در دولت حقه امام عصر تعجیل بفرما و ما را جزء یاران و فرمان‌بران و اطاعت‌گران ایشان قرار بده.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی روز عرفه

۱ مهر ۹۴

بار خدایا، تویی سلام، چون ذات اقدس و کبریائی‌ات پاک و منزّه است. از تو است سلامت، زیرا طهارت و پاکی و خوبی را تو خلق کردی و از مهربانی‌ات آن را به انسان الهام نمودی. از آن تو است سلامت، چون مالک همه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌ها و مهربانی‌ها تویی و به تو برگردد سلامت زیرا زشتی‌ها و آلودگی‌ها و بدی‌ها از تو گریزان است. پس پاک و منزّه‌ی ای پروردگار کریم و جمیل و رحمان و سبحان. حمد و ثنا از آن تو و شایسته‌ی تو است و همان گونه که سرور عالمیان حضرت زهرا (س) فرموده: سلام، جان عالم را در خود معنا می‌کند. جانی که حیاتش را با نام پروردگارش آغاز نمود. برخاست تا در آینه آفرینش جانی را به حرکت درآورد که حاصل فرمان پروردگارش بود. آنگاه که فرمود: موجود شو، موجودی جان را معنا کرد که اسماء الله را به حرکت درآورد. اسمایی که قبل از آفرینش در کتاب مکنون در امانت الهی بود. او آمد تا گنجینه‌ای را باز کند که جان عالم در آن به معرفت هستی تبدیل شد. پس با سلامتی به پا خاست و عالم از او خشنود شد و به مقامش سجده کرد و او را در آغوش مهرش پذیرفت تا خالقش بر امانت دارانش راضی و خشنود گردد.

چه زیبا سلام و سلامتی را سرور عالمیان تفسیر فرمودند و ما در این روز بزرگ برای رسیدن به پروردگاران چنین ابراز می‌داریم: بار اله، ای ستوده شده‌ی همه‌ی مخلوقات و ای محبوب و معبود عابدان و ذاکران، با دلی لرزان و امیدوار به سوی تو آمده‌ام و با کوله باری از گناه و شرمسار و نادم و پشیمان به درگاہت روی آوردم. چه بسیار گناهم را که با بردباری آن‌ها را پنهان نمودی و خطایم را پوشاندی که اگر مردمان می‌دانستند، از من گریزان می‌شدند؛ و اگر زمین آگاهی به آن داشت من را در خود فرو می‌برد و اگر کوه‌ها می‌دانستند من را در هم می‌شکستند و یا آسمان‌ها با خبر بودند، من را می‌ربودند و دریاها من را غرق می‌کردند، ولی تو به احسان و فضل و کرمت آن را از همه پنهان داشتی تا به عفو و بخشش بر من منت گذاری، نه به عدالت، بلکه به کرامت بخشایی جرم و گناهانم را. پس به حال زارم ترحم فرما،

توبه‌ام بپذیر. توبه‌ای از روی شرم و خواری و ترس. توبه‌ای از روی اخلاص و توکل و تقوا و اشتیاق و امیدواری. خدایا به تو پناه آوردم ای پناه بیچارگان و درماندگان، به سوی تو گریختم از خشم و عذابت. پس بر من ترحم فرما در این روز بزرگ که امیدی جز کرم و بخشش در آن نمی‌رود.

ای مهمانان کوی عشق، همان گونه‌ای که می‌دانید جان عالم به فدای مولایمان اباعبدالله الحسین (ع) که با مناجات گهربار و گران‌قدرش زیبایی این روز را جاودانه فرمودند و سرود عاشقانه و عارفانه‌اش نه‌تنها حاجیان صحرای عرفات، بلکه همه‌ی شیعیان مشتاق حج را هر ساله در این روز به ملکوت دعوت می‌کند. خوشا به حال حق‌مدارانی که همچون یاران اباعبدالله با امام عصرشان در این سفر همراه شده، با عروجی زیبا به ملکوت سفر کرده و می‌کنند.

در این روز که مولایمان منجی عالم بشریت اباصالح المهدی (عج) حاجی راستین صحرای عرفات ما را برای این هجرت آماده می‌کنند، از خود سؤال کردیم که آیا در جامان شوق و انتظارش و همراهی با امامان زنده شده یا نه؟ آن را مولایمان امام حسین (ع) این گونه از ما می‌پرسند که در عمرتان چند شب را انتظار می‌کشید تا به وصلی همانند یارانم برسید درحالی‌که مولایتان شما را می‌بیند و شما توان دیدنش را ندارید پس در محفل چه کسی می‌نشینید که او غایب است و شما حاضر. حرارتش اشک دیدگانتان را سرازیر و شفاعتش دینتان را از معرض خطر سقوط حفظ می‌کند.

حال به همراه حاجیان صحرای عرفات مخصوصاً مولایمان یوسف زهرا، فرزند و وارث اباعبدالله الحسین، امام عصر و الزمان (عج) که در جایگاه جد بزرگوارش ایستاده و دعای عرفه را می‌خوانند قبل از هم نوا شدن با ایشان برای آمادگی بیشتر چند فرازی از دعای عرفه را می‌خوانیم:

بار الها، به سبب گناهانم و به باطنم رسوایم مکن، به علمم گرفتارم مکن، نعمت از من نگیر و به دیگری مرا وامگذار.

بار الها، مولای من، تویی که منت نهادی، نعمت و روزی ام دادی. احسانم کردی. تویی که هدایتم فرمودی، عزیزم داشتی و شفایم بخشیدی ولی بار الها، خدای من، در عوض، منم که گناه کردم و عهد بستم و شکستم، غافل شدم و به خود اعتماد کردم. نعمت و عزتم دادی و فراموش کردم. منزهی تو، نیست معبودی جز ذات کبریایی ات. اینک منم که امیدوارانه و مشتاقانه و پشیمان به گدایی به درگاہت روی آوردم. خدایا، تو اجابت کنی بیچاره را، برطرف کنی بدی را، به دادرسی گرفتار را، شفا دهی بیمار را، توانگر کنی درویش را، پس بار الها بیامرز برای ما در این هنگام گناهانمان را، عطا کن به ما در این روز بهترین را که عطا کردی به هر پناهنده به درگاہت را.

حال مهمانان خانه مقدس مولا، در این لحظات اجابت دعا، از پروردگارمان بخواهیم که در ظهور دولت مولایمان، امام عصرمان تعجیل بفرماید تا در کنار ایشان در چنین روزی با حجتی مقبول در صحرای عرفات دعای عرفه را بخوانیم و فریاد کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید قربان

۲ مهر ۹۴

سلام بر یوم و آفریننده‌ی یوم؛ یومی مبارک در ایام و ساعاتی خاص؛ آنگاه که خالقش اراده فرمود تا شعائر الله را در قالبی از اطاعت و بندگی جاودانه سازد پس دقیقه‌ها را به هم آمیخت تا رازها فاش شوند و قلب‌های عاشق، امانت‌دار این اراده‌ی الهی در زمان شوند.

امروز طلوع، در خود چه نجوایی را ذخیره نموده که این چنین بر خود می‌بالد؟ زبان شوقش به سخن درآمده پس به دنبال گویی است که صدایش را با ضربان نبضش بشنود. آیا زنده‌ای یافت می‌شود که دنیا او را نربوده باشد؟ مردگان میراث دار ایام در گورها خفته‌اند و به زندگان می‌نگرند؛ ای کسانی که هنوز توان تفکر تان باقی است بیندیشید؛ سرهایتان نمودی از ظاهرتان را به نمایش گذارده درحالی که به تیغ شیطان از بدن‌ها جدا گشته و آنچه به ظاهر دیده می‌شود جان بی‌رمقی است که توان حیاتش به فنا تبدیل گشته و روزهایش قربانی افکاری است که به دست خویش بنیانش را می‌سازد تا جانی را به هلاکت برساند که انتظاری جز فردای بهتر را برای ساختار دنیای خویش رقم نمی‌زند. امروز در مصلاهی نماز نشسته است. به چه می‌اندیشد؟ به پیامبرش که او را با آیات الهی هشدار می‌دهد: تو عزیزی؛ خود را دریاب؛ می‌خواهم دست و پایت را با ریسمان عشق ببندم و چشمان سرت را با پارچه‌ای که با آن عهد و پیمان پروردگارم را به جا آورده‌ام، پس سرت را روی سنگ بگذار تا تیغ عشق را بر آن بکشم. از چه می‌هراسی؟ از تیغی که بر دست دارم؟ نترس اگر رگ حیات خویش را نبریده باشی این تیغ بر آن کارگر است. ولی افسوس که گردن‌ها در اطاعت نفس گرفتار است و توان درک آنچه بر سرش آمده را ندارد. با طلوع بر می‌خیزد و با غروب می‌آرامد همانند جانی که در پی رؤیایی پریشان از بستر بر می‌خیزد و از بیداری خویش شادمان است. امروز روز اندیشیدن به رؤیایی است که پروردگار آن را با آیاتش جاودانه نمود. رؤیای قربانی اسماعیل (ع) نمودار شیرینی است از عشق و اطاعت و بندگی پس بیندیش به لحظه‌ای که در بستر خاک به واقعیتی می‌رسی که دیگر توان

برخاستن از آن را نداری. لحظات، غنیمت عمر توست همانند این لحظه که در مصلاهی قربان نشسته‌ای، پس جانت را با تیغ اطاعت از بند اسارت برهان و به آسمان نظر کن که تو را در مسلمانیت در اقرار به وحدانیت پروردگارت با نشان ابراهیم خلیل می‌شناسد؛ آیا طبق فرموده‌ی قرآن کریم که می‌فرماید: منافقان همانند چوب‌های به دیوار تکیه داده هستند از این روز می‌گذری یا پیمان با پیامبرت را با قربانی نفس اماره تجدید می‌کنی؟ پس به او اقتدا کن؛ در نیت نماز پشت سرش قامت ببند و با حلقه‌ی اشکی بگو: ای خلیل الهی، بر گردنم ریسمان عشق را ببند تا رسوای دهر نشوم درحالی که چشمان جانشینت به من می‌نگرد و من او را با نام بقیه‌الله می‌شناسم پس رهایی جانم را با نام زیبایش همراه می‌کنم.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه‌ی ولادت امام هادی (ع)

۶ مهر ۹۴

بار الها شکر و حمد و سپاس درخور و زیننده‌ی ذات اقدس و کبریایی توست و هیچ‌کس در هیچ حالی نمی‌تواند به حد کمال شکر و سپاست را به جا آورد چرا که هر شکری که می‌کند آن هم نعمت و احسان توست و شکری دیگر بر او لازم است و هر کس هر قدر هم در طاعتت کوشا باشد بازهم در مقابل آنچه شایسته فضل توست قاصر است، پس سپاسگزارترین بندگان از شکرت عاجز و عابدترین ایشان در طاعتت و امانند. هیچ‌کس مستوجب آن نیست که به استحقاقش او را بیامرزی و یا بر پایه سزاواری از او خشنود شوی پس هر که را بیامرزی از کرم و احسان توست و از هر که خشنود شوی از فضل توست و همه معترف‌اند که اگر کسی را عقوبت کنی ستم نکردی و اگر ببخشی از کرم و رحمانیت توست چون هیچ‌کس را توان شکر و طاعتت را که تو مستوجب آنی نیست، پس خدایا عذر ما را بپذیر که به درگاه واسع کرم و رحمتت به وسیله‌ی خاتم پیامبران رسول اکرم حضرت محمد (ص) و خاندان پاکش پناهنده شدیم. آنانی که در جوار عزتت آرمیده‌اند به فضل و جود و کرم و واسع‌هات روزی وسیع نصیبشان شد و به نگهداریات از گناهان از لغزش‌ها و خطاها مصون ماندند و بر اثر طاعتت توفیق خیر و راه راست و درستی یافتند و در پرتو قدرتت بین آنان و گناهان فاصله افتاد و در تجارتي که با او کردند سود و بهره‌ی کامل یافتند و در سایه‌ی لطف و عنایتت آرمیده‌اند پس درود و سلام و صلوات خداوند بر همگی ایشان باد خصوصاً بر زینت عابدان و ساجدان حضرت امام علی بن الحسین (ع) که با این مناجات زیبا پدران و فرزندان گران‌قدرشان را معرفی فرمودند که ما امشب در میلاد یکی از این بزرگواران در این کوی عشق دور هم جمع شدیم ایشان دهمین اختر امامت، خورشید ولایت، صابر، عادل عالم و هادی، حضرت امام علی النقی (ع) ملقب به هادی. ایشان در نیمه ذی‌الحجه سال ۲۱۲ هجری در مدینه متولد شد پدر بزرگوارشان امام جواد (ع) و مادر گرامی‌شان بانو سمانه هستند که خانمی با تقوا و فضیلت بودند. حضرت در سال ۲۲۰ هجری پس از شهادت امام جواد (ع) در سن

هشت سالگی امامت امت را به عهده گرفتند. با وجود سن کم، چنان در علم و کمال و معرفت و تدبیر و رهبری از خود اقتدار و توانایی نشان دادند که مورد علاقه و توجه شیعیان قرار گرفتند و خلفای عباسی سخت از ایشان می‌ترسیدند و به تبعید و آزارش دست زدند و متوکل عباسی امام را از مدینه به سامرا آورد و تا پایان عمر در آنجا تحت مراقبت شدید قرار داد. با اینکه مدت زندگانی امام هادی با حکومت هفت خلیفه‌ی عباسی هم زمان بود ولی سخت‌ترین دوران زندگی امام هادی (ع) زمان متوکل عباسی به شمار می‌رفت زیرا وی مردی شهرت طلب و ناپاک و بی‌ایمان بود و اگر به مذهب تظاهر می‌کرد فقط به پیشبرد هدف‌های سیاسی‌اش نظر داشت به طوری که درون و افکار پلید و شیطانی خود را در سال ۲۲۶ هجری نشان داد؛ این ملعون دستور داد ساختمانی را که بر محل دفن امام حسین و شهدای کربلا ساخته شده بود را خراب کنند تا مردم را از فیض زیارت آن محروم سازد. متوکل لعنت الله و پدرانش و همه آنانی که وجود پلید شیطانی داشتند و در عصر حاضر نیز فراوان یافت می‌شوند می‌دانستند و می‌دانند که هر کدام از این بارگاه‌های ملکوتی، سنگری محکم علیه ظلم و کفر و فتنه و نفاق می‌باشد چون مبارزه و مخالفت امامان بزرگوار با ستمگران و فرمانروایان بیدادگر از افتخارات تاریخ اسلام و تَشِیْع است؛ آنان با سازش‌ناپذیری با ظلم و افشاگریِ چهره‌ی منافقین و نیت‌های پلیدشان و دفاع از حق، خشم ستمگران را برمی‌انگیختند و راحتی را از این افراد پستِ دون‌صفت می‌گرفتند که هنوز نیز این بارگاه‌های ملکوتی امامان، تغذیه‌کننده و هدایتگر شیعیان فداکار و عاشقان حق است که اگر متوکل در ۱،۲۰۰ سال قبل این کار را انجام داد در عصر حاضر با بمب‌گذاری‌ها در این اماکن متبرکه که باعث آزار درونی آن‌ها می‌شود می‌خواهند سرپوشی بر اعمال ننگین خود بگذارند؛ و این در حالی است که وجود مطهر و گران‌قدر پیامبر و اهل‌بیتش خلیفگان راستین و نعمت بی‌نظیر پروردگار بر همه بشریت هستند افسوس این مردم ناسپاس نه‌تنها خود بلکه همه‌ی انسان‌ها را از چنین سعادت‌ی محروم کردند برای درک این رحمت پروردگار بهره می‌گیریم از فرمایشات سرور عالمیان حضرت زهرا ی مرضیه (س) که فرمودند: جام جان‌ها شرابی دارد که خود از آن غافل‌اند و نوشندگان شراب این جام‌ها مست نمی‌شوند درحالی‌که

مست هستند مانند جان خلیفگان الهی که نوشندگان جامشان مست می‌شوند و از آن مستی هوشیار نمی‌شوند بلکه بر بال ملائک الهی می‌نشینند تا در ملکوت گردش کنند آنچه را که با چشم ظاهری ببینند در چشم باطن ببینند و در باغش بنشینند، بر تخت‌هایش تکیه کنند و بر در رحمتش متوسل باشند و از پروردگارش تقاضا کنند که از برهوت زمین به سرزمین آبادشان بروند و از آن مستی که در جام جانشان است هرگز بیدار نشوند و همواره عمر را در ضیافت الهی بگذرانند و مهمان جایگاهشان باشند همان‌گونه که پروردگار عالم به خاتم انبیا می‌فرماید: از نعمت‌های بهشت هر چه می‌خواهی بردار و از لذت‌هایش هر چه می‌خواهی لذت ببر و دور از آن نباش پس زندگی برگزیدگان الهی میدان نمایش است نمایشی که هنرمندان آن نقش خلیفه را بازی می‌کنند نقشی که هرگز از آن خارج نمی‌شوند پس همواره از زندگی‌شان زندگی کنید تا به اسرار وجودتان آگاه شوید و با شراب قرآن کریم مست شوید و از آن مستی بیرون نروید تا بوی بهشت را حس کنید. پس با این فرموده‌ی سرور عالمیان به رمز سرود عاشقانه شب عاشورای اصحاب امام حسین (ع) پی می‌بریم که آنان مسافرین ملکوت امامشان بودند و مستانه ابراز داشتند که اگر صد بار کشته شوند باز دست از دامان امامشان بر نمی‌دارند.

در این شب مبارک و در آستانه‌ی عید غدیر ضمن تبریک و تهنیت خدمت مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) به تمنا خدمتشان ابراز می‌داریم: مولای ما، ماه محرم نزدیک است عاجزانه تقاضا داریم امسال نیز ما را با خطابه‌های گران‌قدر از حقیقت نهضت جدتان امام حسین (ع) سعادت ببخشید که ما نیز با آگاهی بیشتر از آن به وجود مقدستان اعلام می‌داریم: ما احیاگران دین رسول خدا هستیم آیا دستمان را می‌گیرید تا خود را احیا کنیم؟ مردگان خفته در گور زمان را با حقیقت وجود مبارکتان به زندگانی مجددی برگردانیم و با یاری شما به ملکوت سفر کنیم و سرمست مانند قاسم بن الحسن مقابلتان بنشینیم و بگوییم مرگ در ذائقه‌ی ما از عسل شیرین‌تر است پس ما با مرگی می‌میریم که از جهل باشد و با مرگی زنده می‌شویم که با توجهات شما مولا و سرورمان باشد. در خاتمه دست به دعا برمی‌داریم:

بار الها امام هادی (ع) در سخت‌ترین شرایط با حيله گران و منافقان و دشمنان اهلبيت مبارزه فرموده و آنان را رسوا کردند به ما نیز یاری فرما تا ادامه دهندگان راه آنان را رسوا کنیم.

بار الها دشمنان دین و اهلبيت پیامبر اسلام هر روز بیشتر از قبل بغض و عداوت خود را آشکار کرده دست جنایتکار خود را به خون شیعیان آغشته می‌کنند با ظهور دولت حقه امام عصر آنان را نابود بفرما.

بار الها امام هادی (ع) برای ظهور فرزند گران‌قدرشان دعا می‌کنند دعای ایشان و ما را اجابت بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه‌ی عید غدیر

۱۰ مهر ۹۴

الحمد لله، سزاوار است به سپاس و ستایش الله رب العالمین رب اولین و آخرین و رب آسمان‌ها و زمین؛ نبوده و نیست و نخواهد بود غیر از خداوند بی‌شریک. عظیم و برتر و بالاتر است از اندیشه که توصیف شود و نام‌های نیکو از آن اوست.

چه باشکوه است آن لحظه که خالق هستی امر می‌فرماید از خوابگاهتان برخیزید و نام‌های مرا در عملتان همراه کنید تا به جایگاه خویش بازگردید و فراق را به فراموشی بسپارید ولی افسوس با وجود اینکه در فطرت تمام جان‌ها عشق به الله به ودیعه گذاشته شده همان عده‌ی کثیری که پروردگار در کتاب آسمانی نام می‌برند از آن نام تهی هستند و شرک و نفاق، ثروتشان را به یغما برده است و جانشان در حرارت همان عشق گداخته می‌شود و قدرت خاموش کردنش را نخواهند داشت؛ می‌سوزند و خالقشان را به مدد می‌خوانند ولی افسوس که یادش را به خاطر نمی‌آورند، نام الله را فراموش می‌کنند و باطل‌ها را به مدد می‌خوانند ولی تمام آن نام‌ها از آن‌ها می‌گریزند و او با آتشی که افروخته می‌ماند و نامی نجاتش نمی‌دهد.

پس سلام بر لحظاتی که دریای رحمت الهی چونان بارانی به وقت که مرزده‌ی رویدنی‌های زیبا را می‌دهد بر جان آدمیان نازل می‌شود تا آنچه را که پروردگار عالم وعده فرموده به عیان درآید و زمزمه‌های عشق آغاز شود؛ جان‌ها به تحیت، یکدیگر را بخوانند و دست‌ها به هم درآویزند تا به مهر عالم تاب ولایت، جانشان از تباهی نجات یابد پس با توجه به این فرموده‌ی گران‌قدر از سرور عالمیان حضرت زهرا (س) مرضیه (س) راه گشای نجات از فراموشی و تباهی جان‌ها تنها مهر ولایت است که عشق به الله را در دل‌ها می‌افروزد و شعله‌اش تا ابد روشنی‌بخش جان‌هاست، پس وای بر احوال کسانی که خود و دیگران را از چنین نعمتی محروم کردند و سلام بر امیر غدیر و غدیریان از غدیر تا قیامت؛ غدیر روز رحمت و کمال و روز فرقان، روز هدایت و نجات و شکوفایی و سلام بر امیر منتخب، خلیل نبوت، جانشین پیغمبر، وارث انبیا،

شجره‌ی تقوا، میزان اعمال صالح، امیر مؤمنان علی (ع) که امام رضا (ع) در این مورد چنین فرمودند که: خداوند کریم در الست آدم را آفرید و امر فرمود که همه در مقابلش سجده کنند همگی سجده کردند جز شیطان و گفت من از او برتر هستم و در غدیر یکبار دیگر خداوند کریم همه‌ی زمین و آسمان و هر آنچه در آن است را به تماشای خلیفه‌اش امیر مؤمنان فراخواند که انسان‌ها با بیعتشان و همه‌ی هستی با سجده و اطاعتش عاشقانه به او عشق بورزند، همگی اطاعت کردند جز عده‌ای دنیا طلب و اسیر نفس شیطان که همان گفته‌ی شیطان را در الست تکرار کردند.

و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) نیز آن را زیبا بیان فرمودند که: همواره دستان رسول خدا به طرف امتش برای بیعت با حق آماده بود؛ دست محبتی که جانشین دست پروردگار عالم بود. حرارتش جان مرده را زنده می‌کرد و محبتش کفر را می‌سوزاند نشاط بیعتش بهشت را به پیشکشی می‌آورد و هرگاه دستی را در دستان مبارکش می‌فشرد تمام وجودش ندای لبیک را تکرار می‌کرد تا رسالتش را به امتش هدیه کند و آنگاه که دست جانشین‌اش را در دست گرفت و فرمود: من مولای کسی هستم که این دست را یاری کند تمام دست‌ها از اولین تا آخرین به آن پاسخ دادند تا ولایت در جانشان جاودانه شود و هر که از آن جدا شود مرده‌ای باشد که در جانش ندایی جز بانگ مرگ یافت نمی‌شود پس معنای بیعت، زندگی است و غیر آن مرگی است هراسناک، پس درودی همواره جاری و بی‌پایان بر خاتم رسولان باد که چونان بارانی به وقت است که در خود رویدنی‌های غیرقابل حساب دارد.

حال به‌طور اختصار درباره‌ی این روز بزرگ مطالبی را بیان می‌کنیم.

روزی که نقطه‌ی عطفی برای ما شیعیان امیر مؤمنان علی (ع) است و کمتر توجهی به بزرگی این واقعه شده و می‌شود. امروزه برخی از مدعیان روشن‌فکر دینی موضوع مهم خلافت و امامت را در حد مسأله‌ای تاریخی می‌دانند و بحث و گفتگو درباره‌ی آن را سبب اختلاف بین مسلمانان قلمداد می‌کنند و همواره روی سخن آنان با شیعه است و به سایر فرق مسلمین کاری ندارند و دانسته یا ندانسته که صد البته عمدتاً دانسته و به عمد است از دیگر فرقه‌ها جانب‌داری می‌کنند و اما این‌که ادعا می‌کنند

که این چنین مسائلی موجب اختلاف میان مسلمین است در پاسخ آنان باید گفت اگر به راستی در پیشنهاد خود خیرخواه هستید مسلمین را وادار کنید که با پذیرش حقیقت به محور حق چرخیده، وحدت را بر اساس اعتراف به حق ایجاد کنند نه اینکه به بسیاری از مصادیق حق جلوه‌ی باطل بدهند تا بتوانند وحدتی موقت و غیراساسی به دست بیاورند. درحالی که امامت پایه‌ی بالنده‌ی اسلام و شاخه‌ی بلند آن است امامت از جهت منزلت و شأن و موقعیت و ژرفا برتر از دسترسی عقل‌های مردمان است که بتوانند با آرا و انتخاب خود امامی را برگزینند و خاتم انبیا حضرت محمد (ص) در طول بیست و سه سال پیامبری خود مقامات امام علی (ع) را گوشزد فرموده و شئون و فضایل مهم او را همچون ولایت در تکوین، ابلاغ متن دین، تفسیر قرآن و احکام زمامداری و حکومت جامعه، علم غیب و عصمت، شجاعت و پهلوانی و صدها حسن ایشان را تذکر دادند و اهمیت مسئله‌ی امامت علی (ع) تا بدان جاست که در قرآن کریم آیات فراوانی که شیعه و سنی به شأن نزول آن در مورد ایشان اعتراف دارند آمده است و پیامبر عظیم الشأن با ایراد خطبه در حجة الوداع و در منا و مسجد الحرام و آماده‌سازی مردم برای غدیر خم و توقف سه روزه در آن مکان و سخنرانی و تأکید بر امامت و خلافت و وصی بودن علی (ع) و بیعت گرفتن با دست و زبان و اقرار گرفتن از حاضران و بیعت گرفتن از زنان از طریق دست زدن در طشت آب این‌ها نشان از اهمیت غدیر در معرفی علی (ع) به عنوان امام و خلیفه و جانشین پیغمبر دارد ولی علمای اهل تسنن سعی زیادی در کم اهمیت جلوه دادن آن با وجود دلایل و روایات و اسناد قرآنی و احادیث معتبر دارند. چرا؟ این سؤال در مراحل پیش از امامت نیز جاری است که چرا غیرمسلمان با وجود این همه دلایل حقانیت اسلام آن را نپذیرفته و نیز چرا منکران خدا با وجود روشن‌ترین نشانه‌های وجود آفریدگار جهان هستی او را نپذیرفتند؟ در پاسخ تمامی این سؤالات می‌توان گفت بشر می‌تواند دچار خودخواهی، تعصب و کوردلی شده از دیدن حقایق سرباز زند و به تقلید از آبا و اجداد خود پرداخته، در راه هوای نفس گام بردارد؛ البته پذیرفتن حق هم چندان ساده نیست و لازمه‌ی آن حق‌مداری است.

در این روز بزرگ و مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به وجود مقدس آخرین نشانه‌ی امامت، وصی بر حق پیامبر و امیر مؤمنان سرور و مولایمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) اعلام می‌داریم: امام و مولای ما، در این روز غدیر دستان گنه‌کارمان را برای بیعت با شما که دستان مبارکتان همان دستان پدرتان امیر مؤمنان و جد بزرگوارتان پیامبر می‌باشد به‌سوی شما بلند کرده‌ایم و تمنا داریم بیعتمان را بپذیرید که وعده‌ی ظهور و سعادت آن را جد بزرگوارتان پیامبر اکرم (ص) در خطبه‌ی روز غدیر فرمودند که: هان ای مردم بدانید که همانا من فرستاده و علی وصی پس از من است و امامان پس از او فرزندان اویند و ایشان فرزندان من و از نسل علی (ع) هستند. آگاه باشید همانا آخرین امام قائم مهدی از ماست او بر تمامی ادیان چیره خواهد بود، بدانید که اوست انتقام گیرنده از ستمگران، بدانید که اوست انتقام گیرنده از ستمگران، بدانید که اوست فاتح دژها و منهدم‌کننده‌ی آنها، بدانید که اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و راهنمای آنان، بدانید که او خونخواه تمام اولیای خداست، بدانید که اوست یاور دین خدا، بدانید که از دریای ژرف پیمان‌های افزون گیرد، بدانید که او به هر ارزشمندی به اندازه‌ی ارزش او و به هر نادان و بی‌ارزشی به اندازه‌ی نادانی‌اش نیکی کند، بدانید که او نیکو و برگزیده‌ی خداوند است، بدانید که او وارث دانش‌ها و حاکم بر ادراک‌هاست، بدانید که او از سوی پروردگارش سخن می‌گوید و آیات و نشانه‌های او را برپا می‌کند، بدانید همان اوست بالیده و استوار؛ بیدار باشید هم اوست که اختیار امور جهانیان و آیین آنان به او واگذار شده است، بدانید که تمامی گذشتگان ظهور او را پیشگویی کرده‌اند، بدانید که اوست حجت پایدار و پس از او حجتی نخواهد بود؛ درستی و راستی، نور و روشنایی تنها نزد اوست، بدانید کسی بر او پیروز نخواهد گشت، بدانید که او ولی خدا در زمین داور او در میان مردم و امانت‌دار امور آشکار و نهان است.

پس ای مهمانان کوی عشق بیابید در این روز فرخنده و مبارک دست بیعتمان را با تمام وجود به پیشگاه این گهر بی‌همتای الهی بلند کنیم به تمنایی که سرشار از انتظار حق و عدالت در قالب یقین و باوری که از عمل با اخلاص و آگاهی از نعمت و رحمت

خداوندی است و تجدید بیعتمان را با فریادی که غدیریان تاریخ آن را بشنوند ابراز می‌داریم:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مهر، آبان و آذر ۹۴

خطبه‌های محرم و صفر

متن کامل خطبه‌های محرم و صفر ۱۴۳۷ هجری قمری در بخش ویژه نامه‌ی محرم به صورت کامل قابل دسترس می‌باشد.

شما می‌توانید از طریق منوی ویژه نامه‌ی محرم، بخش محرم ۹۴ از این خطبه‌ها استفاده نمایید.

همچنین می‌توانید برای دیدن این خطبه‌ها بر روی لینک زیر کلیک نمایید.

خطبه‌های محرم و صفر ۹۴

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۲ آبان ۹۴

خطبه‌ی شهادت حضرت رقیه (س)

شکر و حمد و سپاس بر خالق یکتای آفرینش، آفرینشی که خود فرمود آن را بیهوده نیافریده و به حال خود وا گذاشته بلکه از روی رحمت و تدبیرش بر همه‌ی امور محیط و مدبر است. نیست معبودی غیر از خداوند حکیم و کریم؛ اوست که عزت را از آن مؤمنان و ذلت و خواری را از آن منافقان و کافران اراده فرمود پس حمد و ستایش شایسته‌ی اوست و برکات پروردگار کریم در جان‌هایی است که همواره در جوش و خروشدن تا دست یداللهی پروردگارش را در جانشان مانند دمایی که در زندگان، به اندازه و میزان محتاج است و در مردگان بی‌نیاز مراقبت؛ پس جانِ زنده به سرچشمه‌ای متصل است که همواره می‌جوشد و حرارتش را در خزانه‌ی قلبش احساس می‌کند؛ خزانه‌ای که قفل و کلیدش، راز و نیاز است و ثروتش عشق؛ آیا می‌توان آن دست را گرفت و به ملکوت سفر نکرد؟ پس مسافران ملکوت، قلب‌هایی زنده است که ضربانش خالقش را می‌ستاید.

شکر خالق یکتا را که حرارت وجود را در منتهای رحمتش آفرید، پس سینه و قلبتان را با یاد پروردگار عالم از حرارت معمولی خارج کنید تا آتش‌فشانی شود که غُرُشش، شیطان را به عجز می‌اندازد و ملکوتیان را شاد می‌کند.

چه زیباست فرمایشات سرور عالمیان حضرت زهرا (س) در توصیف مسافران ملکوت که قلبشان از هجران و عشق پروردگار آتش‌فشانی بود که با گدازه‌های خود باطل و ناپاک را سوزاند و حرارتش برای عاشقان حق، همچون گرمایی دل‌چسب در سرماست.

ما امروز به دور حرارت قلبی می‌گردیم که به ظاهر کوچک بود ولی در باطن، خورشید را به شگفتی واداشت که خود ایشان، خود را این‌چنین معرفی فرموده‌اند: من فاطمه‌ی صغری یا فاطمه‌ی ثانی، دختر حسین بن علی (ع) هستم که به رقیه ملقب شدم؛ پدرم تمام فرزندان خود را به نام پدر و مادر گرمی‌شان نام‌گذاری کردند و نام مرا به لقب مادرشان آراستند و فرمودند: تو را در آینده‌ی زمان، چونان مادرم می‌بینم

که در مدد امامت جان زیباییت به دل خاک می‌رود تا چون گلی در وعده‌ی پروردگار بشکافد پس برای آن وعده بی‌قرار باش تا آن را دریابی. پدرم امام حسین (ع) آن زمان که در مکه‌ی مکرمه بودیم مرا در آغوش گرفت و فرمود: دخترم، آیا به تپش قلب پدر گوش می‌دهی؟ گفتم: بله. فرمودند: برای دخترش چه تند می‌تپد! دلیلش را می‌دانی؟ گفتم نمی‌دانم تا از زبان پدر آن را بشنوم؛ فرمودند: دلیلش حوادثی است که باید با جان کوچک منتظرش باشی تا عمه را یاری باشی مهربان. به پدرم قول دادم که صبور باشم. لحظه‌ی موعود رسید و پدر مرا در آغوش گرفت تا قولی را که داده بودم را فراموش نکنم. به پاهای پدر آویزان شدم و آن‌ها را محکم در آغوش گرفتم؛ پدرم فرمود: دخترم، همواره قرآن را تلاوت کن و بر آنچه مقدر شده صبور باش تا وعده‌ی دیدارمان فرا رسد. پدر رفت و آن روز سخت به پایان رسید و ما همراه امام عصرمان به راه پدر ادامه دادیم. گاه برادرم مرا در آغوش پر مهر امامت می‌گرفت و می‌فرمود: آفرین بر خانه‌ای که از عزیزترین متاعش در راه پروردگارش گذشت.

بله می‌بینیم در خاندان نبوت، لالایی کودکان، قصه‌ی شیدایی و زمزمه‌ی محبتشان آموزش ایمان و حق‌مداری بود؛ باید از آنان آموخت که در تربیت فرزندانمان در عوض یاد دادن ترانه‌ها و شعرهای بی‌حاصل، تقوی و ایمان و قرآن و حق‌جویی را به آنان آموزش دهیم.

در چنین شب‌ها بود که حضرت رقیه (س) به عمه‌ی خود حضرت زینب (س) فرمودند: عمه جان، از قراری که با پدر داشتم یک روز گذشته است؛ شما چه امری می‌فرمایید؟ حضرت زینب (س) رقیه را در آغوش می‌گیرند و می‌فرمایند: زمان قرار را پدرت می‌داند؛ اینک بخواب، او خود امر می‌کند کی به دیدارش بروی. رقیه چشمان خویش را بر هم می‌گذارد. صدای مهربان و دل‌نشین اباعبدالله در فضای جانش به صدا درمی‌آید: دخترم، اینک به وعده‌ام عمل خواهم نمود؛ سکوت شب موقع خوبی برای جهاد است؛ تو بر ذوالجناح که در بیرون کاروانسرا منتظرت است بنشین و پیروزی را با خواندن قرآن کریم اعلام کن. رقیه آرام برمی‌خیزد. امام سجاد (ع) می‌فرماید: کجا می‌روی؟ می‌گویی: بر سر وعده حاضر می‌شوم. امام سجاد (ع) او را در آغوش گرفته و

تا در کاروانسرا مشایعت می‌کند. ذوالجناح منتظر است. رقیه سوار بر ذوالجناح می‌شود و آن‌چنان آیه‌ی افوض امری الی‌الله را تلاوت می‌کند که در شام زلزله‌ای رخ می‌دهد؛ همگان مانند ابراهیم خلیل صدایش را می‌شنوند و ارکان کاخ یزید به لرزه درمی‌آید؛ دیوارهایش ترک می‌خورد و یزید لعنت الله علیه دلیل این سر و صدا را می‌پرسد می‌گویند: دختر حسین بن علی سوار بر اسب پدرش فریاد می‌زند. یزید فرمان می‌دهد تا کودک را به کاخ بیاورند؛ مأموران به طرف رقیه می‌روند؛ امام سجاد (ع) رقیه را از اسب در آغوش می‌گیرند؛ وقتی مأموران می‌خواهند کودک را از امام بگیرند، رقیه به دعوت پدر به ملکوت پرواز کرده و به دیدارش شتافته بود. امام، رقیه را به آغوش زینب (س) می‌دهند تا بر او نماز گذارند و رقیه را در همان محلی که کاروان توقف کرده بود به خاک می‌سپارند. امام سجاد (ع) می‌فرمایند: قبر رقیه باشکوه‌تر از کاخ یزید در شام خواهد شد پس دل آسوده دارید که ملکوتیان در عرش به پرواز درمی‌آیند و امانت‌دارانشان مانند پروانه‌ای بر گردش‌شان می‌چرخند تا نامشان را برکت روح و جان خویش سازند.

حضرت رقیه (س) بعد از عاشورا به امام سجاد (ع) گفت: آنگاه که پاهای پدر را محکم گرفته بودم تا مرا هم مانند علی اصغر به میدان جنگ برد او مرا نوازش کرد و فرمود: من در پایان سفر به دیدارت خواهم آمد؛ مراقب باش در بیعت من بهمانی تا تو را نزد خودم ببرم؛ و حضرت رقیه (س) تا پای جان بر این بیعت، استوار باقی ماند و بر آن اصرار ورزید.

جان عالم فدای مولا و سرورمان امام عصر و زمان بقیة الله ارواحنا لک الفدا که با همان مهربانی جدشان امام حسین (ع) که به حضرت رقیه فرمودند: منتظرم بهمان و در بیعتم استواری کن، ایشان نیز هر جمعه در کنار منتظران واقعی و ندبه خوان خود می‌نشینند و می‌فرمایند: مرا ببین، اشک تو را با وصلی شیرین از چهره‌ات می‌زدایم پس منتظرم بهمان من تو را تنها نمی‌گذارم؛ ایمانت را محکم کن، با شیاطین جانت بجنگ تا ملکوتیان، مناجات تو را به عرش ببرند.

ای منتظران کوی عشق، در این زمانه‌ی فتنه و نفاق و کفر در مقابل چنین لطف و مهربانی و سفارش مولایمان چه خواهیم کرد؟ آیا لحظه‌ای به هیجان آمده و بعد فراموشمان شده، دست بیعتمان را آماده‌ی بیعت با همه چیز و همه کس خواهیم نمود و یا تا پای جان بر این پیمان وفادار و استوار می‌مانیم؟ اگر ماندیم باید باور و یقین کنیم که فریاد کودکی سه ساله در راه حق چنان قوی شد که کاخ ظلم را به زلزله واداشت و آن را شکافت. پس در این شب حزن و اندوه سر را بر سینه‌ی حق بگذاریم و فریاد بزنیم: ای خنجرهای باطل، اگر دینم با بریدن سر من، از تباهی نجات پیدا می‌کند پس بیایید و سری که هجران یارش او را بی‌تاب نموده از بدن جدا کنید تا هجران‌ها به پایان برسند و تاریکی‌ها از بین بروند، انتظارها تمام شود و خون عاشقان قلمی شود که عشاق، با آن بنویسند؛ زمان‌ها تکرار شوند و عاشقانِ مسافر طور در پایین کوه انتظار، تو را فریاد کنند که: ما گوساله‌ی سامری را نخواستیم ما منتظر ماندیم تا وعده‌ی پروردگاران محقق شود و زمان انتظار به پایان برسد و جمال آقایمان با ندای هل من ناصر ینصرنی هویدا شود پس همه‌ی منتظران فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

در بازنگری به واقعه‌ی شهادت حضرت رقیه (س) در سال ۸۶ استناد می‌شود به آیه‌ی قرآن کریم که می‌فرماید: در واقع آنان حضرت عیسی (س) را بر دار نکردند. آنچه سربازان یزید حمل می‌کردند سر سربازان خودشان بود که به چشم آنان سر مبارک حضرت اباعبدالله (س) و سایر شهیدان می‌آمد.

بنابراین آنچه در آغوش حضرت رقیه بود و کسی قادر به دیدنش نبود، سر شهیدی بود که از قبل وعده داه شده بود و آنچه در دربار یزید اتفاق افتاد، نه حضرت رقیه بود و نه سر مبارک حضرت اباعبدالله.

از کسانی که این سؤال را مطرح کرده‌اند، انتظار می‌رود پس از گذشت این همه سال متوجه ظاهر و باطن شوند و اگر توان درک آیات کریمه‌ی قرآن را ندارند، صبور باشند و از واقعه‌ی کربلا به حق آن بیندیشند تا مورد سرزنش سال‌های انتظار واقع نشوند.

والسلام

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۷ آبان ۹۴

خطبه‌ی ولادت امام موسی کاظم (ع)

حمد و سپاس از آن خداست. حمد و سپاسی که شایسته‌ی اوست. بی‌شمار و بی‌پایان. با زبان گویای اولیایش، از قول حامدان و عارفان وجودش و از زبان پیامبران و فرشتگان تسبیح گویش. نیست معبودی جز خداوند بی‌شریک و یکتا، خداوندی که کریم‌ترین کریمان، مهربان‌ترین مهربانان، امان دهنده‌ی ترسندگان، بهترین رفیق غریبان و مونس بی‌کسان، نگهدار گمشدگان و هدایت‌گر گمراهان است. پاک و منزّه است ذات کبریایی‌اش که تسبیح و ستایش می‌کنند همه‌ی جانداران و جامدات و گیاهان در همه‌ی طول شب و روز او را. و سلام و صلوات بی‌پایان بر خاتم رسولان حضرت محمد (ص) و بر اهل‌بیت پاکش و آغاز می‌کنیم کلام را با سلامی از سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س): سلام از نام‌های نیکوست که همواره آغاز کننده‌ی کلام است تا دل‌ها در آیین‌های جانشان محبتی را حس کنند که گرمایش به یاد آورنده‌ی هجرانی است که صبر بر آن چونان شعله‌ای درخشان است که ظلمات شب را به سحری مبارک مزده می‌دهد.

بله چه زیباست این فرموده، ظلمات امشب نیز به وجودی با برکت، به سحری مبارک بدل خواهد شد. این جان مطهر هفتمین چلچراغ هدایت و امامت صاحب علم یقین، امام شایسته و عابد و زاهد، امام موسی بن جعفر (ع) هستند که همچون پدران و فرزندان طاهرینش بر آزارها شکیبا بود و آنچه از جانب خدا به عهده داشت به خوبی انجام داد. برای مردم احکام خدا را تلاوت و امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد و عادل و عالم و صادق بود و با اخلاص تمام در راه خدا جهاد کرد. هارون الرشید عباسی لعنت الله سال‌ها ایشان را در مخوف‌ترین زندان‌ها محبوس کرد، به خیال خام و جاهل خود توانسته است انوار امامت و نعمت ولایت را خاموش کند درحالی که خیلی زود به اشتباه خود پی برد. چون امام موسی کاظم (ع) به اعتراف زندانبانان و کسانی که زندان امام را مشاهده کرده بودند ایشان مخوف‌ترین محل را با مناجات‌های دل‌نشین و زیبایی خود به گلستانی بی‌نظیر بدل فرمودند؛ این روح خداوندی و تقوا و طهارت را

امیر مؤمنان علی (ع) چه زیبا تفسیر کردند که: اطاعت از خداوند یک پناهگاه در قبال هر نوع خطر است که فراگیر شود و هر نوع ترس را از بین می‌برد و پناهگاهی است در قبال هر نوع پیشامد نامطلوب و هر نوع آتش فروزنده و آن‌که تقوی را پیش بگیرد هر نوع سختی از او دور می‌شود و هر کار ناگوار بر او شیرین می‌گردد، سختی‌هایی که پیایی به او رو می‌آورد به همان نسبت که می‌آید از وی دور می‌شود و هیچ دشواری، او را زبون نمی‌نماید و نعمت‌ها برای او وسعت می‌یابد.

پس در این شب مبارک باید به یقین گفت و فریاد برآورد: وای بر احوال دنیا پرستانِ کور دل که تجلی انوار روح خداوندی را در اهل بیت پیامبر ندیدند و یا دیدند و نفسشان مانع درکشان گردید. خلیفگان راستین خداوند که حق را بر سر باطل چنان کوبیدند که به فرموده‌ی سرور عالمیان شیطان را هم وادار به اعتراف عجز و شکست کردند. برکات پروردگار عالم آنگاه که آفرینش در حجاب بود و راز جان‌ها در ملکوتشان مستور، ندای جاء الحق و زهق الباطل برخاست و زیبایی حق نمایان گشت و زمزمه‌ی عشق آغاز گردید؛ باطل به فغان آمد و ابراز کرد: ای خالق هستی بر آنچه آفریدی و مرا در دانشش به اطاعت وا داشتی و فرمودی در عظمت خلقت سجده کنم و من سرپیچی کردم، آنگاه از حق مأیوس شدم و به باطل دل بستم تا مخلوقات را به دنبال خویش کشم، در این عجز و ناتوانی به فغان آمدم و در سیمای حق نگرستم و به یقین اعلام کردم: حق پیروز است و باطل مانند کفی که جز راه نابودی راه دیگری را نمی‌پیماید.

اینک در این شب خجسته و مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس فرزند گرامی و گران‌قدر امام موسی کاظم (ع) سرور و مولایمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج)، به تمنا ابراز می‌داریم: مولای ما در این زمانه کافران و مستکبران و دشمنان اسلام با دشمنان کور دل و جاهل اهل بیت هم پیمان شدند و هر روز با فتنه و دسیسه سعی در خدشه‌دار کردن اسلام و تشیع علوی دارند، غافل از اینکه خداوند کریم خود از دینش و قرآن و عزت پیامبر و اهل بیتش محافظت می‌فرماید ولی مولای ما، قلبمان از این همه ظلم و فتنه و جنایت به خون نشسته و در این شب

بزرگ به درگاه پروردگاران و شما امام و ولی نعمتتان که در هم شکننده‌ی کافران و گردن‌کشان و ظالمان و برپاکننده‌ی کرسی عدالت و منتقم حق از باطل هستید، شکایت می‌بریم. یا منجی عالم بشریت به فریاد امتتان برسید که سخت دل‌آزرده هستیم.

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها، ای نجات‌دهنده‌ی امام موسی کاظم (ع) از زندان هارون الرشید ما را از فتنه و ظلم و جنایت این زمانه رهایی بخش.

بار الها به عبادت و مناجات‌های عاشقانه‌ی امام موسی کاظم (ع) به ما شوق عبادت و عشق بندگی عطا بفرما.

بار الها به ما یقین قلبی و باور و استواری در توکل و سربلندی و پیروزی در آزمایش عطا بفرما.

بار الها در ظهور دولت حقه‌ی مولا و سرورمان امام بر حق و برافرازنده‌ی پرچم پیروزی اسلام تعجیل بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی روز اربعین

۱۱ آذر ۹۴

به نام خدایی که جز به فضل و رحمتش به چیزی امیدوار نیستم و غیر از عدل و دادش از چیزی نمی‌ترسم و جز به دستوراتش در قرآن کریم به چیزی اعتماد ندارم و جز به رشته‌ی ریسمان او، پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) و اهل‌بیتش به چیزی چنگ نمی‌زنم. به تو پناه می‌برم ای خدایی که صاحب بخشش و گذشت و خشنودی هستی، از ظلم و تعدی و از تغییرات و حوادث روزگار و غم و اندوه پی در پی و پیشامدهای سخت و ناگوار.

جان عالم به قربان قلب نازنین و پر از غم و اندوه امام سجاد (ع) که در چنین روزی بار دیگر در کربلا آثار ظلم و جنایت امت جدش را در حق پدر بزرگوارش اباعبدالله الحسین (ع) و برادران و نزدیکانش می‌دید و با حمد و ثنای پروردگار، جان مطهرش را که چهل شبانه‌روز بود چون آتش‌فشان می‌سوخت، آرام می‌فرمود و بعد از رسوا کردن و نمایاندن چهره‌ی واقعی منافقان و ظالمان جنایتکار کوفه و شام و فرو ریختن کاخ‌های فتنه و ستم به کربلا بازگشتند تا مژده‌ی پیروزی خون شهدا بر باطل را به شهیدان برساند.

آخرین خطبه‌ای که امام سجاد (ع) در شام ایراد فرمودند پیام و سفارشی بسیار ارزشمند و نجات بخش است برای امت مسلمان و شیعه که در تمام تاریخ باید چون گنجینه‌ای بی‌نظیر آن را قدر بدانیم و از خطر این‌گونه عمل و کردار به خدا پناه ببریم. ایشان فرمودند: وای بر جان‌هایی که از آنچه بر سر دینش می‌آید در غفلت باشد تا دینش پاره پاره شود و او از زمانش عقب بماند، آنگاه برای دوختن این جامه‌ی دریده شده قیام کند و به وعده‌ی پروردگارش برسد که فرموده: آن رشته را که بافتید به دست خویش نگشایید که جزء زیان دیدگان خواهید شد. اگر جان خویش را از کالبدتان از شدت غم خارج کنید هرگز نخواهید توانست تا غفلتان را پاسخگو شوید پس به جان سوخته از جهلتان ناله کنید و در مجالستان به همه ابراز دارید: ما

ناشنوایانی هستیم که فقط گوش‌های ما ناشنوا نیست بلکه دل‌هایی که در سینه داریم ناشنواست.

این پیام امام سجاد (ع) زنگ خطری است برای ما مهمانان کوی عشق، باید از خود بپرسیم که آیا خطابه‌های گران‌قدری که گنجینه‌ای از علم و معرفت و حق بود، گوش‌های دلمان را شنوا کرده و در این چهل روز در عمل و حیاطمان اثرش را احساس کرده‌ایم و یا جزو ناشنوایانی هستیم که امام سجاد (ع) فرمودند؛ امید داریم که این‌گونه نباشد. پس امروز فرصتی است که در این مورد اندیشه کنیم زیرا امامان ما در طول عمر مبارکشان برای شنوا کردن گوش‌های عقل امت مسلمان سعی و تلاش فراوان نمودند تا آنان را از تاریکی باطل و شیطان نجات دهند که امیر مؤمنان علی (ع) در مورد آن چنین فرمودند:

از کودکی آرزو داشتم تا سخنانم را به گوش‌های کبری که در اثر نادانی ناشنوا شده بفهمانم، در این راه تلاش بسیار کردم ولی وعده‌ی قرآن کریم حق است ولی ای کاش نصایح و اندرزهای شفابخش من به گوش‌های شنوا و قلوب پاکیزه برخورد کند و آنچه می‌شنوند بر گوش و دل بگیرند و ای بندگان خدا توصیه‌ی من به شما این است، با اینکه ترک دنیا را دوست نمی‌دارید این دنیا را رها کنید. شما در این دنیا، تازه بودن آن را دوست دارید ولی این دنیا، کالبد شما را کهنه می‌کند و می‌پوساند و جسم شما را از بین می‌برد.

ای مردم، به عزت و افتخار این دنیا و زینت‌ها و نعمت‌های آن دل مبنیدید و شادمان نباشید و از سختی‌های آن هم آزرده نشوید و ناله نکنید. چون عزت و افتخار و زینت و نعمت‌های دنیا زوال می‌پذیرد همان‌گونه که سختی‌های آن هم از بین می‌رود.

در این دنیا زمانی نیست که پایانی نداشته باشد و زنده‌ای نیست که مبدل به مرده نشود، ولی بیشتر مردم غافل هستند، اما چیزی هست که از هیچ کس غافل نیست و آن گذشتن دنیا و مرگ است که آینده‌ی آن و آنچه باقی مانده چون گذشته می‌گذرد.

این است که به شما توصیه می‌کنم ای مردم همواره به خاطر بیاورید که چیزی هست که لذت‌ها را از بین می‌برد و خوش‌گذرانی ناشی از شهوات را منقص می‌نماید و رشته‌ی آرزوها را پاره می‌کند و آن مرگ است.

از خداوند درخواست کنید که برای سپاسگزاری از نعمت‌ها و احسان‌ها و ادای حق او به شما مدد برساند. پس حمد خود را برای آنچه تا کنون پیش آمده بجا می‌آوریم و هم برای آنچه از این به بعد پیش خواهد آمد، عهده‌دار حمد او می‌شویم.

سفارشات و سخنان گران‌قدر و نجات بخش مولای متقیان امیر مؤمنان علی (ع) رستگاری را برای همه‌ی مردم در تمام دوران‌ها به ارمغان می‌آورد به شرط اینکه به این دستورات عمل شود. وای بر احوال کوفیان و ستمگران و دنیا پرستان که این سخنان سازنده و گهربار را که حجت بود بر آنان شنیدند و برای رسیدن به دنیایی که به آن‌ها وفا نکرد و چون مرگ و فنا به دنبالشان بود، در کربلا دست به جنایت و ظلمی زدند که ننگ و نفرین ابدی را به جان ذلیلشان خریدند.

اینک در اربعین سالار شهیدان امام حسین (ع) همان‌گونه که امیر مؤمنان فرمودند شکر گذاری از نعمت‌ها و احسان‌هایی می‌کنیم که در محرم و صفر امسال شامل حال ما گردید و دعا می‌کنیم برای نعمت و رحمتی که امیدواریم در آینده نیز از درگاه خداوند کریم بر ما عطا شود، همچنین با تشکر و سپاس از مولا و سرورمان، ولی نعمت و واسع خیر و برکت، امام عصر و زمان ابی‌صالح امهدی (عج) به وجود مبارکشان ابراز می‌داریم: مولای ما، در این زمانه که مستکبران و منافقان و کافران سعی در انحراف دین و سست کردن ایمان و کم‌رنگ کردن مودت اهل‌بیت در بین مسلمانان و شیعیان دارند ما را یاری فرمایید با عمل به سفارشات پدران گرامی‌تان و شما منجی عالم بشریت، دین و ایمانمان را محکم و دوستی و مودت اهل‌بیت را تا زمانی که زنده‌ایم شیرینی‌اش را به جانمان بخورائیم تا منافقان و دشمنان بدانند که هیچ وقت طبق فرموده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) نمی‌توانند ریشه‌ی آن را خشک کنند که ایشان چنین فرمودند:

آنان که با اعمال خویش طوفان‌های زمین را دامن می‌زنند و ویرانی افکار و عملکرد مردم را به همراه خویش روان می‌سازند در غفلت‌اند از ریشه‌ای که شاخ و برگش ویران می‌شود و اصلش همچنان باقی می‌ماند تا باز با جوانه‌هایی زیبا همگان را به خود بخواند که به من بنگرید، پاییز ویرانگر با توبه به بهاری زیبا بدل گشت تا میوه‌هایش، تلخی شکست را به فراموشی بسپارد و باز حق جاودانه گردد و باطل همچنان ناتوان باقی بماند.

اینک در اربعین سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) به دامان پر مهر فرزندشان، حسین زمان، ابوالصالح المهدی (عج) چنگ می‌زنیم ایشان تمام فضایل پدرشان امام حسین را در وجودشان به ودیعه دارند همان‌گونه‌ای که در حدیثی از امام حسین که ایشان از پیامبر آن را نقل نمودند فرمودند: حسین، آخرین وصی من قامتی چون تو دارد. پیشانی‌اش زیباترین احساس‌ها را در خود ذخیره نموده تا همگان در تمام دوران‌ها به قلب نازنینش متوسل شوند و او را که رسالت مرا در حق شکوفا خواهد نمود مدد نمایند. او صاحب‌الزمان است پس ثانیه‌های عمر جز به اقتدارش سپری نمی‌شود، او را در همه حال و مکان می‌توان دید و دولت با شکوهش را فریاد زد پس او را می‌خوانیم تا مرهمی باشد به زخم‌هایمان:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۹ آذر ۹۴

خطبه‌ی ۲۸ صفر

سلام بر خالق زمان، پروردگار عالم‌های ده‌گانه، خالق جانی مطهر، منور به وحی الهی، خاتمه دهنده‌ی رسالت رسولان، آغاز حیاتی که با نامش شکل گرفت. او که بود؟ خانه‌اش در میان مردم همانند سایر افراد جامعه نزدیک به مکه‌ی مکرمه نور افشانی می‌نمود. غیب عالم در تپش انتظار می‌سوخت تا لحظه‌ی موعود فرا رسد. درونش را به نمایش گذارد و همگان را از عظمتی آگاه سازد که هر روز در کنارشان در حرکت بود. لحظه‌ی موعود فرا رسید. ای منتظران او را بشناسید؛ او رحمت و اسعه‌ی پروردگارتان است. همان نعمت بی‌پایانی که همواره در کنارتان می‌زیست و شما از درکش عاجز بودید. افسوس بر ذلتی که همواره به همراه انسان است هر چند رحمت پروردگارش آن را به عزت تبدیل می‌کند او خواری و بیچارگی را بر می‌گزیند همانند امتی که در شناخت پیامبرش به تاریخ تکیه می‌کند تا قلم انسان صفحاتی را به نام مبارکش بنگارد و او را در صفت‌هایی معرفی کند که توان عقلش مددش نموده درحالی‌که پروردگارش در کتاب آسمانی قرآن کریم می‌فرماید: او رحمت بی‌منتهای من است؛ نامش زنده کننده‌ی حق و نابود کننده‌ی باطل درون‌هایی است که او را بخوانند.

خورشید بیست و هشتم صفر سال ۱۱ هجری به بستر پیامبری می‌تابد که بار سفری ملکوتی را آماده نموده. زمین پروردگارش را می‌خواند: بار ای خالقم، از تو سپاسگزارم که جان مطهرش را به آغوشم می‌سپاری. آسمان می‌خندد. فرشتگان در جشن و سروری عاشقانه منتظرند. چه روزی است که ساعت از چرخیدن امتناع می‌ورزد. چه ثروتی قرار است به دل خاک برود! زمان، شب و روز را تمام شده فرض می‌کند. بله او رفت و تاریکی و ظلمتِ جهل به جان‌هایی بازگشت که عمری از نور وجودش افروخته بودند. شیطان کار امتش را پایان یافته تصور کرد زیرا ذلت نفس یاران و اصحاب نزدیکش را در وسوسه‌ی نفس اماره می‌دید. اینک زمان چهره‌هایی را آشکار کرده که همگان توان درکش را دارند. وای بر رسوایی جانی که مدعی نام مسلمانی است درحالی‌که پرده‌ی اطاعت الهی را می‌درد و به آنچه پیامبر وجودش امر می‌کند گردن اطاعت خم می‌کند؛

به صفحه‌ی زمان می‌آید؛ عمری را می‌گذرانند به امید عملی که همانند گذشتگان جز به سود خودش نبوده پس به دنبال نفسی به حرکت در می‌آید که نام مطهرش را وسیله‌ی رسیدن به اهداف خویش می‌دانند.

اینک سال‌ها از آن روز حزن انگیز می‌گذرد. صدای هدایتِ حق در حنجره‌ی با برکت آخرین وصی‌اش طنین انداز است: من می‌آیم تا شما امت جدم را از ضلالتی که به آن مبتلا شده‌اید برهانم. ناامیدی را در جانتان دفن کنید تا مجدداً نور هدایت در آن شکوفا شود.

به لحظه‌ای که شنونده‌ی این خطابه هستید بیندیشید؛ کیست که شما را مورد خطاب قرار می‌دهد؟ پس درحالی‌که شما او را نمی‌بینید او شما را می‌بیند؛ مراقب باشید با سوداگران امروز نروید. امروز روز ماندن و یا رفتن است پس با دخت پیامبران بمانید و آن جان مطهر را مورد خطاب قرار بدهید و بگویید: ای پیامبرم، من هدایتت را با دنیای فانی معاوضه نمی‌کنم پس می‌مانم تا او را بخوانم و جانم را با نام با برکتش از جهل برهانم.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۱ آذر ۹۴

خطبه‌ی شهادت امام رضا (ع)

شکر و سپاس زیبنده‌ی پروردگار کریم است که ملک و سلطه‌اش پایدار بر عزت خویش و در سلطنتش اطاعت شده و در کبریایی‌اش یگانه و در دوام و بقایش یکتاست؛ در خلقتش عادل، در حکمتش آگاه و در تأخیر عقوبتش بزرگواری است.

سلام و صلوات خداوند بر حبیب‌الله العالمین، خاتم النبیین و سید المرسلین ابوالقاسم محمد (ص) و بر اهل بیت طاهرین و معصومینش که همگی واسطه‌ی خیر و برکت و گذشت بودند که سلام و سلامتی در وجود مبارک آنان است و سلام نامی است که پروردگار عالم آن را برای ارتباط بین خود و بنده‌اش برگزید و امر فرمود به زیر محبتم درآیید و پراکنده نشوید آنگاه که شما را ندا دهم: ای فرزندان آدم، از آنچه روزی‌تان داده‌ام انفاق کنید تا طعم رستگاری را دریابید و انسان به پا خاست تا این فرمان را به اجرا درآورد؛ روزی‌اش را به پیشکشی بر بندگان عرضه کرد و برای جلب رضایت الهی جانش به سخن درآمد: ای خالقم، بهترین متاع جانم را که ایمان به دستورات بارگاه کبریایی‌ات بود بین بندگان انفاق کردم و آنان را با حق همراه نمودم پس جهادم را بپذیر و انفاقم را جاودانه فرما تا به هنگام بازگشت به بارگاه ملکوتی‌ات جانی را به همراه بیاورم که جز اطاعت نام دیگری را نمی‌شناسد.

چه زیبا و به جاست این سلام از سرور عالمیان کوثر الهی حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (س) بر ایشان و بر پدر گرامی‌شان پیامبر عظیم‌الشأن و بر امیر مؤمنان و تمامی فرزندان‌شان که همه‌ی عمرشان در انفاق هدایت و ایمان سپری شد و لحظه‌ای از این وظیفه غافل نشدند، حتی دشمنان‌شان را از این انفاق محروم نکردند چون خداوند کریم فرمود: از بهترین‌ها که خودتان بیشتر دوست می‌دارید انفاق کنید؛ آنان عشق و ایمان به خداوند را که تمام آمال و آرزویشان بود را انفاق فرمودند که ما امروز در سوگ شهادت یکی از ایشان یعنی هشتمین اختر درخشان امامت و ولایت ثامن‌الحجج حضرت امام علی بن موسی‌الرضا (ع) در این مکان مقدس جمع شده‌ایم

همان‌گونه‌ای که مادر گرامی‌شان فرمودند: ایشان چه در حیات طیبه‌شان و چه اکنون در بارگاه ملکوتی‌شان دوست و دشمن را از عنایاتشان محروم نمی‌فرمایند. باید که یقین داشته باشیم که وقتی به زیارت بارگاه ایشان سعادت می‌یابیم اگر بر هدایت و ایمان ما افزوده نمی‌شود دلیلش در باورها و حاجت‌ها و دین‌داری‌ها و عمل‌های ماست، چون چیزی که برای امام اهمیت دارد نحوه‌ی دین‌داری و اطاعت است. اگر مورد قبول پروردگار باشد از فضل و احسان و انفاق گسترده‌ی ایشان دست پر باز می‌گردیم که خود ایشان فرمودند هر کس از شیعیانم مرا در سرزمین طوس زیارت کند درحالی که عارف به حق من باشد در قیامت شفیع او خواهم بود.

نام ایشان علی و کنیه‌اش ابوالحسن و رضا لقب‌شان است. سی و پنج سال عمر شریفش سپری شده بود که به اقتضای کمال و شایستگی ذاتی به منصب امامت و ولایت نائل گردیدند. مدت بیست سال به حراست از کیان آیین الهی پرداختند. ده سال در زمان هارون‌الرشید، پنج سال با پسرش محمد امین، پنج سال هم‌زمان با حکومت مأمون که لعنت خدا بر آنان باد. سرانجام در روز جمعه آخر ماه صفر سال ۲۰۳ هجری قمری به دستور مأمون ملعون به شهادت رسیدند و پیکر مطهرشان در مشهد مقدس دفن شد.

حدیث شریف و گرانمایه‌ی سلسله‌الذهب از ایشان است که در شهر نیشابور فرمودند که: از پدرانم نقل است که پیامبر گرامی رسول اکرم (ص) فرمودند: از جبرئیل شنیدم که فرمود از خداوند عزوجل شنیدم که فرمود: کلمه‌ی لا اله الا الله حصار و جایگاه امن من است پس هر کس به دژ من وارد گردد از عذابم در امان خواهد بود. بعد امام اضافه کردند این شرط‌هایی دارد و من خود یکی از آن شرط‌ها هستم و منظور امام از بیان این شرط اشاره است به اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ یعنی اقرار به توحید با قبول امامت کامل می‌شود و اطاعتش بر همگان واجب است.

حال که ما در آخرین روز ماه حزن و اندوه هستیم می‌رویم تا این ماه را بدرود گوئیم و ماهی دیگر را آغاز کنیم که در آن میلاد پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) و اولین روز امامت خاتم امامت و مخزن کرامت و چلچراغ هدایت، منجی بشریت، برپا کننده‌ی کرسی عدالت، مولا و سرورمان ابوالصالح المهدی (عج) است که سلام و درود بی‌پایان بر

ایشان و اجداد طاهرینش و بر اولین روز امامتشان و بر ظهور دولتشان و سلام و درود بر دقایقی که برکت آفرینش را درک کردند آنگاه که پروردگارشان فرمود: ای قلب زمان، تپش خود را آغاز کن؛ تو در ثانیه‌های خویش به خود افتخار خواهی نمود زیرا نفسی را با خود همراه می‌کنی که تو را بزرگ خواهد شمرد و نامش با نام تو یکی خواهد شد پس به آنچه داری در گنجینه‌ی قلبت افتخار کن که مولا و سرور و امامان صاحب‌الزمان (عج) است که زمان و زمین و امتش با این نام شرافت و عزت می‌یابند که مادر گرامی‌شان سرور عالمیان فرمودند: مهماندار مهمانان پسر مهدی به مدال‌هایی مزین است که دوران‌ها و ادیان به آن مدال‌ها وعده داده شده‌اند پس آنگاه که مهمانان سمایی به مهمانی آمدند با حقیقت وجودتان از آنان پذیرایی کنید تا انوار حق را در جایگاهتان ببینند و برای آمدن حق مشتاق شوند و شکرگزار محبتی شوید که در سینه‌هایتان به ودیعه است تا همواره جهل را بشکافد و نور را جایگزین کنید، پس ای مهمانان کوی عشق در جایی نشسته‌اید که مهمان و مهماندارانش شرافت و عزتی بس بزرگ برای خود ذخیره می‌کنند.

در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها اما رضا (ع) خیر و برکت این سرزمین است ما را یاری فرما تا قدر این نعمت الهی را بدانیم.

بار الها امام رضا (ع) از مدینه هجرت کردند تا به ما بیاموزند که باید برای رضای الهی هجرت کرد پس ما را یاری فرما جزء مهاجرین از ظاهر دنیا به سوی خودت باشیم.

بار الها مولا امام عصرمان همچون پدر گرامی‌شان امام رضا (ع) با ما رئوف و مهربان است؛ یاری فرما تا قدر عنایت و محبت ایشان را بدانیم.

بار الها در ظهور دولت امام عصر تعجیل بفرما و ما را جزء منتظران و یاران ایشان قرار بده.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۸ آذر ۹۴

خطبه‌ی شهادت امام حسن عسکری (ع)

سزاوار است پروردگار با جلال و جبروت به حمد و ستایش بی‌کران و بی‌پایان و ازلی و ابدی و از آن اوست فرمانروایی آنچه در زمین و آسمان‌هاست و دانای نهان و آشکار، بخشنده و مهربان و پیروزمند و بزرگوار است.

صلوات و درود بر خاتم انبیا رسول اکرم حضرت محمد (ص) و بر خاندان پاکش که همگی از رستگاران، هدایت‌گران، صابران و خلیفگان الهی و مؤمنان حقیقی بودند که صفاتشان با بسیاری از آیات کریمه‌ی قرآن مطابقت دارد.

به‌طور مثال در آیاتی از قرآن خداوند فرموده: کسانی که به عهد خدا وفا می‌کنند و خود پیمان نمی‌شکنند؛ آنان که آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده پیوند می‌دهند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی بازخواست خداوند بیمناک‌اند؛ آنان که به طلب ثواب پروردگار خویش صبر پیشه کردند و نماز گذاردند و در نهان و آشکار از آنچه به آن‌ها روزی داده‌ایم انفاق کردند و بدی را به نیکی دفع می‌کنند، سرای آخرت خاص آنان است و بهشت‌های جاویدان برای آن‌ها و هر که نیکوکار بوده است از پدران و همسران و فرزندان‌شان بدان داخل شوند و فرشتگان از هر در به نزدشان آیند و گویند: سلام بر شما به خاطر آن همه شکیبایی که ورزیده‌اید؛ سرای آخرت چه سرای نیکویی است.

با آگاهی از عملکرد و سرگذشت پیامبر گرامی اسلام و اهل‌بیت مطهرشان همه‌ی صفاتی که خداوند رحمان در قرآن کریم از مؤمنان نام برده را می‌توان در همگی آنان مشاهده کرد. برپاکننده‌ی نماز، خداترسی و انفاق در نهان و آشکار، صبر در سختی‌ها و مصائب و استواری در عهد و پیمان، همه و همه در وجود مقدس‌شان و در لحظه‌ی عمرشان جاری است پس وای بر احوال دشمنان‌شان که با وجود این آیات نه تنها حرمت اهل‌بیت را نگه نداشتند بلکه به عناد و دشمنی با آنان برخاستند. در روز عید غدیر پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) به امر خداوند فرمود: امروز کافران

از بازگشت شما از دین خویش نومید شده‌اند. از آنان مترسید از من بترسید. امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم. به همگان اعلام کرد و همه با امیر مؤمنان علی (ع) و فرزندانش بیعت کردند اما به آن وفادار نمانده پیمان خود شکستند و پروردگار کریم که از عملکرد آینده‌ی آنان آگاهی داشت و حجت را بر آنان چنین تمام کرده بود، فرمود: و آنان که پیمان خدا را پس از استوار کردنش می‌شکنند و آنچه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند لعنت بر آنهاست و بدی‌های آن جهان نصیبشان. پس باید پیمان شکنان غدیر را لعنت کرد زیرا خداوند به این بیعت فرمان داده بود و همچنین فرموده بود: از من و پیامبر و ولی خود اطاعت کنید. این پیمان از طرف خداوند بود اما این ملعونین در زمین فساد کردند و پیامبر و فرزندان و اهل‌بیتش را مورد آزار و اذیت قرار داده و به شهادت رساندند. پس همان‌گونه‌ای که خداوند فرمود لعنت ابدی بر همگی آنان باد.

امشب ما به سوگ یکی از فرزندان رسول خاتم دور هم جمع شدیم تا دشمنانش را لعنت کرده و به عزایش بر سینه بکوبیم. ایشان یازدهمین اختر امامت و ولایت، عالم و زاهد، با تقوا و با وقار و با عفت و حیا، ابا محمد، ابن رضا حضرت امام حسن عسکری (ع) هستند که ولادت ایشان در هشتم ربیع‌الثانی سال ۲۳۲ هجری و شهادتشان به دست معتمد عباسی لعنت الله علیه در هشتم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ هجری اتفاق افتاد. ایشان با وجود اینکه تقریباً تمام عمر مبارکشان را در تبعید به سر بردند ولی به اعتراف دوست و دشمن مظهر ابهت پروردگار عالم و خلیفه‌ی راستین و امام بر حق بودند و این موجب خشم دشمنان پلیدشان شد زیرا همه‌ی حسنات عطایی پروردگار سبحان را که آنان به شیطان فروخته بودند، ایشان یکجا داشت و تحمل این موضوع برای آنان سخت بود.

حال خطبه را به حدیث زیبایی از سرور عالمیان حضرت زهرا (س) مزین می‌کنیم که فرمودند: آنچه در وجود انسان است گویای فرمانی است که فرمانده‌اش در هنگام خلقتش به او آموخته تا امانتی را محافظت کند که پادشاه عالمیان است. آیا پادشاهی

که مملکتش را نمی‌شناسد استوار و پابرجا می‌ماند یا در پرده‌ی اسارت دشمنان، جانش به امراض گوناگون مبتلا می‌شود و با رنج، در غربت و اسارت می‌میرد؟ آیا ذهنی قادر به درک خلیفه است؟ خلیفه‌ای که کتاب آسمانی می‌فرماید: فرشتگان عرضه داشتند آیا کسی را می‌آفرینی که در آنجا فساد کند و خون‌ها بریزد و پروردگار فرمود من آن دانم که شما نمی‌دانید. آنچه را که فرشتگان درک کردند پادشاهی مفلوک بود که در چنگال امیالش اسیر و درمانده شده و آنچه را که صورت واقعی خلیفه‌ی الهی بود را پروردگار معرفی فرمود و همگان بر آستانش فرمان‌بر گشتند و او را خلیفه‌ی برحق الهی شناختند؛ خلیفه بر کرسی خلافت نشست و همگان فرمان‌بر آستانش؛ مانند فرمان مغز که مکان برایش معنا ندارد کتاب قانونش نوشته شد و حدود مملکتش تعیین گردید و نگهبانانش بر محافظت از حدود، انتخاب و بر کارها گمارده و فرمان‌بر. حالا خلیفه با تسلط بر قدرت‌های پوچ و بی‌اساس باید مملکتی را آباد کند.

اینک در این شب حزن و اندوه ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس مادر گرامی‌شان و ولی‌نعمت‌مان سرور و مولا، امام عصر و زمان، اب‌صالح المهدی (عج) به وجود مبارکش‌ان ابراز می‌داریم:

مولای ما، ما را دریاب تا توان تحمل مصیبتی که جهل جاهلان دهر بر جانمان هموار نموده‌اند را بیابیم و دست ناتوانمان را در دستان یداللهی‌ات از لغزش گناه نجات بخشی پس با تضرع و ناله فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۳۰ آذر ۹۴

خطبه‌ی سالروز آغاز امامت حضرت مهدی (عج)

حمد و سپاس پروردگار کریم را سزاست که خود فرمود: بگو پروردگار من است که روزی هر که از بندگانش را بخواهد فراوان می‌کند یا او را به تنگی می‌افکند و اگر چیزی انفاق کنید عوضش را خواهد داد و او بهترین روزی دهندگان است.

بله اعمال و افکار آدمی است که موجب تنگی و یا فراوانی روزی‌اش در علم و معرفت و ایمان از جانب خداوند رحمان می‌شود و نه چیز دیگری که پروردگار کریم خود فرموده: اموال و اولادتان چیزی نیست که شما را به ما نزدیک سازد مگر آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند که پاداش اینان به سبب اعمالشان دو برابر است و ایمن در غرفه‌های بهشت هستند.

چه زیبا تفسیر فرمودند سرور عالمیان حضرت زهرا (س) این آیات کریمه را که فرمودند: گاه شما حاصل دست رنج دنیا را بفروش می‌رسانید و در مقابلش پول دریافت می‌کنید و گاه دست رنج جانتان را در بازار دنیا برای نجات دیگران انفاق می‌کنید و بابتش پولی نمی‌خواهید مانند پیامبران که در مقابل رسالتشان مزدی نمی‌خواهند پس استقبال از این متاع نمی‌شود زیرا قیمتی ندارد که کسی توان خریدش را داشته باشد و آنچه عمل انسان را جاویدان می‌کند نیت عقلش می‌باشد؛ گاه سال‌های عمرش را در بازار دنیا به فروش می‌رساند و پولی که دریافت می‌کند آن‌چنان ناچیز است که همگان او را مورد سرزنش قرار می‌دهند که: ای بیچاره به چه قیمتی بهشت پروردگار را فروختی پس آنچه که با اندیشه به ثمر می‌رسد مانند سنگ آتش‌فشانی است که گاه زمین را حاصل خیز می‌کند و گاه آن‌چنان می‌سوزاند که آثارش باقی نمی‌ماند. پس در این روز خجسته و مبارک که پروردگار کریم و عزیز به برکت وجود مقدس خاتم انبیا و اوصیا حضرت محمد مصطفی (ص) آخرین رحمت و نعمتش را به امتش انفاق فرموده از زبان گهربار مادر گرامی‌شان سرور عالمیان عرض سلام کرده و خداوند رحمان را شکر می‌کنیم و می‌گوییم:

سلام بر جام جانی که در پرتو انوار با برکتش ظلمت نفس افسانه می‌شود؛ آیندگان به گذشته‌ی خویش می‌نگرند؛ به دنبال نامی که همواره جامِ تهی جانشان را مهمان دقایق با برکتش نموده است؛ دست‌های هدایتش را مانند سایه‌بانی بر دست‌های مشتاقی گشوده که ندای قلبشان جاودانگی را به تصویر کشیده است؛ او کیست که دقایق حیات در فرمانش در حرکت است؟ چه کسی به حقیقت آفرینش آگاه است؟ به رمز جان با برکتش جز آفریدگارش کسی آگاه نمی‌باشد؛ او یحیی و یمیت را در فرمانش به نمایش می‌گذارد پس جانی منتظر خوانده می‌شود که همواره توان عقلش به غیب قرآن کریم متصل باشد؛ غیبی که او را به مهمانی با شکوهی دعوت می‌کند و مرتباً می‌فرماید: آنچه برایتان باقی گذاشتم برای شما بهتر است. پس وای بر احوال کسانی که نه تنها خود بلکه دیگران را نیز از چنین نعمت و رحمت بی‌نظیر الهی محروم کردند. آه ندامت و افسوس آنان در قیامت سوزاننده‌تر از آتش جهنم بر جان ذلیلشان خواهد بود و واحسرتایشان نه تنها سودی به حالشان نخواهد داشت بلکه توسط آنانی که فریبشان را خورده و مریدشان شده بودند نیز لعن و نفرین می‌شوند. خداوند از احوال چنین کسانی در قرآن کریم یاد فرموده که: قدرتمندان به زبون شدگان گویند: آیا از آن پس که شما را به راه هدایت فراخواندند ما شما را بازداشتیم؟ نه شما خود گناهکار بودید.

اینان کور و کر و لال بودند که در امامت، تجلی انوار الهی و تحقق اراده‌اش در خلقت خلیفه را ندیده و خطابه‌های امیر مؤمنان علی (ع) و فرمایشات گران‌قدر و گهربار بقیه‌ی امامان را نشنیدند؛ به بزرگان گمراه و ذلیلشان در نهی مقام والای امامت اعتراض نکردند چون آنان دنبال‌روی پدران غافل، جاهل و باطلشان بودند و به خیال هواپرست و باطل خود می‌خواستند ریشه‌ی امامت را خشک کنند ولی خداوند سبحان در چنین روزی آخرینشان را برای مؤمنان بشریت حفظ کرد و فرمود: من آنچه برایتان باقی گذاشتم برای شما بهتر است.

ایشان خاتم امامت، منجی بشریت، عصاره‌ی نبوت و رسالت، برپا کننده‌ی کرسی عدالت، واسعه‌ی خیر و برکت، امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) هستند که پس

از شهادت پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری (ع) در نهم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری ردای منور امامت را بر جان مبارکشان پوشیدند که این وعده‌ی امیر مؤمنان علی (ع) است که فرمود: ای مردم بدانید که مَثَلِ آل محمد مانند ستارگان آسمان است و هنگامی که یکی غروب می‌کند دیگری طلوع می‌نماید بنابراین شما هرگز از آل محمد محروم نخواهید شد و لذا بدان می‌ماند که نعمت‌های خدا برای شما به حد کمال رسیده و آنچه آرزو داشتید به شما واصل شده است. مولایمان امام عصر در چنین روزی به اذن و تدبیر الهی به غیبت صغری تشریف بردند و این غیبت مانع از حضور و دعوت ایشان به نجات و هدایت مردم نشد و این دعوت را فقط کسانی شنیدند که گرد و غبار باطل را از گوش‌هایشان زدوده بودند.

حدیث زیبایی از اباعبدالله الحسین (ع) در این مورد است که فرمودند: جانشین رسالت در هدایتش همان‌گونه عمل می‌کند که من عمل کردم؛ صدای دعوتش همواره در زمان‌ها و دوران‌ها به گوشِ جانِ شنوندگانش رسیده است ولی آنان همانند امت من از هدایت گریخته‌اند؛ باطل را برگزیده‌اند و قرآن را همانند قوم یهود به دلخواه خودشان آراسته‌اند و منتظر فرجی هستند که آنان را در دینی که خود نگاشته‌اند یاری کند.

پس ای مهمانان کوی عشق بیایید در غدیر ثانی، اولین روز امامت مولایمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) دست بیعتمان را به سویش بلند کنیم و ابراز داریم: ای مولای ما، نامت زینت جان‌های ضعیفمان است پس دیدگان نمناکمان را بر حرارت دل‌هایمان مستولی نکنید تا همواره چونان آتش‌فشانی پر حرارت نامتان را تکرار کند و منتظر زمانی که پرچم حق را در عالم در اهتزاز ببینید یاری‌مان کنید در دعایی که همواره زینت جانمان است و باز یک‌صد می‌خوانیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی ولادت پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) ۸ دی ۹۴

حمد و سپاس زیننده و در خور پروردگار رحمان، کریم، عظیم و قادر و تواناست که خود فرمود: بدانید که هر چه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست، آگاه باشید که وعده‌ی خدا حق است ولی بیشترشان نمی‌دانند؛ اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و همه به سوی او باز می‌گردید پس به دامن پر مهرش پناه می‌بریم و شکرگزار نعمت و رحمت بی‌منت‌هایش که سرشار از لطف و احسان بر بندگانش نازل می‌شود مخصوصاً به نعمت و رحمت بی‌نظیری که در این ایام عطا فرمود که آن وجود مبارک و مقدس رسول و خلیل، نبی و صفی، حبیب و نجیب خدا، خاتم‌النبین و سیدالمرسلین، ابوالقاسم حضرت محمد مصطفی (ص) است که درود خداوند تا ابد بر ایشان و بر خاندان پاکش که امیر مؤمنان علی (ع) در مورد ایشان چنین فرمودند: تا اینکه تکریم خداوند سبحان شامل حضرت محمد (ص) و خاندان او شد و خداوند ایشان را از برترین مبدأ وجود آورد و نهال او را در جلیل‌ترین دودمان قرار داد و آن نهالی بود از شجره‌ی انبیاء که خداوند، پیغمبران امین خود را از آن شجره به وجود آورد. حضرت محمد (ص) در کودکی بهترین طفل در بین تمام همسالان خود بود و در بزرگی بزرگوارتر از او وجود نداشت و از نظر اخلاق و رفتار پاکیزه‌تر از او دیده نمی‌شد و آن قدر بخشایش داشت که مردم نمی‌توانستند از باران رحمت و بخشاینده به آن اندازه انتظار بخشش داشته باشند. او موجودی است که در حرم به وجود آمد و در آن محیط دارای ساقه شد و مرتفع گردید. شاخه‌های این درخت بلند است و میوه‌اش در دسترس نیست و پیشوای کسی است که تقوی را پیشه نماید و نور دیدگان کسی است که برای راهنمایی شدن صلاحیت داشته باشد او چراغی است که روشنایی آن اطراف را منور می‌نماید و ستاره‌ای است که نور آن در جهات مختلف چشمک می‌زند. روش زندگی او رعایت حد وسط است و سنت او مبتنی بر این می‌باشد که وسیله‌ی راهنمایی نوع بشر فراهم گردد و آنچه بر زبان می‌آورد برای این است که بین حق و باطل فرق گذاشته شود و هر زمان که دستوری از طرف او صادر شود برای برقراری

عدالت می‌باشد. دودمان او از بهترین دودمان‌ها است و خویشاوندانش از بهترین خویشاوندان.

زیبایی فرموده‌ی امیر مؤمنان علی (ع) را با آیات کریمه‌ی قرآن دوچندان می‌کنیم که خداوند کریم فرمود: ای مردم برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمد و شفایی برای آن بیماری که در دل دارید و راهنمایی و رحمتی برای مؤمنان؛ بگو به فضل خدا و رحمت او شادمان شوند زیرا این دو از هر چه می‌اندوزند بهتر است.

بله چه موعظه‌ای بالاتر و بهتر از آیات قرآن کریم و چه شفا و رحمتی دل‌پذیرتر از پیامبر و اهل‌بیت پاکش پس سلام بر دقایقی که نبض عالم در تپش حیاتش بر آن گواه شد آنگاه که به ندایی بخواندش که: برخیز، اینک بر آستانی خوانده شدی که سلامتی‌اش را در جانت به ودیعه نهادند تا لب به سخن بگشایی و زبان خشکیده در کامت را از خاک جانت بزدایی و با آتشی که در سینه داری پروردگارت را بخوانی و او را در بزرگی و جلالتش بستایی پس شکر بر آستانی که محبتش پایان نپذیرد و نعمتش تغییر نکند و آنچه وعده داده شده به انجام رسد.

سلام، مانند آغاز صبحی است که قبل از طلوعش نوید دهنده‌ی برکت انواری است که گرمایش زنده‌کننده‌ی مخلوقات عالم است؛ حرارتش مطلوب نیازمندان رشد است و سایه‌اش خنک‌کننده‌ی جان‌های پر حرارت؛ درونش مخفی و ظاهرش نشان از خلقتی مدبرانه؛ استواری‌اش در عظمت اطاعتش در صفحه‌ی زمان گویای رمز و رازی است که گوش زمان، آن را می‌نگارد تا عمر انسان‌ها در پرتوی جانش نگاشته شود، عقل‌ها به کاوش جانش در حیرت بماند و پیچیدگی نامش را معنا کند.

بله چه زیبا و مبارک سحری! چه طلوع بی‌نظیری در نیمه‌های ربیع‌الاول با تولد وجود با برکت خاتم‌الانبیاء، رحمت للعالمین، حبیب‌العالمین حضرت محمد (ص) اتفاق افتاد که انوارش از خلقتی مدبرانه خبر می‌داد که عقل‌ها را به حیرت وا داشت و زنده‌کننده‌ی مردگان جهل و شادکننده‌ی دل‌مشتاقان خسته از کفر بود و ما این روز بزرگ را با سخنان سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) آغاز کردیم که در ادامه در توصیف این روز و تولد بزرگ و بی‌نظیر چنین فرمودند: آنچه در دیدگان رحمت

عالمیان نورافشانی می‌کرد و مرتباً نام مبارکش را بر عالم القا می‌نمود هدایت رودخانه‌ی جان‌ها بود تا همگان را بر سرچشمه‌ی وصل برساند و آنگاه که زمانِ منتظر آمدنش در خود می‌پیچید و ثانیه‌ها و دقیقه‌ها را به یکدیگر می‌رساند تا لحظه‌ی موعود فرا رسد و امانت ارواح عالمیان قدم بر برهوت زمین گذارد روح القدس به بانگی ارواح عالم را فرا خواند و فرمود: ای انسان‌های اولین و آخرین، تهنیت به غیر از حساب بر شما باد که سفره‌ی احسان پروردگار در زمین گسترده شد و همگان بر طعامش مهمان شدند پس بر سفره‌ی رحمتش بنشینید و از طعامش تناول کنید تا جان جدا شده از سلسبیل پروردگارتان به سرچشمه‌ی وصل متصل شود و اسفل‌السافلین به افسانه درآید و به برکت آمدنش همگان بر عرش درآیند و انوار جانشان در قاب قوسین او ادنی معنا شود. چه سعادتمند هستند گوش‌ها و چشم‌هایی که خاک غربت جهل را از دیدگان خود زدودند تا گوهر دیدگان‌شان امانت‌هایی را بر کرسی خلقت پروردگارشان نظاره کند که نامشان جانشینان کرسی آسمان‌های هفت‌گانه بود. آن‌ها آمدند تا نام پیامبرشان را در قاب جانشان به نمایش درآوردند و در پرتو انوارش جهان را از غربتی که به آن مبتلا گردیده نجات بخشند که امروز تولد مبارک یکی از آن جانشینان منور به نور پیامبر یعنی میلاد ششمین اختر امامت، بنیان‌گذار راه و رسم شیعه، امام جعفر صادق (ع) است. ایشان در روز تولد جدشان به دنیا آمدند روزی که بهترین بنده‌ی خدا و افضل‌ترین نعمت و رحمت خداوندی قدم بر زمینی نهاد که هر لحظه بر او درود و سلام می‌فرستد. امروز روزی است که کاخ‌های ستم شکافته شده و شعله‌های باطل خاموش گردید کلمه‌ی لاله‌الاله در جهان طنین انداز شد؛ به دنیا آمد و عالم منور شد به قدوم مبارک عقل کل، نور مطلق، اول ما خلق الله، رسول گرامی اسلام حضرت محمد (ص).

این روز مبارک را به پیشگاه مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) تبریک و تهنیت عرض می‌کنیم و خداوند رحمان و رحیم را شاکریم که ما را امت چنین پیامبری قرار داد و مودت اهل‌بیتش را با انتخاب امیر مؤمنان علی (ع) و فرزندان‌ش به جانشینی ایشان به ما ارزانی داشت و سپاس و تشکر می‌کنیم از وجود مقدس و مبارک معلم اخلاق و عرفان و قوانین و دستورات قرآن امام جعفر صادق (ع) که با

آموزه‌های خود ما را با راه و رسم وفاداری به عهد و پیمان در مورد امانت‌های پیامبر یعنی اهل بیت و قرآن آشنا فرمود و همچنین شکر و سپاسی عظیم بر پروردگار کریم که از سر لطف، آخرین نور امامت، مولا و سرورمان امام عصر (عج) را که نشان و عطر و بوی جد بزرگوارشان و پدران گهربارشان را با خود همراه دارد را برایمان حفظ فرمود.

بار الها ما با تلاوت کتاب آسمانی‌ات، قرآن کریم به پیشگاه با کرامت عرضه می‌داریم: جاء الحق و زهق الباطل پس ای پروردگار رحمان به فریادمان برس و با ظهور مولایمان این شعار را مستدام فرما و برای تحققش فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۵ دی ۹۴

دل نوشته‌ی دعای ندبه

مولای من، مولای من، می‌دانم و یقین دارم که شما مرا می‌بینید؛ نه تنها من حقیر را می‌بینید بلکه همه‌ی رفتار و گفتار و عملم را درحالی‌که خود از آن‌ها غافلم، را می‌دانید ولی با این وجود هر هفته و هر لحظه آرزو دارم روبروی شما بنشینم هم جمال زیبا و بی‌مثالتان را ببینم، هم ببینم که شما ولی نعمت و امام و سرورم با آن چشمان زیبا که وسعتش به تمام اقیانوس‌ها می‌رسد به من حقیر نگاه می‌کنید، قلبم گواهی می‌دهد آن زمان را خواهم دید.

در مقابل شما دو زانو نشسته، با اشک‌هایم چشمان و صورت گنه‌کارم را خواهم شست. اگر خشکی گلو و زبانم مرا یاری کردند مثل هر هفته در دعای ندبه‌ام به شما خواهم گفت:

مولای من، آقای من، جانم به فدایت، می‌دانم که شما با من هستید و مرا به حال خود رها نکردید و با آن وجود نازنینتان در کنارم می‌نشینید، برای هدایت و نجاتم مرا یاری می‌کنید همان‌گونه‌ای که فرمودید: کسی که دعای ندبه می‌خواند باید بداند که امامش او را در آغوش می‌گیرد و نوازشش می‌کند و او را به صبر وصیت می‌کند که: منتظرم بمان، من تو را تنها نمی‌گذارم، ایمانت را محکم کن، با شیاطین جانت بجنگ تا ملکوتیان مناجات تو را به عرش ببرند و ندبهات را سد آتشی کنند که همواره جان انسان را تهدید می‌کند. مولای من جانم به فدایت، این تنها آرزوی من نیست بلکه همه‌ی خواهران و برادرانی که در خانه‌ی مقدستان به عشق و یاد شما روزهای جمعه دعای ندبه می‌خوانند نیز هست و همگی به ناله و اشک ابراز می‌دارند:

جانم به فدایت، ای در عزت بی‌رقیب و در بزرگی و فخر بی‌مثال و در مجد و شرافت استوار و بی‌همتا، جانم به فدایت، تا کی حیران و سرگردان و بدون سرپرست باشم. ای سرور و رهبر و ولی‌نعمتم دعا کنید تا خداوند مهربان در ظهورتان تعجیل بفرماید که در این زمانه‌ی پر از فتنه و نفاق هر روز و هر لحظه نیازم به وجود گهربارتان که

برکننده‌ی همه‌ی بدی‌ها و فتنه‌هاست بیشتر می‌شود. قلب عاشقم مشتاقانه با سوز و گداز شما را می‌خواند. به فریاد امت جدتان و مادر گرامی‌تان و پدران طاهرینتان برسید که چشمه‌های اشکمان خشک شد ولی قلب‌هایمان خون می‌گیرد. بر ما سخت شده درحالی‌که از دیدار شما محروم هستیم، مردمی را می‌بینیم که همه چیزشان از جمله ایمان و عزت و غیرتشان را به نفس اماره و شیطان فروختند و به آن بسنده نکرده مانند عصر پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) مؤمنان را به واسطه‌ی ایمان و باورهای دینشان و عشق به مقدساتشان که همچون جانشان به آن‌ها عشق می‌ورزند، به مسخره می‌گیرند. با وجود اینکه یقین داریم که وعده‌ی پروردگاران حق است که فرمود: روزی خواهد رسید که مؤمنان، منکران و کافران را در عذاب ببینند به آنان بگویند شما بودید که ما را مسخره می‌کردید، حال بچشید آتش جهنم را.

ولی مولای من، جانم به فدایت، بر ما سخت شده تحمل آن. نمی‌دانم روزی را خواهیم دید که ما هم در کنار شما باشیم و ببینیم سرکشان و منکران و متکبران و ستم‌گران با ظهورتان به هلاکت رسیده و زمین پر از عدل و داد و توحید و پاکی شده؟

تا آن زمان همان‌گونه‌ای که سفارش به صبر فرمودید، گرچه بر ما سخت است، صبر خواهیم کرد و همان آیه‌ای را که حضرت یعقوب در فراق حضرت یوسف فرمود، در هجران شما یوسف زهرا همان را ابراز می‌داریم که: جز این نیست که شرح اندوه خویش تنها با خدا می‌گویم زیرا آنچه من از خدا می‌دانم شما نمی‌دانید.

پس ما نیز ای منتظران کوی عشق به تمنا به پیشگاه پروردگاران عرضه می‌داریم:

بار الها تو برطرف کننده‌ی اندوه و سختی‌ها و رنج‌هایی، پس ای فریادرس درماندگان به داد بنده‌ی حقیر و گرفتارت برس. آقا و سرورمان را برسان تا بدین وسیله خون و اندوه و دل‌تنگی بنده‌ی گرفتارت را برطرف کنی و سوزش عشق در غم فراقش را با وصالش فرو نشانی و تا آن زمان هر روز فریاد خواهیم زد:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۸ دی ۹۴

خطبه‌ی ولادت امام حسن عسکری (ع)

حمد و سپاس بی‌کران و بی‌پایان ازلی و ابدی زینده‌ی خداوند سبح و قدوس است؛ خداوندی که از سر رحمت، روزی و هدایت و بخشش بر بندگان را بر خود مقرر نموده و فرمود: بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید و از سر مهربانی و کرامتش به پیامبر خود فرمود: بگو ای بندگان من که بر زیان خویش اسراف کرده‌اید از رحمت خدا مأیوس نشوید زیرا خدا همه‌ی گناهان را می‌آمرزد اوست آمرزنده و مهربان؛ پس با این همه بردباری و عفو وسیع و رحمت و مغفرت اگر کسی در قیامت عذاب شود خود بر خود ستم کرده مخصوصاً مسلمانان که گهر گران‌بها از هدایت را پروردگار حکیم در قالب قرآن کریم بر آنان ارزانی داشته، پس زیان دیده‌ترین انسان‌ها آنانی هستند که توان عقلی خویش را در درک قرآن کریم نمی‌یابند پس کتاب، آنان را می‌خواند: آیا نابینا و بینا برابرنند؟ عقلی که چراغ هدایتش را خاموش کرده قادر نخواهد بود فضیلت کلام را دریابد پس صدایی او را به خود نمی‌خواند درحالی‌که گنجینه‌ی جان‌ها آن‌چنان گنجایشی دارد که قادر است تمام آیات الهی را در خود جاری نماید پس همواره اقیانوسی باشید که توانش محدود به ساحلی نباشد.

با این فرموده‌ی گران‌قدر کوثر الهی سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) قرآن راه‌گشای نجات و رستگاری است به شرط آن‌که توان عقلمان را در درک آیاتش به کار ببندیم و این مشکل نیست چون پروردگار متعال قسم یاد کرده که هدایت قرآن کریم را در وجودها به ودیعه نهاده، در این مورد نیز ایشان چنین فرمودند که: رحمت و برکت پروردگار عالم آنگاه که می‌فرماید: من شما را از یک تن آفریدم و از جام جان‌ش شرابی گوارا را خارج نموده نامش را جان خواندم جانی که مقتدایش نسیم وحی بود زبانی که در ظاهر نطقی نداشت ولی در درونش صدایی او را به هدایت می‌خواند اینک کالبدی را بر آبشار روحی منور بنا کردم تا آینه‌ای باشد از انعکاس قدرتی که خود را الله معرفی فرموده پس مخلوقاتش بر صفحه‌ی زمان ظاهر می‌شوند، جان‌شان در گنجینه‌ی نهانش امانت‌دار گوهری گران‌بهاست ندایی که همواره راه‌گشای غیبی

منور است اینک تو را به جهانی که در آن نیازی به کالبدت نداری می‌خوانم و تو شتابان آن را در خاک پنهان کرده و به سوی زادگاہت می‌آیی آیا آن را می‌یابی؟ اگر توان درکش را از دست داده‌ای چگونه خود را می‌یابی؟ گم گشته‌ای که نشانی از خود را نمی‌یابد، پس به الطاف آن گنجینه پناهنده می‌شود تا مانند سپری در مقابل نامت چیست او را مدد کند پس هدایت مختص مؤمنان است تا در سایه‌ی نعمتش سفره‌ی جانشان را منور کنند و انوار هدایت آخرین پیامبر حضرت محمد (ص) آن‌چنان عالم‌گیر است که هرگز گنجایشی آن را محدود نمی‌کند پس همواره انوار بندگی پروردگار عالم در زمان جاری است و کتابش در جایگاه هدایت زمان محدود نمی‌شود همانند رودخانه‌ای است که رودهای محدود را در خود وارد نموده و به اقیانوسی غیر حساب تبدیل می‌شود، پس به کافران و دشمنان اسلام و پیامبر عظیم الشان، رحمت للعالمین، خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) که هر روز سعی در کینه توزی نسبت به ساحت مقدس ایشان را دارند و آن نشئت گرفته از ترس و آگاهی از وعده‌ی پروردگار عالم مبنی بر اینکه هدایت پیامبر اسلام و دینش عالم‌گیر شده و بر همه‌ی ادیان پیروز خواهد شد هر چند مشرکان را خوش نیاید. باید گفت و فریاد برآورد که بغض و خشم‌تان نشانه‌ی عجزتان است، این وعده‌ی پروردگار مقتدر و داناست و هرگز نتوانید که نور خدا را با دهان خاموش کنید شما فقط ننگ ابدیتان را بیشتر می‌کنید، بیهوده دست و پا می‌زنید، در این حسرت و بغض و عداوتتان خواهید ماند و خواهید مرد که خداوند قهار به پیامبرش فرمود: بگو بار خدایا تویی آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین، دانای نهان و آشکار تو میان بندگان در هر چه در آن اختلاف می‌کرده‌اند داوری خواهی کرد.

افسوس حرمت شکنی پیامبر اسلام به دشمنانش ختم نشد و نمی‌شود و مایه‌ی تأسف است که امتش و مدعیان دوستی و پیروانش در حرمت شکنی از دشمنانش پیشی گرفته و می‌گیرند. اگر دشمنان به توهین اکتفا کردند امتش به او و سفارشات و امانت‌هایش خیانت کرده و می‌کنند، قرآن را مهجور و پاره‌های تنش را به خاک و خون کشیدند. در عصر حاضر اکثریت امتش اعمال جنایتکار آنان را تأیید و کمر به دشمنی و قتل وفادارانش یعنی شیعیان بستند درحالی‌که فریاد لبیک یا محمدا سر

می‌دهند و بر خلاف سفارش و وصیتش قدم بر می‌دارند ولی باید امید داشت و منتظر بود همان‌گونه‌ای که خداوند وعده فرموده: حق پیروز است و باطل کف روی آب و تاریخ اسلام پر از تحقق این وعده‌ی الهی است که ما در این شب مبارک به شادمانی میلاد یکی از این وعده‌های شیرین در این مکان مقدس دور هم جمع شدیم و آن وجود مقدس و مبارک یازدهمین ستاره‌ی امامت و ولایت، عالم و زاهد و با تقوا و با وقار، ابا محمد امام حسن عسکری (ع) است که به ما آموختند که چگونه می‌شود منتظر بقیة الله بود یعنی ظهور و پیروزی حق و نابودی باطل.

با وجود اینکه دشمنان سعی در نابودی نسل ایشان را داشتند خداوند کریم نسلی از ایشان باقی گذاشت که جهان را از لوٹ وجود ناپاکان و باطلان پاک کرده و حق و عدالت را در آن بگستراند.

چه زیبا فرمودند امیر مؤمنان علی (ع) که: ای مردم بدانید که نه چراغ اسلام خاموشی پذیر است و نه شیرینی آن تلخ می‌شود و پایه‌های اسلام از طرف حق مستحکم شده؛ چشمه‌ای است که پیوسته آب دارد و چراغ‌های اسلام همواره نورانی است و خداوند بهترین خشنودی خود را در این قرار داده که از این دین اطاعت نمایند و شما ای مؤمنان، این دین را محترم بدانید و از آن اطاعت کنید و حق دین را ادا نمایید و احکام دین را راکد نگذارید.

اینک ای مهمانان کوی عشق ما ضمن عرض تهنیت و تبریک خدمت مولا و سرورمان امام و ولی نعمتمان فرزند گهربار امام حسن عسکری (ع) اباصالح المهدی (عج) به وجود مقدسشان عرضه می‌داریم: مولای ما همان‌گونه‌ای که مادر گرامی‌تان سرور عالمیان فرمودند که: وجود با برکت پسر حضرت مهدی (عج) امانت‌دار رسالت پیامبران است و همه‌ی پیامبران به این رسالت شهادت می‌دهند و کارگزاران دولتش را می‌شناسند و دیدار آن دوران را از پروردگار تقاضا می‌کنند، ما نیز با سوز دل و تمنا فریاد «متی ترانا و نراک» سر می‌دهیم و مشتاق دیدار شما و ظهور دولت حقتان هستیم و آرزوی رؤیت جمال منورتان و دولت مطهرتان را داریم و ما را نیز جزء کارگزارانتان بپذیرید.

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها مکر دشمنان اسلام و پیامبر را به خودشان برگردان و آنان را در گودال فتنه‌ی خودشان سرنگون کن.

بار الها امام حسن عسکری (ع) برای ما گه‌ری بی‌نظیر را به یادگار گذاشتند. یاری فرما با قدر شناسی از این گنجینه‌ی گران‌قدر قلب ایشان را از خود شاد کنیم.

بار الها با ظهور دولت حقه‌ی امام زمان (عج) پیروزی نهایی و ابدی اسلام و پیامبرت را کامل کن.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س)

۲۵ بهمن ۹۴

شکر، ذکری است که حضرت آدم از پروردگارش آموخت، آنگاه که او را ندا داد: تو را خلیفه‌ی خویش بر آنچه آفریده‌ام برگزیده‌ام و نعمت را بر جانت تمام کردم اینک بر تخت بنشین و نامم را به ستایش بر زبانت جاری ساز، معمای روح خداوندی‌ات را در ضربان قلبت به تماشا بنشین تا نامش را بیاموزی. بله این نام و عزت و افتخار به‌وسیله‌ی فرزندان حضرت آدم آشکار گردید که صفات برجسته‌ی آنان را خداوند کریم در آیات کریمه‌ی قرآن چنین توصیف می‌فرماید: آنان که به طلب ثواب پروردگار خویش صبر پیشه کردند و نماز گزارند و در نهان و آشکار از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق کردند و بدی را به نیکی دفع می‌کنند، سرای آخرت خاص آنان است. بهشت‌های جاویدان آنها و هر که نیکوکار بوده است از پدران و همسران و فرزندان‌شان بدان داخل شوند و فرشتگان از هر در به نزدشان آیند. سلام بر شما به خاطر آن همه شکیبایی که ورزیده‌اید، سرای آخرت چه سرایی نیکوست.

بله گل سرسبد نمایش دهندگان این امانت بزرگ الهی پیامبر عظیم‌الشان، خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) و اهل‌بیت و فرزندان گرامی‌اش بودند. پس سلام و درود بی‌پایان بر ایشان باد و سلام خاص ایشان است چون سلام نامی است که پروردگار فرمود: ای بندگانم یکدیگر را به آن بخوانید تا توان جانتان به سلسبیل عشقی متصل شود که در صندوقچه‌ی جانتان امانت‌دار آن هستید، امانتی که با آن جان گرفتید و مجدداً خواهید رفت و بار دیگر با تحیتی بالاتر خواهید آمد. در آن لحظه فرشتگان شما را مورد خطاب قرار می‌دهند: ای انسان به جایگاهت که سلامتی و رحمتی از جانب پروردگار است خوش آمدی.

امشب ما در این کوی عشق به شکرانه‌ی عطای وجود گهربار و گران‌قدر یکی از ایشان، سپیدار بلند شکیبایی و تقوا و شجاعت، زلاله‌ی مهر و محبت و صفا و نمونه و نمایشگر اطاعت همراه با عشق خالص خداوندی، پرورش یافته در مکتب امیر مؤمنان

و نور دیده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا (س)، حضرت زینب کبری (س) دور هم جمع شدیم. چگونه و با چه بیانی می‌شود در مورد حضرت زینب سخن گفت، از کدامین حُسن و کدامین فضائل ایشان از هزاران هزار حسنات و علم و کمالات عرفانش را نگفته گذاشت. شخصیتی که نه تنها در زمانه‌ی خود بی‌رقیب بود بلکه هزار و اندی است با وجود تحریفات در مورد ایشان، مسلمان و غیرمسلمان را شیفته‌ی خود نموده و اقیانوس علم و معرفتش سرچشمه از اهل‌بیت و امامت داشت. زبان و بیان کوبنده و ظلم ستیزش جاویدان در تاریخ ماند. حضرت زینب (س) نشان داد که چگونه می‌شود نقاب تزویر و ریا و نفاق را از چهره‌ی سران منافق و مستکبر و عوام فریب که خود را در پشت نام پروردگار و مسلمانی پنهان کردند را برداشت. چه زیبا حدیثی است از سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که در این مورد فرمودند:

ای وای بر احوال کسانی که ظاهر خویش را با نام پروردگار می‌آرایند تا بندگان خدا را به طرف امیالشان بکشانند، غافل از اینکه آنچه پوشیده‌اند قطرانی است یعنی لباسی از آتش که از قبل وعده‌اش به آنان داده شد. پس حرارتش را در خنکی نفس اماره حس نمی‌کنند، هر روز جانشان را در یک قالب زیبا به نمایش می‌گذارند غافل از اینکه خالقشان فرموده: من از پیش برایتان عذابی دردآور را مهیا کرده‌ام. بزرگ‌ترین عذاب الهی غفلتی است که جان انسان را از رحمت پروردگارش جدا می‌کند تا به آنچه در پیش رو دارد اندیشه کند.

اینک در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس ولی و امام و سرور و مولایمان ابوالصالح المهدی (عج) به وجود مقدسشان ابراز می‌داریم: مولای ما یاری فرمایید در پیروی از راه و رسم عمه‌ی گرامی‌تان بر علیه ظلم و تزویر ما نیز قیام کنیم، زینب گونه حق مدار باشیم و زینب گونه منتظر دولت حقه‌ی شما باشیم و با اشتیاقی که حضرت زینب داشت فریاد کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۳ اسفند ۹۴

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) (روایت اول)

حمد و سپاس پروردگار یکتا را سزااست که زمین و آسمان‌ها را در شش روز آفرید و سپس به عرش پرداخت. آدم را خلق کرد و مسجود قرار داد و شیطان را مطرود، شیطان فتنه کرد و آدم توبه نمود. حضرت نوح کشتی ساخت و حضرت ابراهیم بت شکست و پایه‌های خانه‌ی کعبه را بالا برد. حضرت موسی دریا شکافت و حضرت عیسی به اذن الله مرده زنده کرد و این‌ها مقدمه‌ای شد بر بعثت خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) و چنین شد، باید که چنین می‌شد چون اراده‌ی پروردگار بود در همه‌ی هستی بانگ الله اکبر و لا اله الا الله طنین انداز شد و منتظرانش به شکرانه‌اش به شادمانی پرداختند و پروردگار پیامبرش را رحمةً للعالمین نامید و اهل‌بیتش را از بهترین‌ها و پاک‌ترین‌ها قرار داد. امیر مؤمنان علی (ع) را ولی و جانشین و کامل‌کننده‌ی دینش و حضرت زهرا (س) کوثر الهی و سرور عالمیان انتخاب نمود و فرزندان‌ش را ستارگان پر فروغ هدایت، گهرانی بی‌همتا که درود بی‌پایان خداوند تا ابد بر همگی ایشان باد که خداوند کریم خود فرمود: خداوند ایشان را از شر روز قیامت ننگه داشت و آنان را طراوت و شادمانی بخشید. به پاداش صبری که کرده‌اند پاداششان را بهشت و حریر داد و با توصیف نعمت‌های فراوانی که شامل ایشان خواهد شد در آخر چنین می‌فرماید: این پاداش شماسست و از کوشش‌شان سپاس گذاری شده است.

پس سلام بر جان‌هایی که امانت‌دار لوح آفرینش هستند، همان آنانی که ثروت سرشار بندگی را در صندوقچه‌ی جان اندوختند تا آتش امیال نفسانی بر کشته‌ی جانشان نیفتد، جانی که ثروتش تمام نمی‌شود و خزانه‌اش تهی نمی‌گردد. آن‌چنان بر قالب جان نقش اطاعت را زده است که پیشانی عملش گواه آن است.

در این شب حزن و اندوه در این کوی عشق به سوگ گهری بی‌همتا، کوثری جاری، نعمت بی‌نظیر پروردگار عالم که برای بردن نامش باید از خالقش خداوند حکیم اجازه گرفت. پس ما نیز اذن می‌طلبیم تا نام مبارک ایشان، سرور عالمیان حضرت طاهره،

راضیه و زکیه، فاطمه، زهرای مرضیه (س) در شب شهادتشان در خانه‌ی فرزندشان با دلی پر از غم و اندوه به عزا بنشینیم چون اندیشه و عقل در وصفشان و مقام ایشان قاصر است لذا از سخنان گهربار ایشان مدد می‌گیریم که فرمودند: در سوره‌ی قمر پروردگار عالم فرمودند که ماه دو نیم شد، نیمی وجود مقدس حضرت نبی اکرم (ص) و نیمی سوره‌ی کوثر که در اعجاز همانند نوری است که جان‌ها با آن از ظلالت جهل به علمی پایان نیافتنی پیوند می‌خورد.

اینک در این شب به گوشه‌ای از گنجینه‌ی علم و معرفت و عرفان ایشان پناهنده می‌شویم که فرمودند: جان انسان مدار قدرت است، پروردگار آن را با لباس ظاهر پوشاند تا جلوه‌ی بزرگی‌اش در جامه‌های عزت مخفی شود. پس فرمود به هنگام عبادت جامه‌های خویش را بپوشید، همگان لباسی را برای عبادت برگزیدند و آن را از ناپاکی‌ها محافظت کردند تا به فرموده‌ی خالقشان آماده‌ی پرستش شوند. ملکوتیان عرضه داشتند: بار الها تخت جایگاهمان در انوار عزت خلیفگانان آن چنان می‌درخشد که اسرارش بر ما پوشیده است و پروردگار می‌فرماید: جان بندگان را به مدال‌هایی آراستم و آن مدال‌ها را در قالبی قرار دادم. آن زمان که جان را از قالبش تهی سازم همگان به عزتش آگاه شوند، پدرم رسول خدا (ص) همواره می‌فرمود: فاطمه جان کدام لباسی قادر است تا جانی را بپوشاند که پوشش ملکوت نتوانست آن را پوشش دهد پس جان عزیزت جز با انوار پروردگارت با هیچ لباسی در حجاب قرار نخواهد گرفت و چه سعادتمند هستند دوستانانت که لباس عزتشان نام با برکت تو خواهد بود. خاندان رسالت در امانتی که پروردگار عالم برایشان به عنوان سرنوشت وعده فرموده بود زندگی دنیا در محدودیت زمان معنایی نداشت. کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی همگی در بندگی خالق یکتا به یک زمان متصل می‌شد و آن زمان در دقیقه‌هایش به دنبال یک هدف و آن رضایت پروردگار کریم بود و شکر نشانی که همواره همراه این وعده‌ی الهی همگان را به سعادت می‌خواند که رمزش در کتاب آسمانی آمده است.

پس وای بر احوال کسانی که چنین انوار الهیه در کنارشان نفس کشید، نه تنها چشمان و دل کورشان آن را ندید بلکه به دشمنی و کینه و حسادت ایشان نمودند تا آنجا که به شهادت رساندند. لعنت الله علی قوم الظالمین و باطلین.

اینک در این شب پر از غم و اندوه ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس فرزند گرامی‌شان مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) خدمتشان ابراز می‌داریم: مولا ما را در شناخت هر چه بیشتر شأن و مقام مادر گرامی‌تان یاری فرمایید. حال به نیت عذاب دشمنان و پیروزی و نزدیکی ظهور مولایمان فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۴ اسفند ۹۴

خطبه‌ی حقیقت فاطمیه

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، فَلَيْبِكَ الْبَاكُونَ، وَ
 أَيَاهُمْ فَلَيْبُ النَّادِبُونَ، وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْتَدْرِفِ الدُّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ، وَ يَضْجُ
 الضَّاجُونَ، وَ يَعِجُّ الْعَاجُونَ.

پس باید گریه کنندگان، بر پاکان اهل بیت پیغمبر و علی صلی الله علیه و آلهما گریه
 کنند و بر آن مظلومان عالم، ندبه و فغان نمایند و برای مثل آن بزرگواران؛ اشک از
 دیدگان بارند و ناله و زاری و ضجه و شیون از دل برکشند.

این فراز از دعا نه تنها دوستداران و شیعیان، بلکه بشریت را از عمق فاجعه و مصیبتی
 که بر تمامی انسان‌ها تا قیامت شده با خبر می‌کند.

آنانی که ذره‌ای شأن و مقام والای پیامبر و اهل بیت او را درک کردند، باید گریه کنند،
 نه شیون و زاری و فغان کنند و بجای اشک، خون ببارند، چون عده‌ای به خاطر قدرت
 طلبی و جاه و مقامی که دوامی هم نداشت و به آنان وفا نکرد، اهل بیت پیامبر را
 اسیر و زندانی و شهید کردند، به فرموده‌ی خداوند کریم در قرآن «چه بد معامله‌ای
 کردند و چه ارزان، دنیا و آخرتشان را فروختند.»

اگر آنان تهی مغز نبودند باید که در مقابل چنین خیانت و جنایت‌هایی، حکومت تمام
 دنیا را طلب می‌کردند که باز هم کم بود در مقابل آنچه کردند، چه آنانی که بنیان
 ظلم به اهل بیت را نهادند و چه آن‌هایی که ادامه دهنده‌ی راه آنان بودند.

این مردم فرومایه نه آیات الهی را در نظر گرفتند که خداوند فرمود: «من اهل بیت
 پیامبر را از هر پلیدی پاک کردم» و یا فرمود که «ای پیامبر به آنان بگو من از شما
 امت، اجر و مزد رسالتی جز دوستی اهل بیتم نمی‌خواهم که در این هم، خیر کثیر برای
 شماست.» و نه حدیث طیبیه‌ی کساء را که خداوند فرمود «ای فرشتگان من و ای
 ساکنان آسمان‌هایم براستی که من نیافریدم آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و نه

ماه تابان و نه خورشید درخشان و نه فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را مگر به خاطر دوستی پیامبر خاتم (ص) و اهل بیتش».

لعنت الله على قوم الضالمين

بله این مردم کور دل و پلید حتی خطبه‌ی غدیر که مورد تأیید شیعه و سنی است را نیز نادیده گرفتند که در آن خطبه پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) فرمود: «که علی برادر و وصی من است، گوشت و خون او گوشت و خون من است، دشمن او دشمن من و دوست او دوست من است.» پس وای بر آن‌هایی که خون امیر مؤمنان و حضرت زهرا (س) و فرزندان‌شان، که همان خون پیامبر بود را ریختند.

بله باید گریه، نه، شیون و فغان کرد از این همه جهالت و پستی و باید باور کرد که آنان نه تنها پیامبر را نپذیرفته بودند بلکه مسلمانی‌شان و ایمان‌شان به قرآن و خداوند نیز ظاهری و برای فریب عوام و رسیدن به مقاصد شومشان بود.

در این روزها که به سوگ گوهری بی‌همتا، سرور عالمیان و مادر هستی و پیامبران حضرت زهرا ی اطهر (س) نشسته‌ایم بزرگی خیانت و جنایت و ظلم آنان بیشتر دل شیعیان و دوستداران اهل بیت را می‌سوزاند. آری برآستی که باید گریه و ضجه و ناله و فغان سر داد، چون بشریت را از وجود مقدسی محروم کردند که خداوند به پیامبر و امتش به واسطه‌ی عطای وجود او که کوثر هستی بود منت گذاشت و همچنین در معرفی خاندان رسالت، محور اصلی را حضرت زهرا (س) نام برد که در حدیث کساء نیز چنین آمده: خداوند عزوجل فرمود: آنان خاندان نبوت و معدن رسالت‌اند آن فاطمه است و پدرش و شوهر و فرزندان‌ش.

پس باید فریاد برآورد که لعنت الله على قوم الظالمين و غاصبین و قاتلین و بنیان‌گذاران آن و پیروان آنان باد. چه بد مردمی بودند و هستند که سی سال امیر مؤمنان علی (ع) را مورد اذیت و آزار قرار دادند و تنها همدم او همسر گرامی و گران قدرش را شهید کردند، همان‌گونه که در شب شهادت حضرت زهرا (س) به پیامبر فرمود: که إنا لله و إنا الیه راجعون، ودیعه مسترد گردید و امانت پس گرفته شد لیکن

اندوه من سپری نمی‌شود و شب‌های من به بیداری خواهد گذشت تا خداوند مشیت کند و مرا در مکانی که تو در آن هستی جا بدهد. (خطبه‌ی ۲۰۱ نهج البلاغه)

شب‌های مولا به دل‌تنگی و بیداری در فراقِ بانوی دو عالم گذشت، مونسِ شب‌هایش درختان نخل بودند که به آن‌ها می‌فرمود: ای مونسان من، پروردگار کریم در نعمت مرا بی‌همتا آفریده و آنچه من داشتم ثروتی بود بالاتر از گنج‌های زمین و آسمان، گنجینه‌ام به منزلگاه رفت و من در بیابانی بدون رونق ماندم، فاطمه، جانِ من بود، اکنون من در جان خودم غمی را احساس می‌کنم که از فراق کوثر است.

عجبا، خدایا صبر امیر مؤمنان و رضا بودن او به مشیت پروردگار، انسان را شگفت‌زده می‌کند درحالی‌که مولا شب‌ها در فراق همسرش بسوزد و روزها مجبور باشد برای رضای خدا و پایداری دین اسلام صورت قاتلین او را تحمل کند درحالی‌که می‌توانست به یک اشاره همه‌ی آنان را گردن بزند.

در این روز جمعه، بیایید همان‌گونه‌ای که دعای ندبه سفارش کرده به فرزند زهرا (س) یعنی مهدی فاطمه یوسف زهرا امام، مولا و سرورمان بقیة الله ارواحنا لک فدا (عج) با اشک و فغان و ناله شکایت ببریم که مولا: دلِ ما در سوگ مادرت زهرا به خون نشسته و سال‌ها می‌گذرد و این داغ و مصیبت قلبمان را هر سال بیشتر آتش می‌زند و پیروان قاتلین مادر گرامی‌ات، هنوز ادامه دهنده‌ی راه آنان هستند. یا منتقم ما را دریاب که صبرمان لبریز شده چون در این خانه‌ی مقدس شما، هر سال بیشتر از سال قبل از شأن و مقام مادر و پدران‌تان آگاه شده و قلبمان برای حق که شما هستید مشتاق شده و دل‌تنگ می‌شود.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۳ اسفند ۹۴

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) (روایت دوم)

حمد و سپاس زینده‌ی پروردگار است؛ حمدی به طول خلقت و زمین و هفت آسمان، به دانه‌های باران، به شن‌های بیابان و شکر و ستایش خداوند حکیم را که قیامت و کرسی عدالت را بر جن و انس مقرر فرمود و در آن روز آدمی را از هر چه پیشاپیش فرستاده و بعد از خویش گذاشته خبر خواهند داد و نیکوکاران را پاداش و اسیران نفس اماره که دنیا را بدون مدبر دانسته و قیامت را دور دیدند و پا جای پای شیطان گذاشته و برای رسیدن به خواسته‌های نفسانی خود از هیچ ظلم و جنایتی روی گردان نبودند پس قیامت یک نعمت بزرگ الهی است که در کمین ستمکاران است. وای بر حال آنانی که بعد از ایمان گمراهی را برگزیدند و بر می‌گزینند؛ آنانی که در رکاب پیامبر خاتم، رسول اکرم حضرت محمد (ص) بودند وحی و حجت‌ها را شنیدند و عمل نکردند و برای چند روزه‌ی دنیا تباهی را برگزیدند؛ نصایح امیر مؤمنان علی (ع) را که دوست و دشمن گواه بر عمل صالح ایشان بودند را نشنیدند که فرمودند: هریک از شما بندگان خدا هنگامی می‌تواند به حضور خدای خود برسد که دستش از خون مسلمانان و اموال آن‌ها پاک و همچنین زبانش از بدگویی و تهمت زدن به آن‌ها پاک باشد و زبان یک مسلمان با ایمان پیرو عقیده‌ی قلبی اوست و آنچه می‌گوید همان است که به آن عقیده دارد ولی قلب منافق پیرو زبان او می‌باشد برای راه شما نشانه‌ها وجود دارد، طبق آن نشانه‌ها بروید و بدانید که خداوند برای شما مقرر کرده که آن را به انجام برسانید. در روز قیامت من گواه شما خواهم بود و به سود شما گواهی خواهم داد و حجت خواهم داد و حجت خواهم آورد. شما تصور می‌کنید که از شما غفلت می‌شود و به کار شما رسیدگی نمی‌کنند در صورتی که به طور مسلم مورد رسیدگی قرار می‌گیرید و چگونه است که مردمی چون شما از خدا دوری کرده‌اید و به سوی غیر از خدا متمایل شده‌اید؟ به آن کس سوگند که رسول‌الله (ص) را به حق مبعوث به پیغمبری کرد و او را بر تمام آفریدگان برتری داد که از من جز راستی نمی‌شنوید و رسول‌الله (ص) همه چیز را به من گفت و مرا از تباهی هر کس و

رستگاری آن کس که نجات می‌یابد و پایان کار این خلافت آگاه کرد و هیچ حقیقتی را از من فرو گذار ننمود؛ می‌بینیم آنانی که این نصایح گهربار را شنیدند و بر امیر مؤمنان و همسر گرامی‌اش و فرزندانش ظلم و جنایت روا داشتند، خود تباهی را برگزیدند پس بار الها لعنت کن بر اولین کسانی که بر اهل بیت پیامبر ظلم و جنایت کردند و بر پیروان و فرزندان آنان که هنوز نیز به این ظلم اصرار دارند.

لعنت الله علی قوم غاصبین و ظالمین.

اینک مهمانان کوی عشق و حقیقت، ما در این شب خون و اندوه در این خانه‌ی مقدس جمع شدیم تا در عزای شهادت گنجینه‌ی زمین و آسمان، خورشید عالم تاب و قیامت، کوثر جاری الهی، سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) اشک ریخته و بر سر و سینه زنیم خورشیدی که تابشش چشمان کوردلان را کور کرد و مقام و شأن والای ایشان را ندیدند. اینک توصیف زیبایی از زبان خودشان نقل می‌کنیم که فرمودند: روزی جبرئیل امین (س) بر خانه‌ی پدرم فرود آمد و فرمود: ای رسول خدا (ص)، برای شما طعامی آورده‌ام و شما اجازه دارید تا آن را با هر که اراده کنید میل بفرمایید و کاسه و طعامش را گذاشت و رفت؛ پدرم فرمود: فاطمه جان اهل بیت خانه‌ام را بر سر این سفره حاضر کن و من اهل بیتم را بر سر سفره حاضر کردم، همگی منتظر شدیم تا لقمه‌ی اول را پیامبر تناول کند ولی پدر مرا به سینه‌ی مبارکش چسباند و فرمود: فاطمه جان دست مبارکت را بر این طعام بگشا تا جان پدر آرام گیرد و من دست پدر را بوسیدم و گفتم: ای خاتم رسولان، آن را در برزخم ذخیره می‌کنم تا همواره بوی شما را احساس کنم پس پدر دست مبارکش را بر طعام زد و آن را بر سینه‌ی من مالید تا همواره ذخیره‌ی جانم گردد.

همچنین سرور عالمیان فرمودند که: روح خداوندی که بهترین و بالاترین نعمت پروردگار عالم است جان من گنجینه‌ی تمام کاخ‌های الهی است پس نامم کوثر است و تمام وعده‌های پروردگارم در جانم ذخیره شده تا همواره دستان حقی را در دستم قرار دهم که انوار روح را در جانشان افروخته‌اند تا در سایه‌ی انوارش به بهشت‌های وعده داده شده‌ی الهی دست یابند تا تاریکی از جانتان جدا گردد.

بله چه شبی است امشب، غم و اندوهش تا قیامت بر زمین سایه افکنده چون امشب جسم پاک و مطهر خورشید عالم تاب و گنجینه‌ی بی‌نظیر زمین و آسمان را در ظاهر شبانه و غریبانه در بقیع دفن شد و در باطن فرشتگان با طبق‌هایی از نور و تحیت و سلام صف در صف از بقیع تا جنات نعیم روح خداوندی‌اش را که کوثر و گنجینه‌ی تمام کاخ‌ها و نعمت‌های الهی بود عروجش را مشایعت می‌کردند و زمین از این جدایی‌اش فغان و ناله سر داد که هنوز نیز غربت مدینه، شهر پیامبر و بقیع را در ظاهر و شوکت جلال را در باطن آن کاملاً حس می‌توان کرد.

پس در این شب با چشمی اشک‌بار و دلی سوخته از این غم عاجزانه به پیشگاه پروردگاران شکایت ببریم که: بار الها خود فرمودی که نعمتی را که به بشر ارزانی داشتی آنان را محروم نمی‌کنی مگر اینکه خودشان آن نعمت را دگرگون کنند پس انتقام ما دل سوختگان با لعنت و عذاب ابدی بر آنانی که بشریت را از نعمت وجود مبارک سرور عالمیان محروم کردند قرار بده و آن پای که بر درب خانه‌ی مولایمان امیر مؤمنان علی (ع) لگد زد و باعث شد میخ مسمارش در پهلوی بانوی بزرگوار، سرورمان حضرت زهرا فرو رفته و موجب شهادت ایشان شود را تا ابد در شعله‌های سوزان در عذاب خشم خودت بسوزان و در ظهور فرزند برومند و گرمی‌شان مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) تعجیل بفرما تا به یاری ایشان حضرت فاطمه (س) را بشناسیم، چون با عدم شناخت شأن و مقامشان مدعیان شیعه با قصه پردازی‌های کاذب نه تنها شخصیت والایشان را تا یک بانوی معمولی پایین آوردند بلکه در این خیال پردازی‌ها به ساحت مقدس امیر مؤمنان نیز جسارت نمودند چون ناگفته پیداست که جانشینی پیامبر گرمی اسلام و امامت امت را پیامبر به دستور خداوند در غدیر به ایشان اعلام فرمود و در نتیجه امیر مؤمنان نیازی ندید که به اصرار و شمشیر از بیعت شکنان، مقام عطایی پروردگارش را بگیرند ولی چگونه می‌شود باور کرد کسی که پوزه‌ی قوی‌ترین پهلوانان گردنکش عرب را به خاک ذلت مالیده یا کشنده‌ی عمر بن عبد و برکننده‌ی در خیبر که هیچ کس جرئت مقابله از روبرو با او را نداشت و دیدیم ابن ملجم از پشت در حال نماز به ایشان ضربه زد اجازه دهد و یا ساکت بنشیند همسری چون حضرت زهرا (س) را که فقط ایشان به

شان و مقام والایش آگاهی داشت، دخت پیامبر را بی‌دفاع گذاشته تا نامحرمان سیلی به صورتش بزنند و دست خود ایشان را با طناب ببندند و همسرش بعد از زخم مهلکی که بین در و دیوار برداشت به کمک او بیاید و او را بگیرد و آن نامردان بازوی او را بشکنند. وحیرتا وحیرتا از این همه جهالت و بی‌انصافی و جسارت به وجود مقدس امیر مؤمنان، دوستداران علی (ع) کاری کردند که دشمنان نکردند. لازم است در این مورد واقعیت را بیان کنیم که همه‌ی درها به مسجد بسته شد الا در خانه‌ی امیر مؤمنان، هنوز نیز با وجود سعی در تخریب آن آثارش باقی است و حضرت زهرا از دری که به مسجد باز می‌شد از امامت و ولایت امیر مؤمنان دفاع نمودند. در بیرون از خانه نبودند تا کسی به او سیلی بزند و امیر مؤمنان در عبادت و نماز چنان روحش عروج می‌کرد که یک بار در نخلستان به حالتی درآمد که به حضرت زهرا خبر دادند که علی از دنیا رفته و ایشان فرمودند باز خواهد گشت کاری با او نداشته باشید در زمانی که آن ملعونان به در خانه آمدند ایشان در آن حالت بودند که حضرت زهرا (س) چنین نقل فرمودند که همسر من علی (ع) به من فرمود: فاطمه جان چرا صبر نکردی تا من به درب خانه بروم؟ من گفتم من اجازه‌ی ورود به درون حریم خانه ندادم و آن‌ها شکست خورده و نادم درحالی که به‌عنوان دزد معرفی شدند و رسوای صحرای قیامت هستند فرار کردند من با عمل خود به فرمان قرآن کریم عمل کردم، اجازه ندادم پاهای ناپاک آنان حریم خانه‌ای که محل قدم‌های پاک پیامبر بود آلوده کنند.

اینک از درگاه پروردگار کریم عاجزانه خواهیم یاری‌مان کند تا سرور عالمیان حضرت زهرا (س) را بشناسیم و این مهم محقق نخواهد شد مگر با زبان وارث تاج پیامبری فرزندی برومندش یوسف زهرا (عج)، پس فرج جانمان را در هدایت و برآورده شدن آن فریاد می‌کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج